



مجموعه ای که پیش روی شما است تحلیل برخی رویداد های مهم است که محور های آن در نشست های هم اندیشی سیاسی با حضور نخبگان و صاحب نظران این عرصه تعیین و توسط کارشناسان مسائل روز تدوین و نگارش می گردد.

تلاش نویسندگان و تحلیل گران بر این است که مطالب ارائه شده نزدیک ترین تحلیل به دیدگاه های مقام معظم رهبری مدظله العالی باشد و مورد توجه و استفاده سخنرانان برای طرح در مناظر قرار گیرد. خوشحال خواهیم شد نظرات و پیشنهادات اصلاحی را برای تکمیل این مجموعه ارسال نمایید.

معاونت فرهنگی هیأت رزمندگان اسلام



هیأت رزمندگان اسلام

تلفن : ۸۸۹۶۰۴۳۰

نمابر : ۸۹۷۸۰۳۱۳

پست الکترونیک : info@eheyat.com

شماره پیامک : ۶۶۰۰۰۹۹۷۵۵



تحلیل و نقد

با آثار و مقالاتی از:

دکتر رسول سنایی راد

دکتر یدالله جوانی

دکتر عبدالله گنجی

عباس حاجی نجاری

رضا داوری

عبدالله ضیغمی

دکتر رسول سنایی راد

۱۲ تا ۵

القاء بن بست یا توجیه برای سازش

عباس حاجی نجاری

۲۲ تا ۱۴

رسالت نیروهای انقلاب در شرایط تشدید جنگ
همه جانبه دشمن

رضا داوری

۴۵ تا ۲۴

دستاوردهای مقاومت ۴۰ ساله ایران در برابر فشارها و
تهدیدهای آمریکا

دکتر بدالله جوانی

۵۴ تا ۴۶

نقشه راه ۵۰ سال آینده انقلاب اسلامی

دکتر عبدالله گنجی

۷۷ تا ۵۶

سیر خیانت در ایران معاصر (قسمت اول قاجاریه و
پهلوی ها)

عبدالله ضیغمی

۸۹ تا ۷۸

شکست آمریکادر “جنگ اقتصادی”
علیه ایران و روی آوردن به “جنگ روانی”

تکلیف و دایما

دکتر رسول سنایی راد

القاء بن بست یا توجیه برای سازش



تنهانیل به سطح
بالاتر از استحکام
وقدرت در عرصه
اقتصاد است که
می تواند دشمن را
به عقب نشینی در
جنگ اقتصادی و
کاهش تحریم ها
وادار سازد.

چکیده

■ «بن بست رسیدن کشور» یکی از محورهای القائی در عرصه سیاسی است که با نفی صریح رهبر معظم انقلاب مواجه شده است.

این خط سیاسی که در امتداد تصویر سازی منفی از نظام جمهوری اسلامی و برای درهم شکستن مقاومت ملی در برابر تحریم ها و فشارهای ظالمانه دنبال می شود، راه حل مشکلات اقتصادی پیش آمده را سازش و مذاکره با آمریکا داشته و در برخی موارد هم به دنبال توجیه برخی کم کاری ها و سوء تدابیر نیز می باشد.

حال آنکه واقعیت ها گویای این است که گرچه وجود مشکلات و مسائل اقتصادی انکار ناپذیر اما هیچکدام از آن ها لاینحل نیستند که کشور به بن بست خورده باشد و از طرفی وجود توانمندی ها و ظرفیت های عظیم داخلی امکان رسیدگی و حل آن ها را فراهم ساخته و تنهانیل به سطح بالاتر از استحکام و قدرت در عرصه اقتصاد است که می تواند دشمن را به عقب نشینی در جنگ اقتصادی و کاهش تحریم ها وادار سازد.

تحلیل و ارزیابی

مقدمه

وجود بحران یا بن بست در کشور از جمله القائنات خطرناکی است که توسط عناصر ضعیف النفس، مرعوب و واداده یا خسته و کم کار مطرح می شود. این تلقی می تواند به یاس و ناامیدی در جامعه برای حل مشکلات دامن زده و یک آفت در مسیر پیشرفت و توسعه کشور به حساب آمده و زمینه ساز کوتاه آمدن و سازش در برابر بیگانگان باشد که فشارهای تحریمی را با هدف واداشتن کشور به چنین سازشی به اجرا گذاشته اند. در مقابل این تلقی، باور رهبر معظم انقلاب اسلامی قرار دارد که به صراحت اعلام می دارد: «در کشور بن بستی نداریم» و می تواند با تکیه بر ظرفیت ها و توانمندی های داخلی تمامی مشکلات کشور را حل کرد و مسیر پیشرفت کشور را ادامه داد. در این نوشتار این موضوع به بحث گذاشته شده است.

تحلیل و راهها

الف) چرایی القاء وجود بن بست در کشور

القاء وجود بحران و بن بست در کشور که با فشارهای تحریمی و ظالمانه آمریکا وارد مرحله جدیدی شده، پیش از این نیز سابقه داشته که در قالب گزاره‌های گوناگون و با ادبیات مختلفی طرح می‌شده است. مثلاً در دوره‌ای سخن از قرار داشتن کشور در شرایط شعب ابی طالب به بیان می‌آمد و در دوره‌ای کشور را در شرایط بحران می‌دانستند و در ماه‌های گذشته هم از رسیدن کشور به بن بست یاد شده که مدعیان، دو هدف عمده را دنبال می‌کنند:

۱- دادن آدرس غلط برای حل مشکلات کشور به آن سوی مرزها و توجیه ضرورت سازش و مذاکره با آمریکا و متحدان غربی آن.

۲- توجیه برخی کم‌کاری‌ها و غفلت از انجام مسئولیت‌ها برای حل مسائل جامعه.

۳- تأثیر پذیری از عناصر نفوذی و دچار شدن به خطای محاسباتی و راهبردی. در واقع این تلقی در آن دسته از مسئولان، و فعالان سیاسی یا رسانه‌ای وجود دارد که حل مشکلات کشور به خصوص در عرصه اقتصادی را بدون استفاده از ظرفیت‌ها و امکان بیرونی میسر ندانسته و لذا مذاکره و سازش با بیگانگان را در عین رفتار ظالمانه و استکباری آنان با توجیه ضرورت تعامل، اجتناب ناپذیر، بلکه لازم می‌دانند.

جالب اینجاست که معمولاً قبله‌آمال این گروه غرب بوده و وقتی سیاست چرخش به شرق برای تعدیل در رویه ظالمانه کشورهای غربی مطرح می‌شود، به سابقه غیر قابل اعتماد روسیه و تکنولوژی سطح پایین چین متوسل شده و همچنان بر طبل غربگرایی می‌کوبند. گرچه وجه مشترک کسانی که کلید حل مشکلات کشور را در بیرون جستجو می‌کنند نوعی خود کم‌بینی و شیفتگی به بیگانگان است.

ب) نبود بن بست و وجود راه حل برای مشکلات کشور

رهبر معظم انقلاب اسلامی که نگاهشان متکی بر نظرات کارشناسان ارائه شده از سوی گروه‌های نخبگی و فکری است و دارای اشراف کامل بر شرایط کشور هستند به صراحت می‌گویند: «ما بن بست نداریم، ما راهی که نتوانیم حرکت کنیم و پیش برویم نداریم.»

این تأکید که بارها توسط رهبری و در اجتماعات مختلف تکرار شده، اهداف ذیل را برآورده می‌سازد:



حفظ دولت به عنوان
نهادی برآمده از رای
مردم نه تنها براساس
جایگاه قانونی آن
یک ضرورت است
بلکه نوعی احترام
به رای مردم نیز به
حساب می آید.

تحلیل و ارزیابی



آبان ۱۳۹۷
هیأت رزمندگان اسلام



به عبارت دیگر این
رئیس جمهور است
که با وعده حل
مشکلات کشور، رای
مردم را کسب کرده
و مسئول بکارگیری
ظرفیت ها و
مقدورات کشور برای
حل این مشکلات
است

۱- جلوگیری از خطای راهبردی احتمالی برخی مسئولان و یا اصلاح آن.

۲- خنثی سازی تاثیر القائات روانی بیگانگان و عناصر وابسته یا مرعوب در جامعه.

البته قراردادن کشور در بن بست یک باور متکی بر کارشناسی نذر رهبر معظم انقلاب است. از این رو معظم له برخلاف برخی شخصیت ها و گروه های دلسوز نظام و انقلاب که معتقد به ورود ایشان به تمام مسائل کشور و تشکیل دستگاه های اضطراری برای حل مشکلات اقتصادی کشور هستند، قائل به توانایی دولت به حل مشکلات و ضرورت نداشتن چنین اقداماتی هستند.

براساس نگاه و تدبیر رهبر معظم انقلاب، شورای عالی اقتصاد با حضور سران سه قوه با هدف تمرکز بر مسائل اصلی اقتصادی و هماهنگی جهت حل سریع آن ها کفایت داشته و همین دولت می تواند مسائل اقتصادی را برطرف کند. ضمن اینکه حفظ دولت به عنوان نهادی برآمده از رای مردم نه تنها براساس جایگاه قانونی آن یک ضرورت است بلکه نوعی احترام به رای مردم نیز به حساب می آید. در واقع ایشان معتقدند که:

۱- با همین ساختار و دولت و با مسئولیت رئیس جمهور، مشکلات اقتصادی کشور حل می شود.

۲- بدون تشکیل دستگاهی موازی باید سایر نهادها و دستگاه ها در صورت نیاز به کمک دولت آمده و صرفا ظرفیت های خود را برای حل مشکلات در اختیار دولت قرار دهند.

به عبارت دیگر این رئیس جمهور است که با وعده حل مشکلات کشور، رای مردم را کسب کرده و مسئول بکارگیری ظرفیت ها و مقدورات کشور برای حل این مشکلات است و لذا مردم و سایر دستگاه ها باید در حل مشکلات با دولت همراهی و همکاری کنند.

ج) لوازم حل مشکلات:

قرار نداشتن کشور در بن بست به معنای نفی وجود مشکلات به ویژه در عرصه اقتصاد نبوده و وجود مشکلاتی چون تورم، گرانی، بیکاری و کاهش تولید و ... مردم عزیز کشورمان را به زحمت انداخته و اذیت می کند. اما با وجود مواجه بودن کشور با شرایط چالشی و وجود مشکلات آزار دهنده، امکان حل آن ها نیز وجود دارد و این مشکلات لاینحل به حساب نمی آیند.

تجارب گذشته و واقعیت های مربوط به برجام هم نشان می دهند که کلید حل مشکلات نه در بیرون و از کانال مذاکره و سازش بلکه در درون و مدیریت انقلابی و جهادی و افزایش کارآمدی ها است. اقدامات راهبردی ذیل که خوشبختانه بخشی از آن



تجارب گذشته و
واقعیت‌های مربوط
به برجام هم‌نشان
می‌دهند که کلید
حل مشکلات نه
در بیرون و از کانال
مذاکره و سازش بلکه
در درون و مدیریت
انقلابی و جهادی و
افزایش کارآمدی‌ها
است.

تحلیل‌های

۹

آبان ۱۳۹۷
هیأت‌رئیس‌رسان اسلام

به اجرا درآمده می‌تواند مشکلات اقتصادی مردم را حل کند:

۱- ایجاد هماهنگی و همسویی بین قوا برای تعیین اولویت‌ها و تمرکز برای حل آن‌ها که خوشبختانه با تشکیل شورای عالی اقتصاد با حضور سران سه قوه تا حدود زیادی محقق شده است.

البته چنین شورایی باید با حضور مسئولان مرتبط تقویت شده و دستگاه‌های مسئول و دست‌اندرکار با حضور در این شورا منتظر ابلاغ مصوبات نمانده و مکلف به اقدام و اجرا پس از تصمیم و تصویب باشند.

۲- باور به ضرورت پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی و اهتمام به تحقق آن به عنوان اصلی‌ترین راهکار درمان شکنندگی اقتصاد ملی و مسدود ساختن راه فرصت‌طلبی دشمنان از آسیب‌ها و ضعف‌های اقتصاد کشور و وسوسه آنان در استفاده از تحریم و فشارهای ظالمانه که البته برای جبران تاخیر چندساله باید یکی از اولویت‌های دولتمردان محسوب شود. اساس چنین اقتصادی تکیه بر منابع و تولید داخلی است.

۳- افزایش تحرک و تلاش مسئولان و مدیران اقتصادی کشور متناسب با مسائل و نیازهایی که به تعبیر رهبر معظم انقلاب «حجم و کیفیت و عملکرد مسئولان اقتصادی باید به گونه‌ای باشد که شب و روز نشناسید» به عبارتی مدیریت و تلاش جهادی لازمه حل مشکلات پدید آمده که ناشی از جنگ اقتصادی است می‌باشد.

۴- افزایش کارآمدی با تغییر مدیران کم‌تحرک و بی‌انگیزه و تغییر در رویه‌ها، حذف مقررات دست و پاگیر که نه تنها میدان را برای افزایش تحرک و پویایی در بخش‌های اقتصادی فراهم کند بلکه زمینه حضور، مشارکت و هم‌افزایی را به نفع حل مشکلات و مسائل مهیا نماید.

۵- بازکردن میدان برای حضور بخش خصوصی و محورسازی فعالیت شرکت‌های دولتی که عمدتاً با هزینه‌های سنگین از کارآمدی لازم برخوردار نیستند. به ویژه در این عرصه باید برای فعالیت نیروهای جوان، سالم، پر نشاط و مبتکر موانع تولید و فضای کسب و کار برطرف و میدان فعالیت آنان فراهم شود.

۶- استماع و بکارگیری نظرات نخبگان و فعالان اقتصادی کشور و تغییر رویکردها با استفاده از تجارب و یافته‌های علمی آنان و فراتر رفتن از حلقه‌های کارشناسی

محافظه کار و لیبرالی که بسیاری از مشکلات فعلی حاصل نظرات آنان می باشد.

۷- مبارزه قاطع و بی امان با مفسدان اقتصادی که نه تنها به روند سالم فعالیت ها و فعالین سالم اقتصادی لطمه زده و زمینه رقابت سالم و انگیزه تلاش اقتصادی را سلب می کنند، به بی اعتمادی و ناامیدی در جامعه نیز آسیب زده و زمینه مشارکت عمومی مردم را در حل مسائل اقتصادی از بین می برند.

۸- تشدید نظارت ها و اصلاح رویه ها و اختصاص منابع مالی و ارزی به فعالان و بنگاه های اقتصادی و اولویت بندی در مصرف منابع به رفع نیازهای اساسی جامعه و جلوگیری از هدر رفت یا سوء استفاده از آن به گونه ای که نیازی به مبارزه قضائی با مفساد نباشد.

ج) ظرفیت ها و توانمندی های کشور برای حل مسائل و مشکلات اقتصادی

کشور وسیع و پهناور ایران اسلامی با سوابق تمدنی و تاریخی پرافتخار و مردمی دارای استعداد بالاتر از متوسط و اعتماد به نفس برآمده از یک انقلاب بزرگ، دارای ظرفیت ها و توانمندی های بسیار زیاد و موثری است که با بکارگیری آن ها هر مشکل و مساله اقتصادی را در داخل کشور به سرانجام رسانده و حل کرده. بخشی از این ظرفیت ها و توانمندی ها عبارتند از:

۱- توان علمی و نخبگی کافی برای ریشه یابی مشکلات و حل آن ها که نمونه آن تشکیل ۴ کمیته تخصصی برای حل مسائل اقتصادی پس از نشست نخبگان اقتصادی کشور با رئیس جمهور است.

چنانچه دولت به انتقادات و پیشنهادات نخبگان توجه و به دنبال اعمال آن برآید، می توان از کمک علمی و حتی تجربه نخبگان تجربی و فعالان اقتصادی برای حل مشکلات سود جست و خوشبختانه کشور، از سرمایه انسانی عظیم در این عرصه برخوردار است.

۲- برخورداری از منابع و درآمد ارزی کافی و بالاتر از نیاز کشور که با مدیریت درست آن می توان پاسخگوی تمام نیازهای کشور بود. آمارها گویای این است که ارزش تولیدات داخلی شامل نفت، گاز، محصولات پتروشیمی، فلزات و... حدود ۳۰۰ میلیارد دلار است. این در حالی است که مصرف اساسی ارز کشور حدود ۴۰ میلیارد دلار می باشد که ۱۵ میلیارد برای کالاهای اساسی و ۲۵ میلیارد برای کالاهای واسطه ای است. البته متأسفانه تاکنون واردات بی رویه و قاچاق کالا موجب هدر رفتن این منابع می شد که مدیریت صحیح آن به نفع تولید و اشتغال می تواند ذخایر ۱۲۰ میلیاردی کشور را نیز افزایش دهد.



مجموعه این
توانمندی‌ها و
ظرفیت‌ها امکان حل
مشکلات کشور را
بدون دادن اختیار
به بیگانه و پذیرش
شرایط ذلت بار
سازش با آنان فراهم
ساخته است که البته
بکارگیری و بهره
برداری از آن مستلزم
مدیریت انقلابی و
جهادی می‌باشد.

تحلیل‌ها

۱۱

آبان ۱۳۹۷
هیأت‌رئیس‌مندان اسلام

۳- فراهم شدن زمینه مبادلات تجاری با حذف دلار با کشور های مهمی چون روسیه، چین، هند و ترکیه که سهم بزرگی در تجارت داشته و هم زمانی جنگ اقتصادی آمریکا با برخی از این کشورها به آن ها انگیزه همکاری بالایی برای تجارت با پول ملی و حذف دلار آمریکا را داده که تحریم های آمریکایی را کم اثر می سازد.

۴- امکان استفاده از بخش های اقتصادی کاملاً داخلی به عنوان موتور محرک اقتصاد و تولید اشتغال مثل بخش مسکن که هر ۱۰۰ متر مربع یک نفر اشتغال به تولید و حدود ۸۰ رشته شغلی در ساخت مسکن و حدود ۴۰ رشته شغلی پس از ساخت مسکن فعال می شوند و این در حالی است که این بخش هیچگونه نیازی به خارج نداشته و به صورت کاملاً داخلی قابلیت فعال شدن را دارد.

۵- ماهیت آمریکایی تحریم ها و نداشتن تایید سازمان ملل و تلاش اتحادیه اروپا برای حفظ برجام که آنان را ناچار به ایجاد سازوکارهای تجاری خارج از کنترل آمریکا برای جلوگیری از خروج ایران از برجام ساخته و اراده آمریکا را برای تشدید تحریم ها با مشکلات و موانعی مواجه ساخته است.

۶- امکان جابجایی منابع تامین نیازهای وارداتی به ویژه با سیاست چرخش به شرق که نه تنها تامین نیازها را ممکن می سازد بلکه شرایط پایدارتری را برای حل مشکلات اقتصادی فراهم می کند. روابط تجاری ایران با چین و هند و روسیه به مراتب از روابط تجاری ما با کشورهای غربی از ثبات و پایداری بیشتری برخوردار بوده و این کشور ها انگیزه حفظ و توسعه آن را هم برای منافع خویش و هم کاستن از نفوذ و سلطه آمریکا بر تجارت جهانی دارند.

۷- سابقه تحریم ها و تجارب ارزنده کشور برای دور زدن تحریم ها که در کنار آمادگی بسیاری از کشورها برای همکاری تجاری و انجام مبادلات اقتصادی شرایط لازم برای حل مشکلات و پاسخگویی به نیازها را فراهم می آورد.

بنابراین مجموعه این توانمندی ها و ظرفیت ها امکان حل مشکلات کشور را بدون دادن اختیار به بیگانه و پذیرش شرایط ذلت بار سازش با آنان فراهم ساخته است که البته بکارگیری و بهره برداری از آن مستلزم مدیریت انقلابی و جهادی می باشد.

چه بسا شرایط فعلی کشور اگر با مدیریت راهبردی مواجه باشد می تواند فرصت های ارزنده ای برای استقلال و خودکفایی در عرصه اقتصاد و خداحافظی با اقتصاد نفتی متکی به واردات را فراهم سازد. تحقق چنین پدیده ای مستلزم باور به وجود جنگ اقتصادی، آگاه سازی و همراه سازی مردم و مدیریت انقلابی و جهادی است نه سوء استفاده و فرصت طلبی برای بازگرداندن عناصر فتنه گر داخلی به چرخه قدرت و رفتن به سمت مذاکره و سازش با دشمن به عهده ای که با نقض برجام، همین تحمیل مذاکره و باج خواهی را با فشار و تحریم ظالمانه هدفگذاری کرده است. در پایان با توجه به گفته رهبر معظم انقلاب باید اذعان داشت که نگاه به درون می تواند راهگشای حل مشکلات باشد:

«نگاه خوشبینانه به استعداد بومی کشور» بایستی جدی باشد، استعدادها پرورش پیدا کند؛ اینها پایه های اصلی کار است. وقتی کشوری با تکیه ای به استعداد های درونی، با تکیه ای به ابتکار نیروی انسانی خود، با تکیه ای به ایمان خود و با اتحاد حرکت میکند، قطعاً به نتایج مطلوب خواهد رسید. ۱۳۹۲/۰۶/۲۶

تحلیل و ارزیابی

تکلیف و جدلیها

عباس حاجی نجاری

رسالت نیروهای انقلاب
در شرایط تشدید جنگ همه جانبه دشمن

چکیده

تشدید جنگ همه جانبه کاخ سفید علیه مردم ایران در دورانی که آمریکا به گفته وزیر خارجه این کشور، شدیدترین تحریم‌های تاریخ را علیه مردم ایران وضع کرده است، بیانگر این است که ماه‌های آینده دورانی سرنوشت‌ساز در روند تقابل چهل ساله آمریکا علیه مردم ایران است. در این میان، رسالت نیروهای انقلاب در مواجهه با اقدامات دشمن سنگین تر از دیگران است، چرا که در عین آگاهی از ضعفها و ناکارآمدی‌های دستگاههای اجرایی و بی انگیزگی برخی از آنها برای خدمت به مردم و حل مشکلات کشور و یا حتی سوءاستفاده از این شرایط برای ثروت اندوزی و... به دلیل ضرورت تمرکز توان و ظرفیت برای حفظ اقتدار نظام و مقابله با دشمن و حفظ وحدت و انسجام داخلی و...، باید اهتمام اصلی خود را برای بهره گیری از همه ظرفیت‌ها در جهت کمک به دستگاههای نظام برای برون رفت از این شرایط معطوف کرده و اختلافات و رقابت‌های سیاسی را به بعد موکول کنند. چرا که اعتقاد بر این است که در این شرایط نمی توان میان نظام و دولت تفاوتی قائل شد و تقویت وحدت و انسجام ملی و کمک به کاهش آلام مردم، نقشه راه برون رفت از این شرایط است.

در این گزارش موضوعات زیر مورد بررسی قرار می گیرد

اهداف و سناریوهای دشمن در ماههای آینده

فرصت‌های ایران در مقابله با جنگ همه جانبه دشمن

راهکارهای نیروهای جبهه انقلاب در این شرایط در بیانات رهبری

چه باید کرد؟

پیش نیاز مقابله با جنگ همه جانبه دشمن

تشدید جنگ همه جانبه کاخ سفید علیه مردم ایران در دورانی که آمریکا به گفته وزیر خارجه این کشور، شدیدترین تحریم‌های تاریخ را علیه مردم ایران وضع کرده است، بیانگر این است که ماه‌های آینده دورانی سرنوشت‌ساز در روند تقابل چهل ساله آمریکا علیه مردم ایران است، و هوشیاری و اقدام هوشمندانه مردم و مسئولان ایران می‌تواند این چالش را به فرصتی برای اعتلا و عزت انقلاب اسلامی تبدیل کند، اگر چه برای مردم و مسئولان ایران که تجربه ۸ سال مقاومت در دوران دفاع مقدس و چهل سال ایستادگی در برابر تحریم‌های اقتصادی و تهاجم فرهنگی و سیاسی دشمن را در کارنامه خود دارند، مقابله با این جنگ هم چندان دشوار نیست، چرا که هم دشمن آشکارا بر این جنگ و برای شکست اراده و تسلیم مردم ایران تصریح و تأکید دارد و هم ابعاد و ویژگی‌ها و هم پیامدهای آن روشن است. و راهکارهای مقابله با آن نیز به لحاظ ساز و کارها و توانمندی‌های بالقوه و بالفعل مردم ایران چندان دور از دسترس نیست. با این تفاوت که همچون دوران دفاع مقدس مقابله با این جنگ :

تحلیل و راهکارها

۱۶

آبان ۱۳۹۷
هیأت رزمندگان اسلام

الف: نیازمند مدیران و فرماندهانی با اراده، توانمند، با انگیزه است، تا با فرماندهی و هدایت صحنه، یک بار دیگر اراده و قابلیت ایران اسلامی را همچون دوران دفاع مقدس بر دشمن متجاوز تحمیل و دشمن را در این عرصه نیز به شکست بکشانند.

ب: نیازمند نیروهای مجاهد و خستگی ناپذیر است تا با مجاهدت و تلاش در عرصه‌های اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی، بار دیگر اراده، قابلیت و توانمندی خود را بر دشمنان تحمیل و برگی دیگر در تاریخ زرین انقلاب اسلامی بیافرینند

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیداری که با اعضای هیئت دولت در تاریخ ۱۳۹۷/۹/۷ داشتند با تأکید بر اینکه دشمن به دلیل برخی ضعف‌ها و خلأهای اقتصادی، بر موضوع اقتصاد کشور متمرکز شده است، خاطرنشان کردند: در زمینه اقتصادی باید قوی و پُر حجم کار کرد و تمام خلأها را پر کرد که همه این موارد امکان پذیر و شدنی است و ما در اداره اقتصاد کشور بن‌بست نداریم. ایشان افزودند: حجم و کیفیت فعالیت و عملکرد مسئولان اقتصادی کشور باید به گونه‌ای باشد که شب و روز شناسند و محور فعالیت‌ها هم سیاست‌های اقتصاد مقاومتی باشد که اساس آن تکیه بر تولید داخلی است.



تحقق این مطالبه رهبری مستلزم مدیریت جهادی؛ تلاش شبانه روزی، وقت شناسی برای خدمت، توکل به خدا، گذشت، تقدم منافع جمعی بر منافع فردی، خدا باوری، آخرت گرایی و ساده زیستی، مقابله با اشرافی گری، ظلم ستیزی، مذمت خوی کاخ نشینی و مبارزه با فساد است.

تحلیل و ارزیابی

۱۲

آبان ۱۳۹۷
هیأت‌رزمندگان اسلام

تحقق این مطالبه رهبری مستلزم مدیریت جهادی؛ تلاش شبانه روزی، وقت شناسی برای خدمت، توکل به خدا، ایشار، گذشت، تقدم منافع جمعی بر منافع فردی، خدا باوری، آخرت گرایی و ساده زیستی، مقابله با اشرافی گری، ظلم ستیزی، مذمت خوی کاخ نشینی و مبارزه با فساد است. در نگاه اول ممکن است وجود و یا تحقق این ویژگی ها در نسل جدید غیر ممکن و یا غیر واقعی به نظر برسد، اما تاریخ چهل ساله انقلاب و به ویژه در دوران دفاع مقدس آدرس و مشخصات هزاران تن از این مدیران و فرماندهان را می توان یافت که حتی جانشان را برای تحقق آرمان و اهداف انقلاب و نظام اسلامی فدا کرده و الگویی ماندگار از مدیران و فرماندهان جهادی را به یادگار گذاشتند. و اکنون نیز بسیاری از جوانان انقلابی و با انگیزه را با همین مشخصات به ویژه در بخشهای دفاعی، صنعتی و دانشگاهی کشور می توان یافت که با سپردن مسئولیت به آنان می توان آسان تر از شرایط کنونی عبور کرد

اهداف و سناریوهای دشمن

در سالهای آغازین انقلاب دشمنان نظام اسلامی دشمنان مبتنی بر برآورد ضعف دستگاههای انتظامی و امنیتی و نظامی ایران، محور اصلی مقابله با نظام را در عرصه های امنیتی و نظامی تعیین و با تلاش برای ایجاد بحرانهای امنیتی و حمله نظامی برای تصرف شهرهای ایران تمامیت ارضی و نظام اسلامی را هدف قرار دادند.

در شرایط کنونی نیز دشمنان مبتنی بر برآورد از ضعف اقتصادی و فرهنگی مردم ایران به رغم گذشت چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی، محور اصلی هجمه علیه مردم ایران را اعمال تحریمهای فلج کننده اقتصادی و جنگ رسانه ای و فرهنگی قرار داده اند.

اهداف مرحله ای دشمن در این جنگ عبارت است از:

- (۱) تسلیم ایران
- (۲) تغییر رفتار
- (۳) تغییر نظام اسلامی

سناریوهای طراحی شده برای تحقق این اهداف شامل راهکارهای زیر است، که تلاش دارد آنها را عملیاتی سازد:

۱. تشدید تحریم‌های اقتصادی و برهم زدن قراردادها و معاملات ایران برای به صفر رسانیدن امکان صدور نفت ایران

۲. تولید و به کارگیری کلیدواژه‌هایی مانند قحطی، قفسه خالی فروشگاه‌ها و جیره‌بندی در جنگ رسانه‌ای با هدف تشویق و ترغیب مردم به خرید و احتکار اجناس

۳. القاء ناکارآمدی و بن بست در نظام اسلامی

۴. فعال سازی عوامل وابسته و نفوذی برای ایجاد اختلال در روند تولید، توزیع کالاها و ارز

۵. القای انزوای منطقه‌ای و بین‌المللی ایران از طریق برهم زدن روابط ایران با کشورهای دیگر

۶. تحرک فوق‌العاده برای ساماندهی و هدایت گروهک‌های ضدانقلاب و معاند و مخالف و ایجاد یک اپوزیسیون قدرتمند که بتواند جایگزین نظام اسلامی باشد.

۷. بهره‌گیری از ظرفیت‌های مذهبی، قومی و منطقه‌ای برای بحران سازی و اقدامات ضد امنیتی

۸. تمرکز بر ایجاد و توسعه اعتراضات صنفی و اعتصابات نظیر اعتصاب کامیون داران، بازاریان و معلمان و...

۹. نفوذ و سرمایه‌گذاری روی نخبگان داخل کشور و تلاش برای بی‌تفاوت سازی و تغییر باور آن‌ها نسبت به نظام اسلامی

۱۰. منفعل سازی نیروهای مؤمن به انقلاب

۱۱. ایجاد و تقویت ساختارهای کمی و کیفی در تیم‌های مختلف عملیات روانی با بهره‌گیری از ایستگاه‌های استقراری منافقین و معاندین وده‌ها شبکه ماهواره‌ای و

فضای مجازی برای جریان سازی در جنگ رسانه‌ای

فرصت‌های ایران در مقابله با جنگ همه‌جانبه دشمن

روند فشارها و تهدیدات دشمن به رغم تحمیل هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی بر مردم ایران، روشنگری مردم و به ویژه نسل جوان را در پی داشت و سبب شد که علاوه بر نقاط قوت و توانمندی‌های موجود، فرصت‌های جدیدی نیز برای مقابله با دشمن به وجود آید که اهم آنها را به شرح زیر می‌توان برشمرد:

۱. تقویت وحدت و انسجام ملی و ناکامی دشمن در شکل دهی به اجتماعات اعتراضی با

توجه به اهمیت حفظ تمامیت ارضی و امنیت اجتماعی برای مردم

۲. شناخته شدن ماهیت امریکایی‌ها و کینه‌ورزی آن‌ها علیه مردم ایران برای آحاد جامعه و به ویژه جوانان و نخبگان و فعال شدن آن‌ها در صحنه و اعلام آمادگی برای کمک به دولت
۳. درک ارزش استقلال و عظمت ایران توسط آحاد مردم و به ویژه نسل جدید با توجه به پیامدهای برخورد تحقیرآمیز آمریکا با حکام کشور های منطقه و اعطای نشان گاو شیرده به آنها و وابستگی کشور های منطقه به امریکا
۴. روند رو به بهبود عملکرد قوای سه‌گانه در مقابله با تحریم‌ها و حل مشکلات مردم و مقابله با مفاسد اقتصادی و اطلاع‌رسانی‌ها و تنویر افکار عمومی
۵. وجود ظرفیت‌های ناب منابع انسانی، اقتصادی، سیاسی و نظامی در عرصه‌های دفاعی و هسته‌ای و نانو تکنولوژی و...
۶. دست‌برتر نظام در ایجاد امنیت و پاسخگویی به تهدیدات نظامی و امنیتی دشمن
۷. نقش رهبری و روشنگری‌های ایشان در تقویت باور و اعتماد ملی و ایجاد امید در مردم و مسئولان و تدابیر راهگشای معظم‌له در گشودن گره‌ها و رفع معضلات کشور
۸. شکاف روزافزون در جبهه مقابل ایران و رسوایی اخیر سعودی‌ها در قتل خاشقجی که ظرفیت اثرگذاری کاخ سفید را در روند تحولات منطقه به شدت کاهش داده است
۹. روند رو به گسترش همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه میان ایران، با کشور های همسایه و شرقی نظیر روسیه، ترکیه، پاکستان، چین هند، و...
۱۰. نقش تعیین‌کننده ایران در تحولات منطقه و نفوذ و عقبه راهبردی در نقاط حساس منطقه
۱۱. ضعف گروه‌های ضد انقلاب برای تبدیل شدن به یک اپوزیسیون قدرتمند و رقابت درونی آنان باهم.
۱۲. آشکار شدن اختلافات دیرینه آمریکا و اروپا و تلاش اروپائیه‌ها برای خروج از سلطه ۷۰ ساله آمریکائیه‌ها



ما بن بست نداریم،
عیب واقعی این
است که جوان
کشور گمان کند
راه حلی وجود
ندارد جز پناه بردن
به دشمن.

تحلیل و ارزیابی

۲۰

آبان ۱۳۹۷
هیأت رزمندگان اسلام

راهکارهای نیروهای جبهه انقلاب در این شرایط در بیانات رهبری

حضرت آیت... خامنه‌ای در اجتماع عظیم و پُرشکوه بسیجیان در روز پنج شنبه ۱۲ مهرماه در ورزشگاه صد هزار نفری در ترسیم راهکارهای آینده در مقابله با دشمن یادآور شدند که: تصور نکنید راهی که پیش روی ماست یک اتوبان آسفالت‌ه بی مانع است؛ نه، راه پیشرفت به روی ما باز است اما راه، پُرپیچ و خم است. موانعی وجود دارد. دشمن به طور کامل در مقابل ما فعال است. ما باید در مقابله با موانع، این راه را طی کنیم.

معظم له در بیانات خود در جمع شرکت کنندگان در رزمایش راهکار مقابله با دشمن را در چند گام ترسیم نمودند.

اول: برای آنکه بتوانیم راه را طی کنیم، احساس حضور دشمن و وجود دشمن است.

دوم: اعتماد به نفس و عزم در ایستادگی لازمه این مبارزه است...

سوم: شناخت حوزه و عرصه تهاجم گام سوم است.

چهارم: گام چهارم فهم درست واقعیت‌های ایران و جهان است.

پنجم: شناخت واقعیت‌ها و توانمندی‌های خودی کمک می‌کند که راهبرد مقابله به درستی طراحی شود، اینکه ما بن بست نداریم، عیب واقعی این است که جوان کشور گمان کند راه حلی وجود ندارد جز پناه بردن به دشمن.

ششم: بعضی سعی می‌کنند بن بست را به جوانان ما القا کنند. من صریحاً اعلام می‌کنم کسانی که در داخل کشور، این فکر را که مطلوب و محبوب دشمن است ترویج می‌کنند، این‌ها خیانت می‌کنند. این خیانت به کشور است. من به حول و قوه‌ی الهی و به کمک شما، تاجان و توان در بدن دارم نخواهم گذاشت این اتفاق در کشور بیفتد.

هفتم: اگر دشمن در ما وحدت مشاهده کند، در ما احساس قدرت و عزم راسخ را ببیند، عقب می‌نشیند.

چه باید کرد؟

رسالت نیروهای انقلاب در این مواجهه سنگین تراز دیگران است، چرا که در عین آگاهی از ضعف‌ها و ناکارآمدی‌های دستگاه‌های اجرایی و بی‌انگیزگی برخی از آنها برای خدمت به مردم و حل مشکلات کشور و یا حتی سوء استفاده از این شرایط برای ثروت اندوزی و...، به دلیل ضرورت تمرکز توان و ظرفیت برای حفظ اقتدار نظام و مقابله با دشمن و حفظ وحدت و انسجام داخلی و...، باید اهتمام اصلی خود را برای بهره‌گیری از همه ظرفیت‌ها

“

بعضی سعی می کنند
بن بست را به جوانان
مالقا کنند. من
صریحا اعلام می کنم
کسانی که در داخل
کشور، این فکر را که
مطلوب و محبوب
دشمن است ترویج
می کنند، این ها
خیانت می کنند.
این خیانت به کشور
است.

تحلیل و راهکارها

۲۱

آبان ۱۳۹۷
هیأت رزمندگان اسلام

“

اگر دشمن در ما
وحدت مشاهده کند،
در ما احساس قدرت
و عزم را ببیند،
عقب می نشیند.

در جهت کمک به دستگاههای نظام برای برون رفت از این شرایط به کار بگیرند، چراکه اعتقاد بر این است که در این شرایط نمی توان میان نظام و دولت تفاوتی قائل شد و تقویت وحدت و انسجام ملی و کمک به کاهش آلام مردم، نقشه راه برون رفت از این شرایط است و به همین دلیل است که در شرایطی که فعالان و رسانه های اصلاح طلب و طیف های مختلف این جریان برای حفظ موقعیت خود و حفظ آراء خاکستری جامعه و فراقکنی نسبت به مسئولیت خود در انفعال کنونی دستگاههای اجرایی، بیشترین انتقادات را نسبت به دولت مطرح می کنند، رسانه ها و فعالان جبهه انقلاب، ضمن حفظ هوشیاری و طرح نقدهای منطقی و بیان هوشمندانه مطالبات مردم بر حمایت از دولت تأکید دارند، به این امید که دولت بتواند ظرفیت های ملی را برای مقابله با جنگ اقتصادی و رسانه ای دشمن بسیج کرده و قابلیت و کارآمدی نظام را اثبات کند.

برخی از راهکارها را به شرح زیر می توان برشمرد:

۱. بهره گیری از ظرفیت و توان دستگاهها برای کمک به حل مشکلات معیشتی مردم و اقدامات عمرانی در نقاط محروم نظیر اقدامات بسیج در رزمایش محمد رسول الله ۲
۲. ارائه راهکار عملی برای کمک به کارآمدی دولت و حل مشکلات کلیدی کشور (نقدینگی-بانک-ارز-فساد-قاچاق-سفته بازی-اشتغال واردات و...) با کمک نخبگان دانشگاهی، صنعت، اقتصاد و بازار
۳. تبیین و توجیه جوانان و نیروهای فعال انقلاب و بسیجی نسبت به وضع موجود و چرایی رویکرد حمایت نسبی و مشروط نظام از دولت و تشریح وظیفه خطیر آنها در جنگ پیش رو
۴. فعال شدن در فضای مجازی با تمرکز بر؛ شفاف سازی، افشای چهره واقعی دشمنان و حمله به آنها، پاسخ به شبهات و تبیین راه کارها
۵. تمرکز سپاه، بسیج و نخبگان و نهادهای انقلابی بر کانون های بحران و مشکلات کلیدی مردم و پیگیری حل آنها از طریق نهادهای قانونی
۶. طرح مطالبات منطقی از دولت، مجلس، قوه قضائیه، و جلوگیری از سوء استفاده دشمنان از آن با تأکید بر اینکه دستگاهها باید با توجه به اختیارات قانونی و اختیارات ویژه ای که در این شرایط رهبری به آنها تفویض کرده است باید پاسخگوی مشکلات باشند

۷. کسب اشراف اطلاعاتی بر فعالیتهای جریان ضدانقلاب و جریانههای غافل و همسو با دشمن و برخورد مناسب امنیتی قضایی و عنداللزوم ارشادی
۸. مقابله با خط القای دشمن در بن بست نمایی شرایط کنونی از طریق بازخوانی مستمر نقاط قوت و فرصتهای نظام اسلامی و دستاوردهای انقلاب در چهل سال گذشته به رغم تهدیدات و فشارهای دشمنان برای مردم و جوانان در رسانه ها و به ویژه رسانه ملی و فضای مجازی
۹. تبیین واقعیات اقتصادی کشور و تأکید بر اینکه کشور ما یک اقتصاد بزرگ است (اقتصاد هجدهم در دنیا) تحریم ها نمیتواند زیر ساخت های اقتصادی را تغییر دهد
۱۰. پرهیز از تضعیف دولت و دیگر قوا در عین نقد منطقی آنها و تأکید بر اینکه براساس تدبیر مقام معظم رهبری باید دولت سر کار بماند و مشکلات کشور را حل کند.
۱۱. به تصویر کشیدن کارآمدی نظام در عرصه های دفاعی، هسته ای، علمی و نانو تکنولوژی و... و اثبات اینکه در صورت بکارگیری نیروهای جوان و انقلابی و متخصص در عرصه های دیگر، حل مشکلات کشور امکان پذیر خواهد بود

کلام آخر:

امام خامنه ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی در رزمایش بزرگ حضرت محمد رسول الله در ۱۲ مهرماه در ورزشگاه آزادی با تبیین دقیق اهداف و راهبردهای دشمن و ظرفیتهای نظام اسلامی در مقابله با آن، یادآور شدند که: من به طور قاطع با اطلاعی که از وضعیت کشور دارم، قاطعاً می گویم این ملت و این نسل جدید تصمیم گرفته است که دیگر تحقیر نشود و دنباله روی قدرت های بیگانه و دشمن نشود. تصمیم گرفته که ایران عزیز را به اوج افتخار و عزت برساند و این توانایی را دارد. اقتصاد ملی ما می تواند تحریم را شکست دهد و شکست تحریم، شکست آمریکا است و آمریکا یک سیلی دیگر از ملت ایران خواهد خورد.

تکلیف و جدلیها

رضا داوری

دستاوردهای مقاومت ۴۰ ساله ایران
در برابر فشارها و تهدیدهای آمریکا

❖ پیروزی انقلاب اسلامی ایران آغاز تحولات ژئوپلیتیکی اساسی بود که ایران تحت سلطه و در اردوگاه غرب را، به سمت یک کشور مستقل و قدرتمند منطقه‌ای به حرکت درآورد و پس از ۴۰ سال ایستادگی و مقاومت نه تنها به بازیگر اصلی منطقه تبدیل شده ایم بلکه در آستانه تبدیل شدن به یک قدرت بین‌المللی هستیم.

❖ پیروزی انقلاب اسلامی با شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» در ایران، ژئوپلیتیک ایران را به طور کلی تغییر داد. انقلاب اسلامی با فرو ریختن رژیم فاسد، مستبد و وابسته پهلوی، ایران را از چنگال غرب و آمریکا خارج ساخت و به یک کشور مستقل با هویت اسلامی تبدیل نموده، با انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام مردم‌سالار در ایران، ژئوپلیتیک این کشور در راستای تأمین منافع ملی، امنیت ملی و پیشبرد آرمان‌ها و اهداف انقلابی، متحول گردید.

❖ قدرت‌های جهانی که با ظرفیت‌ها و قابلیت‌های ژئوپلیتیکی ایران آشنا بودند، از پیروزی انقلاب اسلامی به وحشت افتاده، تمام قوای خود را برای شکست این انقلاب و فرو ریختن نظام سیاسی دینی و انقلابی دینی و انقلابی برخاسته از آن بسیج کردند. قدرت‌های جهانی و خصوصاً دو ابر قدرت شرق و غرب، به خوبی دریافته بودند که جمهوری اسلامی با شعارهای آرمان‌گرایانه انقلابی در صورت تثبیت و تحکیم پایه‌های خود، با بهره‌گیری از موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک ایران در منطقه راهبردی غرب آسیا، می‌تواند علاوه بر تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای تعیین‌کننده، به یک قدرت بین‌المللی تبدیل شود.

❖ برهم خوردن موازنه قدرت به ضرر رژیم صهیونیستی در منطقه، از جمله عوامل دیگری بود که علاوه بر نگران ساختن صهیونیسم بین‌الملل، نگرانی حامیان این رژیم را به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی در ایران با شعارها، آرمان‌ها و اهداف ضد استکباری و ضد صهیونیستی به دنبال داشت. بر

اساس چنین تحلیل‌ها و برآوردهای راهبردی بود که پس از انقلاب اسلامی، سیاست جهانی در راستای مقابله با انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی از سوی قدرت‌های شرقی و غربی تنظیم شد و بر اساس این سیاست، توطئه‌ها علیه ملت ایران، یکی پس از دیگری طراحی و به مرحله اجرا درآمد.

■ اکنون و در دهه چهارم انقلاب اسلامی، به رغم توطئه‌ها و فتنه‌های گوناگون از سوی نظام سلطه و متحدینش علیه ملت ایران، جمهوری اسلامی به یک قدرت مؤثر و تعیین کننده منطقه‌ای تبدیل شده است و روند تحولات جاری در منطقه، از آینده‌ای درخشان برای ایرانیان حکایت می‌کند؛ آینده‌ای که در آن تمدن نوین اسلامی با محوریت جمهوری اسلامی شکل گرفته است. آینده‌ای که قطب قدرت جهان اسلام در یک نظام چندقطبی با محوریت جمهوری اسلامی تحقق پیدا کرده است.

■ نتایج مقابله غرب به سرکردگی آمریکا حاصلی جز ناکامی، بی‌حیثیتی، افول قدرت، برانگیختن نفرت جهانی، ناتوانی و شکست نبود. اما ملت مسلمان ایران نتایج این ایستادگی و مقاومت خود را در موارد بسیاری مشاهده کرد که مهمترین آنها عبارتند از:

الف) ماندگاری معجزه آسا و رسیدن به سن چهل سالگی و در حال عبور از این مرحله حساس تاریخی و پانهادن به آستانه ۵۰ ساله تمدن نوین ایرانی - اسلامی.

ب) عبور از همه موانع و چالش‌هایی که دشمنان داخلی و خارجی آن را ایجاد کرده‌اند.

ج) رسیدن به نقطه آسیب‌ناپذیری که امکان تقابل مستقیم را از دشمنان سلب کرده است.

د) دستیابی به پیشرفت‌های غیرقابل مقایسه با ابتدای پیروزی انقلاب در همه عرصه‌ها

■ «نظم جدید جهانی در حال شکل‌گیری است، اما برخی این واقعیت را درک نکرده و هنوز معتقدند باید تسلیم غرب شد.» این عبارت و گزاره راهبردی، بخشی از بیانات رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری در روز پنجشنبه سیزدهم شهریور است. مقام معظم رهبری در این دیدار، با اشاره به اینکه انقلاب اسلامی از مهم‌ترین عناصر به چالش کشیده شدن پایه‌های نظم جهانی بود، فرمودند: «کشور باید قوی باشد تا در پدید آوردن نظم جدید جهانی ایفای نقش کند.»



بر هم خوردن موازنه
قدرت به ضرر رژیم
صهیونیستی در
منطقه، از جمله عوامل
دیگری بود که علاوه
بر نگران ساختن
صهیونیسم بین
الملل، نگرانی حامیان
این رژیم را به دنبال
پیروزی انقلاب اسلامی
و استقرار جمهوری
اسلامی در ایران با
شعارها، آرمان ها و
اهداف ضد استکباری
و ضد صهیونیستی به
دنبال داشت.

تحلیل و ارزیابی

۲۲

آبان ۱۳۹۷
هیأت رزمندگان اسلام

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ آغاز تقابل ایران به عنوان کشوری مستقل و الهام بخش با ایالات متحده آمریکا بود. کارشناسان علوم سیاسی، انقلاب اسلامی را انقلابی دو گانه یا دو وجهی معرفی می کنند زیرا علاوه بر اینکه انقلابی علیه وابستگی، استبداد و فساد سیستماتیک داخلی بود و توانست رژیم شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله را سرنگون کند، انقلابی علیه نفوذ، دخالت و استعمار خارجی یا به تعبیر دیگر، وابستگی خارجی نیز بود.

بر این اساس حضرت امام خمینی^(ع) هنگام ورود به کشور در سال ۵۷ در مصاحبه ای فرمودند که اگر چه بیرون راندن شاه از کشور کار بزرگی است، اما بزرگتر از آن، قطع نفوذ خارجی است. در واقع، انقلاب اسلامی، به عنوان انقلابی بزرگ در صدد بود تا روند تحولات جامعه ایران را در تمام ابعاد دگرگون کند. به بیان دیگر، «شعار مرگ بر آمریکا»ی مردم ایران نشان می داد که روند حرکت تاریخ در ایران از این پس تغییر خواهد کرد و دیگر خبری از ایران تحت سلطه و نفوذی که آمریکا بخواهد بر آن حکمرانی کند، نیست.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران آغاز تحولات ژئوپلیتیکی اساسی بود که ایران تحت سلطه و در اردوگاه غرب را، به سمت یک کشور مستقل و قدرتمند منطقه ای به حرکت در آورد و پس از ۴۰ سال ایستادگی و مقاومت نه تنها به بازیگر اصلی منطقه تبدیل شده ایم بلکه در آستانه تبدیل شدن به یک قدرت بین المللی هستیم. نتایج مقابله غرب به سرکردگی آمریکا حاصلی جز ناکامی، بی حیثیتی، افول قدرت، برانگیختن نفرت جهانی، ناتوانی و شکست نبود. اما ملت مسلمان ایران نتایج این ایستادگی و مقاومت خود را در موارد بسیاری مشاهده کرد که مهمترین آنها عبارتند از:

(الف) ماندگاری معجزه آسا و رسیدن به سن چهل سالگی و در حال عبور از این مرحله حساس تاریخی و پانهدان به آستانه ۵۰ ساله تمدن نوین ایرانی - اسلامی.
(ب) عبور از همه موانع و چالش هایی که دشمنان داخلی و خارجی آن را ایجاد کرده اند.
(ج) رسیدن به نقطه آسیب ناپذیری که امکان تقابل مستقیم را از دشمنان سلب کرده است.

(د) دستیابی به پیشرفت های غیر قابل مقایسه با ابتدای پیروزی انقلاب در همه عرصه ها.

موقعیت ژئوپلیتیکی ایران قبل از انقلاب اسلامی

برای دست یافتن به درک درستی از موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در دوران قبل از انقلاب اسلامی، توجه به موقعیت راهبردی خاورمیانه یا منطقه غرب آسیا ضروری است. خاورمیانه اصطلاحی است که به وسیله انگلیسی ها بعد از جنگ جهانی دوم رواج یافت و شامل منطقه ای می شود که از نظر استراتژیکی و ژئوپلیتیکی دارای اهمیت فراوان است و شامل کشورهای ترکیه، ایران، عراق، سوریه، اردن، لبنان، فلسطین، مصر، سودان و کشورهای شبه جزیره عربستان می باشد. در برخی از منابع، کشورهای پاکستان و افغانستان را نیز اصطلاح خاورمیانه در بر می گیرد. این منطقه که بهترین عنوان برای آن، «غرب آسیا» می باشد، از جهات گوناگون مهم است و در نظام جهانی و سیاست های جهانی، از جایگاه ویژه ای برخوردار می باشد. اهمیت این منطقه به دلایل زیر است:

الف - از نظر جغرافیایی؛ غرب آسیا، سه قاره مهم آسیا، اروپا و آفریقا را به یکدیگر پیوند می دهد. آبراه های مهم خلیج فارس، دریای عمان، دریای عرب، دریای سرخ و مدیترانه در این منطقه است. تنگه های مهم و استراتژیکی مانند تنگه هرمز، جبل الطارق، بسفر، دار دانیل و باب المندب در این منطقه است. این آبراه ها و تنگه ها، نقش مهمی در اقتصاد و تجارت جهانی ایفا می کنند.

ب - از نظر جمعیتی؛ از نظر جمعیتی در غرب آسیا حدود ۵/۶٪ جمعیت جهان زندگی می کنند. سه کشور ایران، ترکیه و مصر، حدود ۵۰ درصد جمعیت غرب آسیا را در خود جای داده اند. ۵۰ درصد جمعیت این منطقه جوان و زیر بیست سال می باشند.

ج - از نظر مذهبی؛ غرب آسیا مظهر و جایگاه پیدایی و رشد سه دین مهم اسلام، مسیحیت و یهودیت است. اکنون ۹۳ درصد مردم این منطقه مسلمان، کمتر از ۳ درصد مسیحی و کمتر از ۲ درصد یهودی هستند. ده درصد جمعیت این منطقه را شیعیان تشکیل می دهند. بیت المقدس برای پیروان هر سه دین یاد شده از اهمیت برخوردار بوده و دارای قداست است. کعبه، مسجد الحرام، مسجد النبی و عتبات عالیات به این منطقه اهمیت بالایی داده است.

د - از نظر اقتصادی؛ غرب آسیا و به ویژه خلیج فارس، محل اصلی ذخایر نفت و گاز جهان است. خلیج فارس از روزگاران گذشته، یکی از مراکز مهم تجاری دنیا محسوب می شده، لکن در دهه های اخیر با توجه به نقش انرژی در صنعت از یک سو و انباشت انرژی در خلیج فارس از دیگر سو، این منطقه بیش از پیش مورد توجه قدرت های جهانی قرار گرفته است.



اکنون و در دهه
چهارم انقلاب اسلامی،
به رغم توطئه ها و
فتنه های گوناگون
از سوی نظام سلطه
و متحدینش علیه
ملت ایران، جمهوری
اسلامی به یک قدرت
مؤثر و تعیین کننده
منطقه ای تبدیل شده
است.

تحلیل ژورنالیست

۲۹

آبان ۱۳۹۷
هیأت زینندگان اسلام

ایران در این منطقه راهبردی از جهان، دارای یک دوره حاکمیت تاریخی بوده است. حاکمیت تاریخی ایرانیان بر خلیج فارس به زمان های بسیار دور برمی گردد. بعد از اسلام نیز ایرانیان اداره کنندگان اصلی امور دریانوردی بین خلیج فارس و چین بودند و به همین دلیل از این طریق، اسلام به چین راه یافت و در این مسیر گروهی در کشورهای هند، مالزی، اندونزی و تایلند به اسلام گرویدند.

با ورود پرتغالی ها به خلیج فارس در سال ۱۵۰۶ میلادی و متعاقب آن دیگر کشورهای اروپایی به خلیج فارس، نفوذ بیگانگان در این منطقه آغاز گردید و از پیامدهای این نفوذ، پایان یافتن دوران برتری ایران در منطقه بود. در اواسط دوران صفویه، انگلیسی ها در ایران نفوذ کردند و در عصر قاجار، ایران عرصه تاخت و تاز بیگانگان گشت و در دوران رژیم پهلوی، و به ویژه در دوران پهلوی دوم، ایران در اردوگاه غرب و تحت سلطه کامل آمریکا قرار گرفت.

در این دوران ژئوپلیتیک ایران، تأمین کننده منافع بلوک غرب و آمریکا در برابر بلوک شرق بود و رژیم پهلوی، نقش ژاندارمی خلیج فارس را بر اساس سیاست دو ستونی «نیکسون» رئیس جمهور آمریکا پذیرفته بود. در یک دوره طولانی، منافع موقعیت ژئوپلیتیکی ایران، نه برای ملت ایران، بلکه برای بیگانگان بود.

ایران در این دوره، متحد رژیم صهیونیستی بود و به عضویت پیمان هایی چون سنتو در راستای تأمین منافع غرب و مقابله با نفوذ کمونیسم در آمده بود. در این دوره استقلال ایران مخدوش و عزت ایرانیان پایمال شده بود. به عبارت دیگر در چندین دهه منتهی به انقلاب اسلامی، ژئوپلیتیک ممتاز ایران به دلیل سیاست قدرت های جهانی از یک طرف، و حاکمیت رژیم های فاسد دیکتاتور و وابسته به بیگانه در ایران از طرف دیگر، نه تنها نفعی برای مردم ایران نداشت، بلکه منشأ مشکلات فراوانی برای ایرانیان نیز شده بود.

ژئوپلیتیک ایران بعد از انقلاب اسلامی

پیروزی انقلاب اسلامی با شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» در ایران، ژئوپلیتیک ایران را به طور کلی تغییر داد. انقلاب اسلامی با فرو ریختن رژیم فاسد، مستبد و وابسته پهلوی، ایران را از چنگال غرب و آمریکا خارج ساخت و به یک کشور مستقل با هویت اسلامی تبدیل نموده، با انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام مردم سالار در ایران، ژئوپلیتیک این کشور در راستای

تأمین منافع ملی، امنیت ملی و پیشبرد آرمان ها و اهداف انقلابی، متحول گردید. قدرت های جهانی که با ظرفیت ها و قابلیت های ژئوپلیتیکی ایران آشنا بودند، از پیروزی انقلاب اسلامی به وحشت افتاده، تمام قوای خود را برای شکست این انقلاب و فرو ریختن نظام سیاسی دینی و انقلابی دینی و انقلابی بر خاسته از آن بسیج کردند. قدرت های جهانی و خصوصاً دو ابر قدرت شرق و غرب، به خوبی دریافته بودند که جمهوری اسلامی با شعارهای آرمان گرایانه انقلابی در صورت تثبیت و تحکیم پایه های خود، با بهره گیری از موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک ایران در منطقه راهبردی غرب آسیا، می تواند علاوه بر تبدیل شدن به یک قدرت منطقه ای تعیین کننده، به یک قدرت بین المللی تبدیل شود.

بر هم خوردن موازنه قدرت به ضرر رژیم صهیونیستی در منطقه، از جمله عوامل دیگری بود که علاوه بر نگران ساختن صهیونیسم بین الملل، نگرانی حامیان این رژیم را به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی در ایران با شعارها، آرمان ها و اهداف ضد استکباری و ضد صهیونیستی به دنبال داشت. بر اساس چنین تحلیل ها و برآوردهای راهبردی بود که پس از انقلاب اسلامی، سیاست جهانی در راستای مقابله با انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی از سوی قدرت های شرقی و غربی تنظیم شد و بر اساس این سیاست، توطئه ها علیه ملت ایران، یکی پس از دیگری طراحی و به مرحله اجرا درآمد. اکنون و در دهه چهارم انقلاب اسلامی، به رغم توطئه ها و فتنه های گوناگون از سوی نظام سلطه و متحدینش علیه ملت ایران، جمهوری اسلامی به یک قدرت مؤثر و تعیین کننده منطقه ای تبدیل شده است و روند تحولات جاری در منطقه، از آینده ای درخشان برای ایرانیان حکایت می کند؛ آینده ای که در آن تمدن نوین اسلامی با محوریت جمهوری اسلامی شکل گرفته است. آینده ای که قطب قدرت جهان اسلام در یک نظام چند قطبی با محوریت جمهوری اسلامی تحقق پیدا کرده است. نشانه های چنین آینده ای را می توان در گزاره های زیر به درستی مورد مطالعه قرار داد:

۱- جمهوری اسلامی با تکیه بر موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی خود به ویژه بر آبراه های خلیج فارس، تنگه هرمز، دریای عمان و اقیانوس هند، با تشکیل نیروی دریایی راهبردی از سوی ارتش و سپاه، از اقتدار دریایی بر خوردار است. اقتدار دریایی و اقتدار موشکی جمهوری اسلامی، ایران را در برابر هر نوع تهدید نظامی از سوی قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای ایمن ساخته و به سطح قدرت بازدارندگی رسانده است.

۲- در رقابت سنگین و نفس گیر میان نظام سلطه و متحدینش با جمهوری اسلامی بر



روند تحولات جاری
در منطقه، از آینده‌ای
درخشان برای ایران‌بان
حکایت می‌کند؛
آینده‌ای که در آن تمدن
نوین اسلامی با محوریّت
جمهوری اسلامی شکل
گرفته است. آینده‌ای
که قطب قدرت جهان
اسلام در یک نظام
چندقطبی با محوریّت
جمهوری اسلامی تحقق
پیدا کرده است.

تحلیل ژوآلایا

۳۱

آبان ۱۳۹۷
هیأت‌رئیس‌مجلس

سرترتیبات منطقه‌ای غرب آسیا، آمریکا طی ۱۳ سال گذشته شکست‌های پی در پی خورده است؛ به گونه‌ای که غرب آسیا به نمایشگاهی از شکست‌های آمریکا تبدیل شده است که نقش جمهوری اسلامی در این شکست‌ها، یک نقش اصلی می‌باشد. شکست‌های آمریکا و متحدینش در غرب آسیا، به معنای ناکامی ایالات متحده در شکل دهی به نظم نوین جهانی مورد نظر این کشور پس از فروپاشی نظام دوقطبی است. اکنون با ارتقای موقعیت منطقه‌ای ایران و تبدیل جمهوری اسلامی به قدرت تعیین‌کننده در این منطقه از یک طرف، و افول قدرت آمریکا به عنوان محور نظام سلطه و مدعی رهبری جهان برای یک صد سال از طرف دیگر، نظم جهانی در حال تغییر است و نظم جدیدی در حال شکل‌گیری می‌باشد. در نظم جدید در حال شکل‌گیری، ایران با موقعیت ژئوپلیتیکی برتر، محور یک قطب قدرت خواهد بود. دلایل زیر توجیه‌کننده و توصیف‌کننده این قطب قدرت می‌باشد:

۱-۲- شکل‌گیری جبهه مقاومت با محوریّت جمهوری اسلامی ایران در برابر رژیم صهیونیستی و مداخله‌های بیگانگان در منطقه؛ جبهه مقاومت در منطقه راهبردی غرب آسیا، به یک قدرت بی‌نظیر تبدیل شده و به طور اساسی موازنه قدرت را در این منطقه، به ضرر رژیم صهیونیستی و حامیان منطقه‌ای و فرماندهی‌های اش تغییر داده است. این قدرت از یک طرف بر آبراه استراتژیک خلیج فارس مسلط است و از طرف دیگر با اتصال سرزمینی از طریق عراق و سوریه، در سواحل مدیترانه به یک قدرت تعیین‌کننده تبدیل شده است. جنگ‌های ۳۳ روزه، ۸ روزه، ۵۱ روزه و شکست توطئه جریان‌های تکفیری با حمایت یک جبهه غربی، عبری، عربی و ترکی در سوریه، عراق و لبنان، نشان‌دهنده قدرت محور مقاومت در منطقه می‌باشد.

۲-۲- شکل‌گیری پدیده بیداری اسلامی در منطقه با الهام بخشی جمهوری اسلامی، عمق راهبردی ایران را در منطقه افزایش داده است. پدیده بیداری اسلامی در منطقه یک واقعیت است. هر چند بیداری اسلامی در کشورهای چون مصر، به دلایلی به انحراف کشیده شد، لکن تحولات شبه جزیره و خصوصاً تحولات یمن، نشان می‌دهد که در آینده عمده کشورهای غرب آسیا در کنترل جریان‌های اسلامی همسو با ایران خواهد بود.

بنابر آنچه آمد؛ می‌توان گفت، انقلاب اسلامی تحولات ژئوپلیتیکی اساسی را برای ایران رقم زده و ایران تحت سلطه و در اردوگاه غرب را، به یک کشور مستقل و قدرتمند منطقه‌ای تبدیل نموده است. اما این قدرت منطقه‌ای با توجه به تحولات منطقه و جهان، در آستانه تبدیل شدن به یک قدرت بین‌المللی می‌باشد.

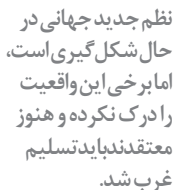
نگاهی به شکست‌های آمریکا در آمریکای جنوبی - که عمدتاً سیاسی و ایدئولوژیک بوده تا اقتصادی - و زنجیره پیروزی‌های احزاب سیاسی چپ در ونزوئلا، برزیل، نیکاراگوئه، اکوادور و بولیوی از این واقعیت حکایت دارد که جایگزینی در درون سرمایه‌داری ظهور کرده است و در این رابطه نیز می‌توان به نمونه اروپایی این تحول اشاره کرد که طی آن احزاب رادیکال در این قاره ظهور کرده‌اند.

نظم نوین ادعایی آمریکا که پس از پایان جنگ سرد ایجاد شده بود به دلیل ضعف نظامی و اقتصادی این کشور در حال فروپاشی است. متعاقب زوال آمریکا، قدرت‌های جدیدی نیز در حال ظهور هستند که نگاه تجدیدنظر طلبانه به نظم آمریکایی دارند و به خاطر اینکه قواعد و هنجارهای آن را قبول ندارند، در صدد در نظم جهانی آینده نقش مهمی ایفا کنند. پیروزی دونالد ترامپ به عنوان فردی مخالف ساختار حاکم بر آمریکا، از ناکارآمدی موجود در سیاست، اقتصاد و جامعه این کشور حکایت دارد. ترامپ در ظاهر شعار بازگرداندن قدرت آمریکا را سر می‌دهد، اما او علاوه بر ناکامی در حل مشکلات بنیادین آمریکا، بر دشواری‌های این کشور به ویژه در عرصه جهانی خواهد افزود و افول جایگاه هژمونیک این کشور را تسریع خواهد کرد. همچنانکه سیاست‌های جنجالی وی در مدت کوتاه زمامداری در کاخ سفید به خوبی این مسئله را آشکار کرده است.

افول هژمونیک ایالات متحده آمریکا

شرایط کنونی ایالات متحده در عرصه بین‌المللی را می‌توان به طور مختصر در محورهای ذیل ارزیابی کرد:

افول هژمونیک آمریکا پس از دهه ۷۰ میلادی کماکان ادامه دارد و این محل اجماع نظر بسیاری از متفکران عرصه روابط بین‌الملل در غرب است که با وجود تلاش آمریکا برای احیای هژمونی خود پس از پایان جنگ سرد، این تلاش ناکام مانده و علی‌الدوام این کشور در حوزه‌های مختلف سیاسی، امنیتی - نظامی، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی روند نزولی را طی می‌کند. مبنای هژمونی آمریکا «سلطه همراه با رضایت» و از طریق فرآیند



«اقناع» بوده که استفاده مکرر این کشور از عناصر «زور»، «اجبار» و «تنبیه» نشانه فاصله گرفتن آمریکا از «سلطه همراه با رضایت» و گرایش به «سلطه همراه با زور» است. از دیگر سو، همراهی نکردن بسیاری از دولت‌ها حتی بعضاً متحدان این کشور، در برخی سیاست‌ها و نیز نفرت و بدبینی بسیاری از ملت‌ها از سیاست‌های آمریکان نشانه شکست در فرآیند اقناع محسوب می‌شود.

بحران اقتصادی این کشور که از سال ۲۰۰۸ میلادی آغاز شد، کماکان ادامه دارد و در این خصوص چند نکته حائز اهمیت است: نخست، این بحران از آمریکا به دیگر مناطق به ویژه اروپا گسترش یافته و این درک توسط ملت‌های اروپایی وجود دارد که بحران اقتصادی آنها ناشی از وضعیت آمریکاست. در مرتبه دوم، برخلاف بحران‌های پیشین در نظام سرمایه‌داری و اقتصاد آمریکا که هر بار با تغییر سیاست‌های اقتصادی به دوران رونق باز می‌گشت، برای بحران فعلی چشم‌انداز روشنی متصور نیست. در واقع راه‌حل خاص و مشخصی برای برون‌رفت از بحران قابل تصور نیست.

هرچند نمی‌توان با اطمینان از شکست کامل اقتصاد آمریکا سخن گفت و سوم، بحران اقتصادی فعلی در آمریکا به حوزه‌های اجتماعی (شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی) کشیده شد و به تدریج به بحران سیاسی تبدیل شد که نمونه آن جنبش تسخیر وال استریت است. نکته مهم در جنبش مذکور، فهم رو به گسترش افکار عمومی آمریکا از بی‌عدالتی و فساد هیات حاکمه این کشور، حساس شدن مردم به رفتارهای خارجی آمریکا و به تدریج بی‌اعتمادی نسبت به سیاستمداران است؛ به گونه‌ای که در نظرسنجی اخیر، شغل سیاستمداری پس از شغل فروشندگان اتومبیل‌های دست دوم، کثیف‌ترین شغل از منظر کلاهی‌داری و دروغ‌در جامعه آمریکا دانسته شده است.

سقوط رژیم‌ها و دیکتاتورهای متحد آمریکا در خاورمیانه و شمال آفریقا باعث شده؛ نخست، این کشور برخی متحدان اصلی خود را در منطقه که حامی و مجری سیاست‌های آمریکا در منطقه بودند از دست بدهد، دوم، به عنوان حامی حاکمان دیکتاتور نزد افکار عمومی معرفی شود و سوم، به دلیل عدم حمایت مورد انتظار از این حاکمان، دیگر متحدان آمریکا در منطقه نسبت به وضعیت مشابه برای خود، به آمریکا کم اعتماد شوند.

نفرت و حداقل بدبینی افکار عمومی ملت‌ها نسبت به آمریکا چه در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا چه در دیگر کشورهای اسلامی، به عنوان مثال در هند و پاکستان و جنوب شرق آسیا و چه در میان ملت‌های منطقه آمریکای لاتین، شرایط را برای مشروعیت‌یابی آمریکا در جهت تحقق اهداف و سیاست‌هایش بسیار مشکل کرده است.

شکست آمریکا در تحقق اجماع جهانی علیه ایران، چه در سطح دولت‌ها و چه در سطح افکار عمومی ملت‌ها، با وجود پروژه‌های سنگین ایران هراسی موجب شده که آمریکا برای هرگونه اقدامی چه تحریم و چه تجاوز نظامی، دچار محدودیت و پرداخت هزینه‌های گزاف شود که نمونه بارز آن، برگزاری اجلاس گذشته سران جنبش عدم تعهد در ایران است. پرونده هسته‌ای ایران، بیش از آنکه ناظر بر مسائل فنی و حقوقی و حتی سیاسی باشد، تبدیل به مساله حیثیتی و اعتباری برای آمریکا شده که با این همه فضا سازی، مذاکره، تحریم و قطعنامه و تهدید علیه ایران، هیچ اثر قابل قبولی بر روند پیشرفت هسته‌ای ایران نداشته است. در واقع شرایط پرونده هسته‌ای ایران با توجه به حیثیتی شدن آن و هزینه‌هایی که آمریکا برای آن پرداخته، شکست دیگری را از منظر اعتباری برای این کشور در پی داشته است.

بحران سازی در سوریه، اقدامی است که ایالات متحده به همراه برخی کشورهای عرب منطقه و ترکیه به تلافی شکست در دیگر کشورها مانند مصر و تونس، آغاز کرده‌اند تا به نوعی اندکی از امتیازات از دست رفته در منطقه را بازیابی کنند. شکست مکرر آمریکا در تصویب قطعنامه ضد سوری و کاهش شدت بحران در سوریه و برگزاری انتخابات پر شور در این کشور، از دیگر نقاط ضعف آمریکا شده است. در حال حاضر، تمرکز درگیری‌ها در سوریه از منازعه میان مردم و حاکمیت به منازعه میان حاکمیت و گروه‌های معارض و بعضاً مسلح و نیز به منازعه میان دولت سوریه با برخی کشورهای عربی و غرب تبدیل شده که نشان دهنده عبور دولت سوریه از گردنه اصلی و خطرناک بحران است. در این راستا، ابهام و سردرگمی و اختلاف نظر راهبردی در سیاست‌های ایالات متحده نسبت به بحران سوریه، این نقطه ضعف را بیشتر نمایان کرده و به تدریج تبدیل به تهدیدی برای آمریکا در آینده می‌شود؛ تهدیدی که متوجه توان اجماع متحدین در موضوعی واحد و جلب اعتماد همراهان نسبت به آمریکا در آینده است.



حضرت امام
خمینی (ره) هنگام ورود
به کشور در سال ۵۷
در مصاحبه‌ای فرمودند
که اگر چه بیرون راندن
شاه از کشور کار
بزرگی است، اما بزرگتر
از آن، قطع نفوذ
خارجی است.

تحلیل ژورنالی

۳۵

آبان ۱۳۹۷
هیأت‌رئیس‌جمهور

پیروزی احزاب و گروه‌های اسلام‌گرا در کشورهای مصر و تونس و عدم توان مدیریت اوضاع در لیبی توسط آمریکا، یکی دیگر از شکست‌های این کشور محسوب می‌شود؛ چرا که عمده‌اهتمام خود را در مدیریت این قیام‌ها بر عدم حاکمیت اسلام‌گرایان متمرکز کرده بود. هر چند کماکان به دنبال انحراف و سرخورده کردن این قیام‌ها نیز هست.

فضای منازعه‌آمیز آمریکا و روسیه بر کسی پوشیده نیست. پیروزی ولادیمیر پوتین در انتخابات ریاست جمهوری گذشته، با توجه به مواضع مخالف آمریکای پوتین، یکی دیگر از شکست‌های آمریکا محسوب شده که بحران اوکراین نمونه بارز این تنازع است؛ تنازعی که همگان بر دست بسته بودن و در موضع ضعف قرار داشتن ایالات متحده در این ماجرا اذعان دارند.

شکست ایالات متحده در عراق از چند منظر؛ یکی افکار عمومی این کشور که فهم «اشغالگر» از نیروهای آمریکایی داشته و دارند، دوم، تحقق نیافتن هدف این کشور در تداوم حضور گسترده نظامیان در عراق و سوم، شکست در زمینه مهره‌چینی در هیأت حاکمه عراق و روی کار آمدن نوری المالکی.

شکست آمریکا در افغانستان هم از منظر نظامی و امنیتی و هم از منظر سیاسی که در نتیجه آن، مجبور به مذاکره و همکاری با طالبان شده و در نهایت کماکان مردم افغانستان به چشم «اشغالگر» به این کشور می‌نگرند و نتایج انتخابات اخیر در افغانستان مهر تاییدی دیگری بر ناکامی سیاسی این کشور در افغانستان بود. ضمن آنکه در پاکستان نیز روابط این کشور در شرایط منازعه‌آمیز به سر می‌برد. ایالات متحده در پروژه تحریم نفتی و بانک مرکزی ایران و سفر دوره‌ای معاون او باما و فشار سیاسی آمریکا به مشتریان اصلی نفت ایران، هر چند با همراهی مقطعی این کشورها با تحریم همراه شد، اما هیچ‌گاه آن طور که آمریکایی‌ها خواستند پیش نرفت. میزان فروش نفت ایران پس از توافق ژنو نیز بیانگر اضطراب و عدم مطلوبیت همراهی مشتریان نفت ایران با تحریم‌هاست.

در حوزه نبرد اطلاعاتی - امنیتی نیز دستگیری جاسوسان آمریکایی در ایران و لبنان، کنترل پهناد آمریکایی و مقابله با ویروس‌های رایانه‌ای، ضعف و آسیب‌پذیری این کشور را در مقابل جمهوری اسلامی ایران نشان داده است.

بنابراین در مجموع می‌توان گفت ایالات متحده آمریکا بیشتر کارت‌های اصلی بازی خود را در مقابل ایران شامل تهدید نظامی، تحریم‌های فلج‌کننده و فشارهای رسانه‌ای هزینه کرده و دیگر کارت‌های بازی جدی نظامی و غیرنظامی در برابر ایران ندارد.

شرایط نظام بین‌الملل و منطقه

در مورد وضعیت کنونی عرصه بین‌المللی، به ویژه غرب آسیا که از آن در تعبیر مقام معظم رهبری به «پیچ تاریخی» و «خاورمیانه اسلامی» یاد شده، می‌توان نکات ذیل را عنوان کرد: - موج بیداری اسلامی و قیام‌های مردمی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا هر چند در برخی کشورها سرکوب شده یا به انحراف کشیده شده، اما کماکان به مثابه آتش زیر خاکستر و ندایی نهادینه شده در اعمال وجود این ملت‌ها حیات دارد و در فرصت و زمینه مناسب ظهور خواهد کرد.

- انزوای بیش از پیش رژیم صهیونیستی نزد افکار عمومی، تردید در معاهده کمپ دیوید، تغییر راهبرد امنیتی آمریکان نسبت به رژیم صهیونیستی و شکست‌های پی‌درپی نظامی این رژیم از محور مقاومت

شرایط جمهوری اسلامی ایران

امادر مقابل، وضعیت و جایگاه ایران در این مقطع کنونی ناظر بر موارد ذیل است: - پیشرفت‌های علمی و توسعه فناوری و صنعتی ایران با وجود تحریم‌ها و فشارها که تبدیل به الگوی «مقاومت، استقلال و پیشرفت بومی» در میان ملت‌های منطقه شده است.

- الگو شدن نظام جمهوری اسلامی در همه ابعاد برای مردم منطقه در جریان بیداری اسلامی - پیشرفت و اقتدار نظامی ایران در خلیج فارس، تنگه هرمز، اقیانوس هند، دریای احمر، دریای مدیترانه و امکان حضور مقتدرانه در دیگر آب‌های بین‌المللی حتی در منطقه دریایی ایالات متحده

- اقتدار و اشراف اطلاعاتی - امنیتی جمهوری اسلامی در قبال توطئه‌های دشمن - پیشرفت کشور در حوزه فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای با وجود فشارها - واکسینه شدن جمهوری اسلامی و سربلند بیرون آمدن ملت از فتنه پس از انتخابات ۸۸ و انتخابات پرشور ۹۲

- همراهی نظام و ملت و همبستگی ملی در جمهوری اسلامی ایران - توانایی‌های ایران و مزیت نسبی این کشور در حوزه نفت و گاز در بازارهای جهانی

اکنون که چهل سال از اقدامات تقابلی آمریکا علیه جمهوری اسلامی می‌گذرد نتایج تلاش‌های این کشور چیزی جز پیشرفت روزافزون جمهوری اسلامی و افول قدرت کاخ سفید را نشان نمی‌دهد. برای درک این موضوع کافی است به سخنان برخی از مقامات آمریکایی در بررسی موقعیت فعلی آمریکا با گذشته مراجعه شود.

هنری کسینجر، استراتژیست معروف آمریکایی در مصاحبه با رادیو ملی آمریکا (NPR) ضمن اذعان به افول جایگاه آمریکا با اشاره به جایگاه تاریخی ایران و نفوذ این کشور در منطقه خاورمیانه ایران را مستعدترین کشور منطقه برای ایجاد هژمونی و تشکیل یک امپراتوری قوی در خاورمیانه دانست. وی با تأکید بر اینکه آمریکا در هر صورت نباید نقش ایران در تحولات جهان را نادیده بگیرد، عنوان کرد: «نوعی کمربند شیعی از تهران تا بغداد و از آنجا تا بیروت شکل گرفته است. این وضعیت، این فرصت را به ایران می‌دهد تا امپراتوری پارس باستان را این بار با عنوانی شیعی، احیا کند.» این چهره اثرگذار دیپلماسی آمریکا، افزود: «از نقطه نظر ژئواستراتژیک من ایران را مسئله‌ای بزرگ‌تر از «داعش» می‌دانم.» زیگنیو برژینسکی در سخنرانی در دانشگاه «جان هاپکینز» گفت: «نظریه «تسلط بر جهان» جذابیت خود را از دست داده و دوره حکومت آمریکا بر جهان پایان یافته است. برژینسکی افزود: دوره تسلط آمریکا بر جهان پس از جنگ سرد هم به علت از بین رفتن مشروعیت آن در چند سال اخیر، پایان یافته است. وی با انتقاد از سخنان رئیس‌جمهور سابق آمریکا که ملت این کشور را «استثنایی» توصیف کرده بود، تصریح کرد: «وضع کنونی آمریکا مشابه زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق است و موج انتقادهای مردم آمریکا از رژیم صهیونیستی روز به روز در حال افزایش بوده و سیاست جنگ افروزی محکوم به شکست است.» به گفته برژینسکی چهار مشکل اساسی برای آمریکا مطرح شده است که نتایج مترتب بر انتقال نقطه ثقل این ابرقدرت (امریکا) از غرب به شرق، تأثیر بهار عربی در این قضیه مهمترین آن عنوان شده است.

کاهش تأثیر بین‌المللی آمریکا، نشانه‌های سقوط آمریکا و پس رفت داخلی و خارجی این کشور و نحوه هدر رفتن فرصت‌هایی که برای آمریکا در عرصه بین

المللی بعد از جنگ سرد بوجود آمده است و نحوه بازگرداندن قدرت قبلی آمریکا به عنوان دومین علت ذکر شده است. سومین مساله نیز آن است که اگر آمریکا سقوط کند، در این صورت پیامدهای این قضیه چه خواهد بود و قربانیان این موضوع چه کسانی خواهند بود و آیا چین می تواند جانشین آمریکا در قرن بیست و یکم شود یا خیر. و چهارم اینکه اگر آمریکا بتواند موقعیت قبلی خود را باز یابد در این صورت چه اهدافی برای این کشور تعریف خواهند شد.

جیمز ریچارد، کارشناس روابط بین الملل در مقایسه وضعیت ایران و آمریکا به خبرگزاری فارس می گوید: «ایران قدرت اول منطقه و بازیگر بسیار فعال و تاثیر گذار در سطح جهان است و قدرت و نفوذی که ایران در کشورهای منطقه دارد، آمریکا ندارد».

دیک چنی معاون رئیس جمهوری سابق آمریکا از آنچه به عنوان نفوذ رو به ضعف آمریکا در خاور میانه یاد نمود، انتقاد و تصریح کرد: «متحدان ما در منطقه دیگر روی ما حساب نمی کنند، به ما اعتماد ندارند و دشمنان ما نیز دیگر از ما نمی ترسند. در همین زمینه مشاور سابق امنیت ملی آمریکا اذعان کرد که دوره تسلط این کشور بر جهان پایان یافته است.» «جیمز جوینر» مدیر اندیشکده شورای آتلانتیک آمریکا در مطلبی با عنوان «قدرت جهانی ۲۰۳۰» می نویسد: گزارش امروز «روندهای جهانی ۲۰۳۰» شورای اطلاعات ملی آمریکا پیش بینی کرده است که «تا سال ۲۰۳۰ هیچ کشوری چه آمریکا، چین یا هر کشور بزرگ دیگری قدرت برتر نخواهد بود».

همین واقعیت ها سبب شده تا آمریکایی که زمانی به عنوان ناجی، وارد کشورها می شد اکنون دیگر این نگاه در میان ملت ها نیست و جبهه های مردمی برای مقابله با نظامی گری آمریکا در سراسر منطقه مشاهده می شود. چنانکه مردم عراق در قالب دسته های مقاومت در ماه های اخیر بارها تاکید کرده اند در صورت ورود نیروی زمینی آمریکا به عراق، علیه آنان دست به سلاح خواهند برد. می توان گفت جبهه مقاومت در منطقه نه تنها علیه دشمن صهیونیستی بلکه علیه آمریکا نیز شکل گرفته و این زمینه ساز افول نظامی گری آمریکا خواهد بود. اصلی که در سراسر جهان قابل مشاهده است. پوتین رئیس جمهور روسیه نیز از این واقعیت پرده برداشت و در پاسخ به تهدیدات نظامی آمریکا تاکید داشت: «مسکو پاسخ تهدیدات را با توان هسته ای خواهد داد.»

مستندات نظامی افول قدرت آمریکا:

علت افول قدرت نظامی آمریکا و استنادات آن را می توان در کارنامه پر از شکست های این کشور در لشکر کشی های متعدد به نقاط مختلف دنیا مشاهده کرد:

- ۱- شکست مفتضحانه در حمله مستقیم به ایران در طبرس
- ۲- شکست و ناکامی در جنگ نیابتی عراق علیه جمهوری اسلامی به رغم ورود مستقیم در عملیات های نظامی عراق و مورد هدف قرار دادن هواپیمای مسافربری ایرباس ایران
- ۳- شکست علنی در لشکر کشی گسترده به افغانستان پس از ۱۱ سپتامبر
- ۴- شکست رقت بار در حمله نظامی به عراق بدون مجوز شورای امنیت
- ۵- شکست در حمله نظامی به لبنان در جنگ ۳۳ روزه به رغم تهاجم تسلیحاتی پر حجم و بکارگیری پیشرفته ترین سلاح روز دنیا
- ۶- شکست در تهاجم ۲۲ روزه نظامی به غزه به رغم بکارگیری انواع سلاح های ممنوعه
- ۷- شکست در حمله به سومالی و ناتوانی در مقابله با ۴۰۰۰ نیروی مسلح ژنرال عیدید.
- ۸- عقب نشینی در مقابله نظامی با کره شمالی و پذیرش مذاکره با رهبر کره
- ۹- ناگزیر بودن به پذیرش شکست مفتضحانه در سوریه پس ۶ سال حضور مستقیم و تلاش شبانه روزی
- ۱۰- شکست اجتناب ناپذیر در مقابل انصار الله یمن

مستندات سیاسی افول قدرت آمریکا

آمریکا که چهل سال پیش یکی از دو ابر قدرت جهان در راس قدرت غرب قرار داشت و بعد فروپاشی شوروی به عنوان تنها ابر قدرت جهان در صدد تحمیل نظام تک قطبی به جهان بود، امروز به یکی از منفور ترین کشورهای دنیا و محور شرارت های بین المللی مطرح می باشد. مهمترین ناکامی های آمریکا در عرصه سیاسی عبارتند از:

- ۱- ناتوانی در مطرح کردن خود به عنوان قطب قدرت جهانی
- ۲- افول قدرت تا جایی که امکان اجرای طرح خود در هیچ نقطه ای از دنیا را ندارد.
- ۳- اعتراف به بی نتیجه بودن سیاست های منطقه ای به رغم هزینه کرد ۷ تریلیون دلار
- ۴- سقوط رژیم ها و نظام های دست نشانده در مصر، تونس، لیبی

۵- از دست دادن متحدین خویش در اروپا و سایر نقاط جهان که نمونه اخیر آن در موضوع تحریم های اقتصادی علیه ایران نمایان شد.

۶- تمرکز و افزون دولت ها در مقابل آمریکا که شامل کشورهای بسیاری از جمله روسیه، چین، هند، عراق، ترکیه، پاکستان و... می شود.

مستندات اقتصادی افول قدرت آمریکا

در حوزه داخلی دولت آمریکا چندین مرتبه در معرض سقوط اقتصادی قرار گرفته است. چرا که بدهی های دولت به ۱۷ هزار میلیارد دلار رسیده است. وضعیت بد اقتصادی آمریکا یکی از علل عمده اقبال عمومی توده های فقیر این کشور به شخصیت نامتعادلی مانند ترامپ شده است. چنانکه شبکه تلویزیونی راشاتودی نیز در باب شرایط اقتصادی آمریکا گزارش داد، ۴۴ میلیون آمریکایی از جمع جمعیت ۴۰۰ میلیون نفری این کشور نیازمند کمک های غذایی هستند. علاوه بر این، دولت قبلی آمریکا چندین بار به دلیل بحران مالی در معرض سقوط قرار گرفت. شبکه پرس تی وی در این رابطه گزارش داد: «جاکوب لیو وزیر وقت دارایی آمریکا در اوایل سال ۲۰۱۴ در نشست اعضای شورای روابط خارجی آمریکا تاکید کرد، دولت آمریکا در حال سقوط است. کنگره باید برای نجات آن دست به کار شود.»

ابعاد بحران اقتصادی آمریکا را در تظاهرات ۹۹ درصدی ها (سال ۲۰۱۱ تاکنون) معروف به جنبش وال استریت یا همان مرکز اصلی اقتصاد آمریکا، قابل مشاهده است. بحران اقتصادی حتی در عرصه علمی این کشور نیز تاثیر منفی داشته است؛ چنان که رتبه آمریکا در تولید علم دیگر در مقام اول نبوده و با افت شدیدی همراه شده است. رویکرد کشورها به ایجاد ارزهای جایگزین به جای دلار نظیر روابط چین و روسیه براساس «روبل» گواهی به کاهش نقش دلار آمریکا در معادلات جهانی است که پیامدهای اقتصادی بسیاری برای آمریکا به همراه داشته است.

نکته قابل توجه در حوزه اقتصاد آمریکا، رویکرد این کشور به اعمال تحریم های یک جانبه علیه کشورهاست. هر چند این امر در ظاهر نشانگر قدرت اقتصادی آمریکا است اما در عمل ضعف اقتصاد جهانی آمریکا و ناتوانی آن در تحمیل خواسته هایش به دیگر کشورها را آشکار می سازد. آمریکا زمانی که نمی تواند تحریم های جهانی علیه دیگران وضع نماید به اقدامات یک جانبه روی آورده و از سایر تهدیدات سعی در اجرای برنامه های خود دارد.

تحلیل و گزارش

۴۰

آبان ۱۳۹۷
هیأت رزمندگان اسلام

نگاهی به نتایج مقاومت ملت مسلمان ایران

وقتی نظام موروثی سلطنتی پهلوی در بهمن ۵۷ سقوط کرد مردم ایران به رغم اینکه جمعیت شان به یک سوم جمعیت فعلی هم نمی رسید و روزانه شش میلیون بشکه از نفت شان صادر می شد در شرایط سخت و دشواری زندگی می کردند و از رتبه برای ایران در هیچ زمینه ای خبری نبود.

با پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران و شکل گیری نظام جمهوری اسلامی اوضاع کشور و موقعیت ایران به کلی متحول شد. اگرچه پرداختن به ابعاد مادی و معنوی این تحول در عرصه های مختلف به آسانی امکان پذیر نمی باشد، لکن نگاهی مقایسه ای به وضعیت و جایگاه کشور در زمینه های مختلف می تواند مستندی ملموس و عینی بر این تحول باشد.

مستندات پیشرفت های تحول در حوزه سیاسی

اولین ارمان انقلاب اسلامی ایران، تاسیس نظامی مستقل و ارائه الگویی موثر و الهام بخش برای همه ملت ها بود. استقلال همه جانبه برای کشوری که از تمامی جهات وابسته و بویژه از حیث سیاسی کاملاً دست نشانده و مطیع آمریکا بود سبب شد تا ملت های مسلمان و کشورهای وابسته به ابر قدرت های شرق و غرب به عنوان یک الگو به آن نگریسته و ظرف مدت کوتاهی الهام بخش رهایی آنها شد. با گسترش امواج بیداری اسلامی در سراسر منطقه، جبهه ای تحت عنوان مقاومت شکل گرفت که جهان را در آستانه شکل گیری نظم تک قطبی به نظم نوینی بین دو قطب جبهه سلطه جو و جبهه مقاومت رهنمون ساخت. بر همین اساس، امروز جمهوری اسلامی نه تنها در معادلات منطقه ای که به عنوان قدرتی بلامنازع مطرح می باشد، بلکه در سطح بین المللی نیز در همه معادلات جهانی به عنوان وزنه ای تاثیر گذار مطرح می باشد.

دستاوردهای سیاسی انقلاب اسلامی در چهار دهه گذشته عبارتند از:

- (۱) رهایی از سلطه نظام استکباری و استقلال کشور؛
- (۲) استقرار نظام مردم سالار با عنوان جمهوری اسلامی؛
- (۳) سقوط و حذف رژیم ستم شاهی
- (۴) احیای روحیه خودباوری
- (۵) احیاء حقوق سیاسی و اجتماعی آحاد جامعه

۶) توجه واقعی به شأن و منزلت مادی و معنوی زنان

۷) مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش با برگزاری تقریباً سالانه یک انتخابات

۸) توسعه مطبوعات و افزایش روزنامه‌ها از تعداد انگشت شمار قبل از انقلاب، به بیش از ۲۶۳۵ روزنامه، هفته‌نامه و ماهنامه.

۹) افزایش احزاب از یکی دو حزب قبل از انقلاب به حدود ۲۵۰ حزب و گروه سیاسی (۱۰) ۱۷ هزار سازمان مردم‌نهاد (NGO)

۱۱) احیاء مجدد معنویت در جهان و عزت یافتن اسلام و سایر ادیان آسمانی

۱۲) اثبات اصل «نه شرقی، نه غربی» به عنوان یک اصل عملی

۱۳) احیای اسلام سیاسی به عنوان یک مدل قابل اتکا در جهان معاصر

۱۴) ارتقای سطح امید با آینده و زندگی در کشور

۱۵) برهم زدن موازنه قدرت به نفع مستضعفین جهان،

۱۶) احیای نهضت‌های آزادی بخش کمک به بیداری اسلامی

۱۷) به چالش کشیدن سلطه آمریکا در عرصه بین‌المللی

۱۸) افزایش نفوذ و اقتدار جهانی و منطقه‌ای ایران

پایان سخن

تجربه انواع شیوه‌های سخت و نیمه سخت برای سرنگونی انقلاب اسلامی - مانند تهاجم نظامی، کودتا، ترور، خرابکاری، نفوذ امنیتی، تجزیه سرزمینی، تحریم اقتصادی و... - و اثبات ناکارآمدی آن‌ها، دشمنان انقلاب اسلامی را به فکر استفاده از روش‌های براندازی نرم مانند تهاجم فرهنگی، انقلاب مخملی و استحاله انداخت اما کاربرد این روش‌ها نیز در به زانو درآوردن و تسلیم ملت ایران ناکام ماند و در چند سال اخیر روی به تحریم‌های سخت و گسترده اقتصادی آورده‌اند تا آخرین تیرترکش خود را نیز امتحان کنند. بررسی رفتارها و سیاست‌های جمهوری اسلامی طی دهه‌های گذشته حاکی از آن است که نظام جمهوری اسلامی با همراهی ملت پیوسته کوشیده است تا علی‌رغم تحمل فشارها و پرداخت هزینه‌های گزاف، به اصول بنیادین انقلاب پایبند بماند و از آرمان‌های اعلام شده عدول نکند.

در نتیجه شاهد هستیم که افکار عمومی جهانی همواره جمهوری اسلامی ایران را به عنوان کشوری اسلام‌گرا، استکبارستیز، عدالتخواه، مستقل، اخلاق‌مدار، حامی محرومان و

مستضعفان و پشتیبان جنبش های آزادی بخش شناخته اند. اکنون انقلاب ایران چهل سال در مقابل انبوه حربه های براندازنده تاب آورده و مسیر اعتلای خود را مقتدرانه پیموده است. پس چیزی که ایالات متحده آمریکا و همپیمانان غربی اش را به هراس انداخته و آتش خصومت و کینه توزی شان را شعله ور می سازد، نه توانمندی هسته ای و موشکی ایران بلکه گفتمان اسلام سیاسی است که در نهضت امام خمینی (ع) تبلور یافته و پیروان خود را به مقاومت و جهاد علیه مستکبرین و نقش آفرینی فعال در عرصه سیاست فرامی خواند که امروز می توان رویش های آن را در فلسطین، لبنان، سوریه، عراق، یمن، بحرین، نیجریه و بسیاری نقاط دیگر مشاهده کرد.

پس نباید چنین پنداشت که آرمان استکبارستیزی تنها به ملت ایران اختصاص دارد و انقلاب اسلامی نیز موردی استثنایی و غیر قابل تکرار در جهان محسوب می شود. زیرا اصولاً ضدیت با استکبار یک خواست فطری بشر است و انسان ها به اقتضای انسانیتشان با برتری طلبی و گردن کشی قلدرمآبانه دیگران مخالفت می ورزند. اما امتیاز انقلاب اسلامی این بود که در زمانه ای که تحت تأثیر القانات و تبلیغات گسترده استعماری، تغییر وضع موجود جهان ناممکن و پذیرش مناسبات ظالمانه نظام بین الملل و سلطه ی ابر قدرت ها اجتناب ناپذیر به نظر می رسید، در نقش خط شکن ظاهر شد و توانست مسیر مقابله با جریان استکبار جهانی را باز کند.

انقلاب اسلامی با رهبری روشنگرانه حضرت امام خمینی (ع) به همه مستضعفان جهان نشان داد که در صورت اتکال به خدا، بیداری از خواب غفلت و ایستادگی در مقابل مستکبرین، امکان غلبه بر آنان و برون رفت از شرایط استضعاف کنونی وجود دارد. به همین خاطر بود که حضرت امام از ابتدای پیروزی انقلاب همواره ملت های مسلمان منطقه و سایر مستضعفان جهان را به پیروی از الگوی ضد استکباری ملت ایران و قیام سراسری علیه دیکتاتورهای مستکبر فرامی خواند. امروز نیز انقلاب اسلامی برخلاف تمامی ادعاها و تبلیغات رسانه های غربی در راستای پروژه اسلام هراسی و ایران هراسی، پرچم استکبارستیزی و عدالت خواهی را در دست گرفته است و علی رغم اتخاذ موضع مستقل و سازش ناپذیر در برابر ابر قدرت ها، برای تمامی ملت های آزاده جهان پیام صلح و دوستی و

برادری و همکاری دارد که نمود آشکار آن دو نامه رهبر انقلاب اسلامی به جوانان غربی بود. بر اساس منطق روشن انقلاب اسلامی که در این دو نامه متبلور می شود، در شرایطی که متأسفانه سیاستمداران و دولتمردان کشورهای غربی آگاهانه راه سیاست را از مسیر صداقت و درستی جدا کرده اند و با اتخاذ سیاست هایی مژورانه در عین سر دادن شعار مبارزه با تروریسم، خود به نضج و گسترش این پدیده شوم دامن می زنند، مسئولیت بسیار سنگینی بر عهده تمامی آزادی خواهان و عدالت جویان سراسر جهان به ویژه روحانیون، نخبگان، اندیشمندان و روشنفکران و جوانان متعهد به آرمان های الهی است تا همدلانه برای مقابله با سلطه گری ظالمانه ابر قدرت ها و نجات انسان های بی گناه اقدام کنند. به نظر می رسد نیاز امروز جهان بیش از هر چیز گشایش مسیری برای تعامل است که طی آن مردمان آزادمنش و ژرف اندیش جامعه جهانی در جایگاهی برابر و در فضایی مبتنی بر منطق و استدلال و رها از القائات گفتمان نظام سلطه و مناسبات قدرت، به بحث و گفتگو و هم اندیشی سازنده برای نیل به درک متقابل و یافتن راهکارهایی جهت رفع سوء تفاهم ها و مشکلات مشترک جوامع بشری بپردازند.

باید اذعان کرد که بزرگان قدرت و ثروت در روزگار کنونی تنها منافع مادی را سر لوحه سیاست های خود قرار داده اند و در این میان، موضوعی که ظاهراً هیچ اهمیتی برای آنان ندارد، همانا ریختن خون بیگناهان در جنگ های ویرانگر و لکه دار شدن نام ادیان آسمانی است که در ذات خود همواره مَنادی صلح و دوستی هستند. همچنین مکاتب فکری دست ساز بشر همچون لیبرالیسم و کمونیسم با وجود تمامی ادعاهای خود نتوانسته اند گره از مشکلات بشریت بگشایند و جهانی سرشار از جنگ و تهدید و ناامنی را برای او ساخته اند. لذا چه بسا تنها راه باقی مانده برای بشر امروز بدون تردید بازگشت به تعالیم پیامبران الهی و گوش سپردن به ندای فطرتی باشد که در نهاد تمامی انسان ها به ودیعه گذارده شده است (فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا) (سوره روم، آیه ۳۰) شاید اختلافات فکری و سلیقه ای بسیاری میان پیروان ادیان مختلف وجود داشته باشد، لکن به فرموده قرآن کریم توجه به نقاط اشتراک (کلمه سواء) می تواند دریچه ای به سوی وحدت و همگرایی فراروی تمامی اهل ایمان بگشاید. (قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ) {آل عمران، آیه ۶۴}

«نظم جدید جهانی در حال شکل‌گیری است، اما برخی این واقعیت را درک نکرده و هنوز معتقدند باید تسلیم غرب شد.» این عبارت و گزاره راهبردی، بخشی از بیانات رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری در روز پنجشنبه سیزدهم شهریور است. مقام معظم رهبری در این دیدار، با اشاره به اینکه انقلاب اسلامی از مهم‌ترین عناصر به چالش کشیده شدن پایه‌های نظم جهانی بود، فرمودند:

«کشور باید قوی باشد تا در پدید آوردن نظم جدید جهانی ایفای نقش کند.»

تحليل ودراما

دکتر یدالله جوانی

نقشه راه ۵۰ سال آینده
انقلاب اسلامی

چکیده

❖ در چهلمین سال انقلاب اسلامی، مرکز الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی پس از هفت سال، موفق به طراحی و تدوین سند الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت گردید و از آن رونمایی کرد. از این سند می توان به عنوان نقشه راه ۵۰ سال آینده انقلاب اسلامی و موقعیت ایران در سال ۱۴۴۴ یاد کرد. این سند مورد توجه مقام معظم رهبری قرار گرفته، ضمن تقدیر و تشکر از دست اندرکاران طراحی و تدوین آن، معظم له دستگاه ها، نهادها و صاحبان فکر و اندیشه را برای تکمیل و ارتقاء آن در یک بازه زمانی ۲ ساله فراخوان نمودند. این سند شامل پنج بخش مبانی، آرمان ها، رسالت، افق و تدابیر است. در بخش مبانی، با بهره گیری از آموزه های دینی، مبانی خداشناختی، جهان شناختی، انسان شناختی، جامعه شناختی، ارزش شناختی و دین شناختی مورد توجه واقع شده و به اختصار این مبانی بیان شده است. پس از بیان آرمان ها مبنی بر این مبانی، از تمدن سازی اسلامی به عنوان رسالت نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران در عصر حاضر یاد شده است. مختصات و ویژگی های ایرانی پیشرفته با نهادینه شدن ارزش های اسلامی در یک افق ۵۰ ساله، به خوبی در حوزه های گوناگون ترسیم شده است. بر اساس این افق، پیش بینی شده است که تا سال ۱۴۴۴ ایران به پیشتاز در تولید علوم انسانی اسلامی و فرهنگ متعالی در سطح بین المللی تبدیل شده و در میان پنج کشور پیشرفته جهان در تولید علم و فناوری جای گرفته و از اقتصادی دانش بنیان، خوداتکا و مبتنی بر عقلانیت و معنویت اسلامی برخوردار، و دارای یکی از ۱۰ اقتصاد بزرگ دنیا باشد. در این سند پیش بینی شده تا آن زمان، فقر، فساد و تبعیض از کشور ریشه کن گردیده و همگان ضمن برخورداری از تأمین اجتماعی جامع، به نظام قضایی عادلانه دسترسی آسان خواهند داشت.

مقدمه

هر جامعه و کشور دارای آرمان و اهداف والا، برای تحقق ارزش های مورد نظر، نیازمند به نقشه راه است. برنامه های سالانه و پنج ساله، بیست ساله و بیشتر، در واقع نوعی نقشه راه برای رسیدن به اهداف بلند مدت تعریف شده و مبتنی بر آرمان ها می باشد. انقلاب اسلامی که جوهره آن یک حرکت مستمر تعالی بخش است، مبتنی بر یک سری مبانی، اصول و ارزش ها، دارای آرمان مشخص تمدن سازی است. جوهره انقلاب، یعنی حرکت با ویژگی پیشرفت در ابعاد مادی و معنوی برای نیل به اهداف معینی است. هدف معین مبتنی بر آرمان در انقلاب اسلامی، پی ریزی تمدن اسلامی و تحقق حیات طیبه است. بنابراین انقلاب اسلامی، یک حرکت کور، بی هدف و سردرگم نیست. تمام دشمنی های دشمنان در چهل سال گذشته با انقلاب اسلامی، به دلیل ترس و وحشت آنان از تحقق آرمان و ارزش هایی است که این انقلاب با حرکت پرشتاب خود، آنها را دنبال می کند. آرمان ها، ارزش ها و اهدافی که تحققش، سیمای جهان را تغییر داده، مستکبرین را به زیر کشیده و مستضعفین و خداپرستان را قدرت می بخشد. بر مبنای چنین نگاهی مقام معظم رهبری، برای حرکت انقلاب اسلامی تا تحقق کامل اهداف، یک فرآیند پنج مرحله ای را مشخص و تعریف نموده اند؛

تحلیل و ارزیابی

۴۸

آبان ۱۳۹۷
هیأت رزمندگان اسلام

۱- مرحله مبارزه و پیروزی انقلاب اسلامی با فرو ریختن رژیم طاغوت

۲- مرحله نظام سازی با تعیین ساختارهای سیاسی و نهادها

۳- مرحله دولت سازی اسلامی

۴- مرحله ساخت جامعه اسلامی

۵- مرحله ساخت تمدن اسلامی

بسیار بدیهی و روشن است که هر یک از این مراحل به نقشه راه و برنامه های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت نیاز دارد. ده ها سال طول کشید تا انقلاب اسلامی با مبارزات ملت ایران به رهبری علمای شیعه و در رأس آن حضرت امام خمینی^(۵) به پیروزی رسید. مبارزه علیه رژیم سلطنتی و طاغوتی با ریشه ها و بنیان های ۲۵۰۰ ساله و فرو ریختن آن، یک مرحله زمان بر بود. پس از پیروزی انقلاب مرحله نظام سازی به رغم همه مشکلات و کارشکنی ها انجام گرفت. اکنون انقلاب در مرحله سوم و ساخت دولت اسلامی قرار دارد. عبور از مرحله سوم و چهارم برای شکل دهی به تمدن اسلامی و رسیدن به حیات طیبه که همانا مرحله پنجم می باشد؛ نیازمند هدفمند کردن حرکت انقلاب اسلامی، مبتنی بر مبانی، اصول و ارزش ها است. اکنون و در چهل سالگی انقلاب اسلامی، الگوی این حرکت با مختصات و ویژگی های مشخص و استاندارد شده، تحت عنوان «الگوی پایه ی اسلامی ایرانی پیشرفت» تدوین شده، برای نقد، ارزیابی، اصلاح و تکمیل، از سوی مقام معظم رهبری به برخی از دستگاه ها و نهادها ابلاغ شده است. این الگوی پایه، در واقع نقشه راه ۵۰ سال آینده جمهوری اسلامی را ترسیم می نماید. این نوشتار، به دنبال تبیین و شرح کوتاهی از این الگوی پایه می باشد.

چگونگی تهیه الگوی پایه

با ابتکار رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در حدود هشت سال قبل، موضوع راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی ایران مطرح و بر ضرورت تهیه آن تأکید گردید. در همین راستا مرکز الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی شکل گرفت و رسالت خود را تدوین الگوی یاد شده قرار داد. پس از هفت سال از شکل گیری این مرکز از سند «الگوی پایه پیشرفت اسلامی ایرانی» رونمایی شد. مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در خصوص این الگو و چگونگی تهیه و تدوین آن، با انتشار بیانیه ای، چگونگی تدوین الگوی پایه را اعلام داشت. در این بیانیه آمده است: «پیروزی انقلاب اسلامی ایران هنگامی کامل می شود که کشور به جایگاهی در خور ظرفیت های بنیادین معنوی و مادی اش دست یابد. این ظرفیت ها در مقایسه با ظرفیت های بسیاری از کشورها چنان عظیم است که جایگاهی در خور آن فاصله زیادی با وضع فعلی کشور دارد. رسیدن به آن جایگاه شایسته با پیشرفت کشور بر طبق الگویی علمی و عملیاتی تحت تعالیم عالیه اسلامی و با استفاده از دستاوردهای متقن بشری و تجارب بومی و جهانی و متناسب با مقتضیات ایرانی میسر می شود که به ابتکار رهبر معظم انقلاب اسلامی بر طبق نقشه راه علمی و به همت بیش از سه هزار تن از متفکران و متخصصان و صاحب نظران و چند هزار تن از جوانان فرزانه تدوین شده و در معرض بررسی و ارتقا از سوی دستگاه ها و نخبگان قرار گرفته است.»

ویژگی های الگوی پایه پیشرفت

بر اساس بیانیه منتشر شده مرکز الگوی پیشرفت، سند تدوین شده از ویژگی هایی در خور تأمل برخوردار است. در این بیانیه آمده: «واقع بینی و آرمان گرایی، صراحت و ایجاز، بالادستی و عملیاتی بودن، انسجام و تحول آفرینی از ویژگی هایی است که در طراحی الگو متمع نظر بوده است. برای طراحی الگو، مطالعات و تحقیقاتی از جمله تحت عناوین سنت الهی، تحلیل تاریخ اسلام و ایران، تبیین پیشرفت از نگاه امام راحل و مقام معظم رهبری، معنویت در زندگی، تحلیل و ارزیابی نظریه ها و تجربیات جهانی توسعه، آینده پژوهی ایران و جهان، قابلیت های ماندگار ملی، مسأله شناسی ایران، آسیب شناسی اسناد و برنامه ای کشور و گفتمان پیشرفت، انجام گرفته و نتایج آن مورد استفاده قرار گرفته است. تاکنون بیش از نود هزار صفحه از این نتایج تدوین گردیده و قابل استفاده محققان است.

فراخوان رهبر معظم انقلاب برای تکمیل و ارتقای الگوی پایه

در پی تدوین الگوی پایه‌ی اسلامی ایرانی پیشرفت و رونمایی از آن، رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت امام خامنه‌ای مدظله‌العالی، دستگاه‌ها، مراکز علمی، نخبگان و صاحب‌نظران را به بررسی عمیق ابعاد مختلف سند تدوین شده و ارائه‌ی نظرات مشورتی جهت تکمیل و ارتقای این سند بالادستی فراخواندند. در بخش ابتدایی متن ابلاغی مقام معظم رهبری آمده است: «خداوند جلّ و اعلایا سپاس می‌گزارم که با هدایت و توفیق او تلاش نظام‌مند چند هزار تن از صاحب‌نظران و استادان دانشگاهی و حوزوی و فرزندان جوان برای طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت پس از هفت سال در چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی به نتیجه رسید. این سند اهم مبانی و آرمانهای پیشرفت را تدوین کرده و افق مطلوب کشور را در پنج دهه‌ی آینده ترسیم و تدابیر مؤثر برای نیل به آن را طراحی کرده است که با تحقق آن، که کاری عظیم و دشوار اما ممکن و شیرین است، کشور راه پیشرفت را خواهد پیمود و طلیعه‌ی مبارک تمدن نوین اسلامی ایرانی در زیست بوم ایران رخ خواهد نمود. ان شاء الله»

حضرت امام خامنه‌ای در این ابلاغیه، ضمن تقدیر و تشکر از متفکران و استادان صاحب‌نظرانی که در تهیه و طراحی این سند ایفای نقش داشته‌اند، دستگاه‌ها، نهادها و مجموعه‌هایی چون، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی، دولت، شورای عالی امنیت ملی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی فضای مجازی، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه، صدا و سیما، جمهوری اسلامی و دستگاه‌های تبلیغی و رسانه‌ای رسمی کشور و همچنین مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را موظف به انجام اقدامات لازم، جهت تکمیل و ارتقای این الگو نمودند.

جایگاه سند الگوی پایه

از متن ابلاغ مقام معظم رهبری به دستگاه‌ها، به وضوح بر داشت می‌شود که این سند پس از نهایی شدن، بعد از قانون اساسی و در جایگاه دوم اسناد بالادستی قرار خواهد داشت. در متن این ابلاغ آمده است: «مجمع تشخیص مصلحت نظام سند پیوست را به عنوان چارچوب بالادستی سیاست‌های کلی مورد ملاحظه قرار دهد و پیشنهادهای تکمیلی برای حصول اطمینان از کفایت آن در جایگاه یاد شده ارائه کند و پس از ابلاغ نسخه نهایی الگوی

تحلیل و ارزیابی

۵۱

آبان ۱۳۹۷
هیأت‌رزمندگان اسلام



این سند پس از نهایی شدن، بعد از قانون اساسی و در جایگاه دوم اسناد بالادستی قرار خواهد داشت.

اسلامی ایرانی پیشرفت، سیاستهای کلی نظام را برای انطباق با الگو بازنگری نماید.» همچنین در این ابلاغ خطاب به مجلس آمده است: «مجلس شورای اسلامی با نگاه ملی به بررسی سند حاضر بپردازد و نکات ضروری برای ارتقای آن را به عنوان سند بالادستی قوانین برنامه ای کشور پیشنهاد نماید و تمهیدات لازم را برای تهیه و تصویب طرح ها و لوایح برنامه ای در چارچوب نسخه نهایی آن مقرر سازد.»

چارچوب و بخش های سند الگوی پایه

سند الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت که در تاریخ یکشنبه ۲۲ مهر سال جاری مقام معظم رهبری آن را به دستگاهها برای بررسی و تکمیل و ارتقا در یک دوره زمانی ۲ ساله ابلاغ نمودند، در پنج بخش تدوین شده است. بخش های سند شامل موارد ذیل است:

الف) مبانی (ب) آرمان ها (ج) رسالت (د) افق (هـ) تدابیر

الف - بخش مبانی سند الگوی پایه

در بخش مبانی سند الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت، مبانی اصلی در جهان بینی توحیدی و الهی مورد توجه قرار گرفته است. این مبانی عبارت است از:

۱- مبانی خداشناختی

۲- مبانی جهان شناختی

۳- مبانی انسان شناختی

۴- مبانی جامعه شناختی

۵- مبانی ارزش شناختی

۶- مبانی دین شناختی

در این بخش، سند به ارائه شناختی دقیق و مختصر از این مبانی در جهان بین الهی پرداخته است. در این سند بر اساس مبانی یاد شده، مهم ترین گزاره ها شناختی عبارت است از:

- خدامحوری و توحید، اساس و محور بنیادین حیات فردی و اجتماعی مؤمنان است
- جهان با عوالم غیب و شهودش، سرشت توحیدی دارد و مراتب روحانی، مادی، دنیوی و اخروی اش، پیوسته در مسیر تکامل و تعالی به سوی خداست.
- هدف از آفرینش انسان، معرفت و عبادت پروردگار و در پر تو آن، دستیابی به مقام قرب و خلیفه الهی است.

• جامعه به عنوان بستر تعامل و مشارکت در جهت تأمین انواع نیازها و شکوفایی استعدادها، نافی هویت فردی، اختیار و مسئولیت اعضا نیست ولی می تواند به بینش،

گرایش، منش، توانش و کنش ارادی آنها جهت دهد و از افراد به ویژه نخبگان اثر پذیرد.

• ارزش‌ها ریشه در واقعیات دارند و اصول آن‌ها ثابت، مطلق و جهان شمول است. اصول ارزش‌ها از طریق عقل و فطرت و تفصیل آن از طریق کتاب و لیست قابل کشف است.

• دین دستگاه جامع معرفتی - معیشتی است که از سوی خداوند متعال برای تأمین کمال و سعادت دنیوی و اخروی آدمیان نازل شده است. دین کامل، جهان شمول و نهایی، دین اسلام است.

ب- آرمان‌ها

آرمان‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ارزش‌های بنیادین فرازمانی و فرامکانی جهت دهنده پیشرفت است. مبنایی‌ترین این ارزش‌ها، نیل به خلیفه الهی و حیات طیبه است. اهم این ارزش‌های تشکیل دهنده حیات طیبه عبارتند از: معرفت به حقایق، ایمان به غیب، سلامت جسمی و روانی، مدارا و همزیستی با هم‌نوعان، رحمت و اخوت با مسلمانان، مقابله مقتدرانه با دشمنان، بهره‌برداری کارآمد و عادلانه از طبیعت، تفکر و عقلانیت، آزادی مسئولانه، انضباط اجتماعی و قانون‌مداری، عدالت هم‌جانبه، تعاون، مسئولیت‌پذیری، صداقت، نیل به کفاف، استقلال، امنیت و فراوانی.

ج- رسالت

در این سند بر اساس مبانی و آرمان‌ها، رسالت ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی، این چنین توصیف شده است:

«رسالت ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران، حرکت عقلانی، مؤمنانه و متعهدانه در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی متناسب با آرمان‌ها در زیست بوم ایران است.»

د- افق

سند الگوی پایه پیشرفت اسلامی ایرانی، وضعیت ایران را در یک افق ۵۰ ساله ترسیم می‌نماید. به عبارت دیگر این الگو ویژگی‌های ایران در ۹۰ سالگی انقلاب اسلامی در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، علمی، فرهنگی، سیاسی، منطقه‌ای و جهانی را پیش‌بینی و توصیف می‌نماید.

برخی از ویژگی‌های ایران در ۹۰ سالگی انقلاب بر اساس افق ترسیم شده در این سند عبارت است از:

۱- در سال ۱۴۴۴ هجری شمسی مردم ایران دیندار، عموماً پیرو قرآن کریم، سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام و با سبک زندگی و خانواده اسلامی، ایرانی و روحیه جهادی، قانون مدار، پاسدار ارزشها، هویت ملی و میراث انقلاب اسلامی، تربیت یافته به تناسب استعدادها و علاقه تا عالی ترین مراحل معنوی، علمی و مهارتی و شاغل در حرفه متناسب اند و از احساس امنیت، آرامش، آسایش، سلامت و امید زندگی در سطح برتر جهانی برخوردارند.

۲- تا ۱۴۴۴ ایران به پیشتاز در تولید علوم انسانی اسلامی و فرهنگ متعالی در سطح بین المللی تبدیل شده و در میان پنج کشور پیشرفته جهان در تولید اندیشه، علم و فناوری جای گرفته است.

۳- تا سال ۱۴۴۴ ایران از اقتصادی دانش بیان، خوداتکا و مبتنی بر عقلانیت و معنویت اسلامی برخوردار، و دارای یکی از ده اقتصاد برتر دنیا است.

۴- تا سال ۱۴۴۴ سلامت محیط زیست و پایداری منابع طبیعی، آب، انرژی و امنیت غذایی با حداقل نابرابری فضایی در کشور فراهم شده، کشف منابع، خلق مزیت ها و فرصت های جدید و وفور نعمت برای همگان، رعایت عدالت بین نسلی حاصل شده است.

۵- تا سال ۱۴۴۴، فقر، فساد و تبعیض در کشور ریشه کن گردیده و تکامل عمومی و تأمین اجتماعی جامع و فراگیر و دسترسی آسان همگانی به نظام قضایی عادلانه تأمین شده است.

۶- در سال ۱۴۴۴ ایران از نظر سطح کلی پیشرفت و عدالت، در شمار چهار کشور برتر آسیا و هشت کشور برتر دنیا شناخته می شود و دارای ویژگی های برجسته جامعه اسلامی و خاستگاه تمدن اسلامی ایرانی است. (ان شاء الله- به حول و قوه الهی)

ه- در بخش پایانی این سند، ۵۶ تدبیر برای تحقق الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت منظور شده است.

تکلیف و دین

دکتر عبدالله گنجی

سیرخانت در ایران معاصر
(قسمت اول: قاجاریه و پهلوی)

چکیده

❖ خیانت‌های رجال ایران به ایران و ایرانیان در ۲۰۰ سال گذشته رانمی‌توان بدون توجه به متغیری به نام غرب تحلیل کرد که عمده‌ترین دلایل آن را می‌توان ضعف حاکمان در مقابل غرب، حمایت غرب از انتصابات حکومتی، رشوه‌های حکومتی و تطمیع و تهدید از سوی غرب ذکر کرد. عمده‌ترین خیانت‌ها نیز عبارتند از:

- ۱- تجزیه کشور ۲- انتصاب حاکمان ۳- قراردادهای استعماری ۴- رشوه به ارکان حاکمیت در ایران ۵- حمایت از حاکمان وابسته ۶- حذف شخصیت‌های ملی و دینی ۷- مبارزه با مظاهر و نمادهای دینی

واژگان کلیدی، قاجاریه، پهلوی‌ها، خیانت، غرب

مقدمه

❖ ایران در طول ۱۵۰۰ سال اخیر سه بار در معرض تهاجم بیگانه قرار گرفته است. اول در معرض حمله مسلمانان قرار گرفت اما با گرفتن قرآن و پس زدن عربیت نشان داد که از فرهنگ و تمدن غنی برخوردار است و حرکت اسلام از ایران به سمت شرق آسیا بدون عربیت استمرار یافت. دوم حمله مغول بود که فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی مغول‌ها را در این سرزمین هضم نمود و نه از ایران مهاجرت کردند و نه اکنون حضور دارند. ایران سومین بار در معرض تمدن غرب قرار گرفت که ۲۲۰ سال است با آن دست و پنجه نرم می‌کند.

تمدن غرب به خاطر جذابیت‌های لذت‌گرایانه، منفعت‌طلبانه و این‌دنیایی، بسیاری از نخبگان ایرانی را در خود کشید. در ۲۲۰ سال اخیر جدال بزرگی بین بومی‌گرایی - غرب‌گرایی در ایران صورت گرفته است و این داستان همچنان ادامه دارد. از طرفداران سبک سیاست و حکومت، توسعه و نهایتاً فرهنگ غرب، پیاده‌نظامی در

ایران به وجود آمد که معمولاً آورده آنان از رهاورد غرب فرهنگی است. این جماعت در آسیب شناسی مشکلات ایران به الگوی «اروپا محوری» رسیدند و با تحقیر سنت‌ها و داشته‌های بومی به مبارزه با خودی روی آوردند. هر جا امکان پیشبرد اهداف و مقاصد فراهم بود تاخته‌اند و هر گاه با مانع مواجه شدند خود غرب را به کمک طلبیدند یا وابستگی آنان باعث پیشروی غرب در همه شئونات ایرانیان شده است. بنابراین می‌توان این جماعت را «خائن» تلقی کرد که زمینه‌ساز نفوذ غرب در منافع و منابع ایرانیان و تسلط در بسیاری از شئون شدند و تمدن چند هزار ساله ایرانیان را به بهای لذت‌گرایی به سخره گرفتند. گرچه تمرکز این جماعت در روشنفکران است اما حکام نیز در برخی از برهه‌های تاریخی مسیر خیانت را رهنمون شدند. در ادامه به بازشماری این خیانت‌ها در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی، نصب حاکمان و قراردادهای استعماری خواهیم پرداخت و در دو قسمت، قبل و بعد از انقلاب اسلامی در معرض دید خوانندگان محترم قرار خواهد گرفت.

مفهوم‌شناسی خیانت

خیانت معمولاً به عمل یا اقدام آگاهانه‌ای می‌گویند که کننده آن در صدد ضربه است. عنصر آگاهی نسبت به موضوع، خیانت را از مسائل دیگر همانند اشتباه، بی‌تدبیری، کج‌اندیشی، فریب خوردن و... متمایز می‌کند. در تفکر دینی نیز اثبات خیانت واجد عقوبت جدی است و معمولاً خائنین از نظر شخصیتی دچار مشکلات و تعارضات جدی خواهند شد.

در حوزه حکومتی معمولاً همکاری با دشمن علیه خودی یا ارسال اطلاعات به غیریت یا توطئه علیه محیط‌های خودی یا دوستانه را خیانت می‌گویند. خیانت در زمان جنگ نیز بدترین نوع خیانت محسوب می‌شود که به عقوبت اعدام منتهی می‌شود. اما می‌توان تفسیر موسع‌تری نیز از خیانت ارائه کرد. خیانت به واسطه ترس یا وادادگی یا مرعوب شدن یا خودکم‌پنداری نیز محقق می‌شود. بعضاً نیت‌ها آلوده به خیانت نیست اما حاصل تصمیم یا اقدام خائنانه تلقی می‌شود.

به طور مثال ممکن است برای فتح‌علی شاه قاجار بسیار سخت بوده است که بخشی از ایران تجزیه و ضمیمه خاک روسیه شود اما این اتفاق افتاده است و تاریخ‌آیندگان ایران، وی را به عنوان خائن به کشور می‌شناسد. قطعاً او قصد تجزیه کشور را نداشته اما چون باید شرایطی را فراهم می‌کرد که به هر صورت ممکن استمرار حکومتش میسر شود کوتاه آمد و امروز او به خیانت به وطن، ایران، غرور ملی و تمامیت ارضی متهم می‌کنیم. در صورتی که خیانت او



تمدن غرب به
 خاطر جذابیت‌های
 لذت‌گرایانه،
 منفعت‌طلبانه و
 این‌دنیایی، بسیاری
 از نخبگان ایرانی
 را در خود کشید.
 در ۲۲۰ سال اخیر
 جدال بزرگی
 بین‌بومی‌گرایی -
 غرب‌گرایی در ایران
 صورت گرفته است و
 این داستان همچنان
 ادامه دارد.

تحلیل‌های

۵۹

آبان ۱۳۹۷
 هیأت‌رئیس‌رسان

محصول تصمیم‌آگاهانه فروش کشور نبوده بلکه دلایلی همچون ضعف شخصیت، بی‌عرضگی، نداشتن پشتوانه مردمی، زن‌بارگی و... به این خیانت تن داده است. امروزه مسائل دیگر همچون تساهل در مقابل دشمن، تساهل فرهنگی، جری کردن دشمن در پیشروی سیاسی، ایجاد شکاف بین ملت - حاکمیت و... در محاوره عمومی جامعه خیانت محسوب می‌شود. بسیاری از اشتباهات مسئولان در فرهنگ عمومی ایرانیان به مثابه خیانت تحلیل می‌شود و به باور اجتماعی رسوخ می‌کند. به تعبیر دیگر اشتباهات راهبردی را نیز می‌توان معادل خیانت به حساب آورد حتی اگر کننده آن قصد خیانت عمدانه نداشته است اما محصل آن با خیانت تفاوتی ندارد.

خیانت‌های ملی معاصر در پیوند با غرب

عمده‌ترین خیانت‌های بارز و ثبت شده در ایران مربوط به دوران معاصر است. بدین معنی که مفهوم خیانت از زمان آشنایی ایرانیان با غرب بسیار برجسته شده است. غرب متغیر اصلی جهت شناسایی خائنین در ایران است که دلایل عمده‌ای دارد. به صورت طبیعی با شروع دوران استعمار غرب با محوریت انگلستان در صدد تسلط بر منابع شرق بوده است و ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. دلایلی همچون ۱- منفعت‌طلبی حاکمان و تأمین منافع از طریق قراردادهای استعماری ۲- استمرار و تثبیت قدرت به واسطه حمایت بیگانه ۳- تصاحب قدرت به جهت ارادت به بیگانه و حذف مهره‌های ملی و وطن‌خواه از قدرت ۴- باور به متدهای اقتصادی و سیاسی غرب برای حل معضلات، عمده‌ترین دلایل خیانت‌های ملی در ایران بوده است که همه نمونه‌های آن را می‌توان در دوران قاجاریه و پهلوی مشاهده نمود. برخی از رجال ایرانی که فرنگ رفته بودند زمینه‌های تسهیل قراردادهای استعماری را فراهم می‌کردند تا خود نیز منتفع شوند (میرزا ملکم خان). برخی دیگر مدل سیاسی - اجتماعی و مذهبی غرب را واجد پیاده کردن در ایران می‌دانستند (رضا خان، میرزا فتح‌علی آخوندزاده). ۲- برخی راه‌حل مشکلات کشور را قراردادهای استعماری و باج‌دهی به انگلیس یا روسیه و بعداً آمریکا می‌دانستند که می‌توان به امثال ناصرالدین شاه و پهلوی دوم اشاره نمود. برخی ضعف قدرت خود را در وابسته کردن کشور به بیگانگان می‌دانستند که مصداق بارز آن وابستگی محمدعلی شاه به روسیه و پهلوی دوم به انگلستان و آمریکا بعد از کودتای ۲۸ مرداد است.

اما بن‌مایه‌های خیانت ملی در ایران معاصر را نمی‌توان از جریان روشنفکری بیمار دور داشت. خیانت رجال ایرانی به ایران و منافع ملی با پیدایش پدیده روشنفکری و تحصیلکردگی و غرب‌رنگی هم‌تراز است. دلیل اصلی آن را می‌توان از مطالعه دوران آغامحمدخان قاجار و قبل آن دید. زیرا خیانت‌های دوران ۲۰۰ ساله ایران را در زمان زندیه، افشاریه و خصوصاً صفویه نمی‌توان یافت. پس نتیجه می‌گیریم که آشنایی با غرب جدید اساس خیانت‌ورزی است.

خیانت‌های قاجاریه و پهلوی

نفوذ کشورهای غربی از جمله روسیه و انگلیس در حکومت قاجاریه و انگلیس و آمریکا در حکومت پهلوی‌ها از مهم‌ترین عوامل خیانت‌های چندجانبه به ایران است که در ابعاد ۱- اقتصادی ۲- حقوقی ۳- سرزمینی ۴- فرهنگی ۵- دینی ۶- توسعه‌ای ۷- نخبه‌کشی، قابل دسته‌بندی است.

۱- نخبه‌کشی - انتصاب وابستگان

در تاریخ معاصر ایران هر کسی از نخبگان دینی و ملی ایران به روابط ایران و قدرت‌های غربی معترض بوده یا در صدد فاصله بین ایران و آنان برآمده یا قصد پیشگیری از غارت منابع ایران را داشته است به صورت فیزیکی حذف شده است.

۱-۱- قائم‌مقام فراهانی صدراعظم مدبر محمدشاه قاجار از جمله این شخصیت‌هاست که همانند یک دانشمند در صدد عزت‌بخشی به ایران برآمده اما بلافاصله حذف شد.

۱-۲- امیر کبیر برترین نخبه ایرانی است که در قرن ۱۸ در صدد استقلال و توسعه ایران برآمد و اصرار بر توسعه ملی و استقلال عامل مرگ وی شد. فاصله گرفتن وی از روسیه و انگلیس از یک سو و کنترل ریخت و پاش‌های درباریان و استقرار کارخانه‌های مختلف و دارالفنون و روزنامه از سوی دیگر عواملی بودند که توسعه و رشد فرهنگی - فکری ایرانیان را میسر می‌ساختند اما کمتر از چهار سال از صدارت وی در سال ۱۲۶۸ هجری عزل و سپس به کاشان تبعید و در آنجا به شهادت رساندند.

۱-۳- آیت‌الله سید حسن مدرس روحانی ایران دوست و مسلمان به دلیل اعتراض به دیکتاتوری پهلوی اول و اقدامات ضد دینی و غیرقانونی رژیم ابتداترور فیزیکی، سپس ترور شخصیتی شد و به خواف و سپس کاشمر تبعید و در سال ۱۳۱۶ در آنجا به شهادت رسید و اکنون مرقده آن سید بزرگ محل رجوع و عبادت مردم شده است.

۱-۴- شعرای ملی همچون فرخی یزدی، میرزاده عشقی (۱۳۰۳ شمسی)، واعظ قزوینی و بسیار دیگری از نویسندگان ایرانی توسط پهلوی اول حذف فیزیکی شدند.



در حوزه حکومتی
معمولاً همکاری با
دشمن علیه خودی
یا ارسال اطلاعات
به غیریت یا توطئه
علیه محیط‌های
خودی یا دوستانه را
خیانت می‌گویند.

تحلیل‌ها

۶۱

آبان ۱۳۹۷
هیأت‌رئیس‌مجلس

۵-۱- مصدق نخست‌وزیر ملی‌گرای ایران که با رأی مردم به قدرت رسیده بود ابتدا با کودتا عزل و سپس محاکمه و تبعید شد.

۶-۱- از بین بردن برخی شخصیت‌های روحانی و ملی در زندان همچون آیت‌الله سعیدی، غفاری و سردار اسعد بختیاری و کلنل محمدتقی خان پسیان رانیز باید به این لیست اضافه نمود.

۲- رجال خائن

خاندان قاجاریه وابسته نبودند اما ضعف آنان از یک سو و آشنایی ناقص با غرب از سوی دیگر باعث شد برخی رجال حکومتی امتیازاتی را به بیگانگان بدهند و در قبال آن آبنباتی دریافت کنند. برخی مانند آقاخان نوری برای رسیدن به قدرت چنان به انگلیس نزدیک شدند که جایگزین میرزا تقی خان امیر کبیر شدند و برخی نیز در معاملات و قراردادهای حضور منفعت‌جویانه داشتند که برخی از آنان را می‌شود در اینجا نام برد و البته مرور همه آنان در این مختصر نمی‌گنجد. ضعف در مقابل بیگانگان به خاطر نداشتن پشتوانه مردمی و منفعت‌طلبی عامل اصلی این خیانت‌هاست که گاه رنگ و بوی پیشرفت ایران یا «مانند فرنگ شدن ایران» به خود می‌گیرد اما هیچ‌گاه در این زمانه شاهد رشد و توسعه ایران نبوده‌ایم.

قرن گذشته، دوران ناتوانی حکومت ایران بود و مقدرات ایران در معرض زد و بندهای سازش‌های دو دولت قوی روس و انگلیس قرار داشت.

در تمام این مدت، دو کشور مذکور جز پیش بردن مطامع و نیات استعمارگرانه خود هیچ هدفی نداشتند و در این راه پایبند هیچ قانون اخلاقی و بین‌المللی نبوده‌اند. رقابتی شدید میان آنان حکمفرما بود و در عین حال در محو و نابود کردن حقوق حاکمیت ایران بر یکدیگر سبقت می‌جستند و جالب‌تر اینکه هرگاه منافع و مصالح بزرگ‌تری ایجاب می‌کرد، میان آن دو سازشی علیه میهن ما به عمل می‌آمد و باز روس و انگلیس متفقاً کلاه ایران را برمی‌داشتند. در کشاکش این ماجراها کارنامه بسیاری از زمامداران وقت ایران سیاه است.

طبعاً در دوران معاصر با ۲ گروه از حاکمان مواجهیم

از چند نفر که بگذریم، اکثر کسانی که در آن روزگار بر مقدرات ایران حکومت داشتند صاحب شخصیت و کاردانی و پاکدامنی نبودند.

از گروه اول عباس میرزا، میرزا بزرگ قائم‌مقام، میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام و میرزا تقی

خان امیر کبیر را باید نام ببریم که معروف به وطن پرستی و فداکاری و دفاع از حقوق ملی و حاکمیت ایران بودند و همواره علیه استعمارگران به مبارزه برخاستند و در برابر تعدیات پی در پی و زورگویی‌های روس و انگلیس ایستادگی نمودند.

اما گروه دوم کسانی بودند که مستقیماً عامل بیگانگان در ایران به‌شمار می‌رفتند. اینان یا مستقیم از اجانب پول می‌گرفتند و مستمری دریافت می‌داشتند یا اینکه به پشتیبانی خارجی به مقامات عالی‌مملکتی می‌رسیدند و در ازای آن حقوق ملت ایران را در طبق اخلاص می‌نهادند و تسلیم سفارتخانه‌ها و مقامات خارجی می‌کردند.

در میان این دسته، میرزا ابوالحسن خان شیرازی و همشیره‌زاده‌اش میرزا محمد علی شیرازی، میرزا آقاخان نوری و برادرش میرزا فضل‌الله وزیر نظام، اللهیار خان آصف‌الدوله، میرزا مسعود گرمرویی، محمدحسین خان صدر اصفهانی و پسرش عبدالله خان امین‌الدوله و دیگر جیره‌خواران و حقوق‌بگیران انگلیس را باید نام برد که در کتاب حقوق‌بگیران انگلیس به‌وضوح تمام از روی مدارک و اسناد متقن معرفی شده‌اند.

اینان در برابر بیگانگان زبونی و پستی را به حد کمال رسانیدند و چیزی که در ذهنشان نمی‌گذشت منافع مملکت و حقوق ملت ایران بود و گاهی کار آنان به جایی می‌رسید که مثلاً هنگامی که میرزا ابوالحسن خان ایلچی حقوق‌بگیر دولت انگلیس و حکومت هندوستان از دنیا رفت، مقامات خارجی در صدد تعیین جانشین برای او آمدند و از اینکه شخصی به جای وی انتخاب شود که حقوق‌بگیر آنها نباشد به وحشت افتادند.

کلنل شیل، وزیر مختار انگلیس در تهران در روز ۸ اوت ۱۸۴۶ به لرد «بردین» وزیر خارجه وقت انگلیس نوشت: «متأسفم که مرگ میرزا ابوالحسن خان را به اطلاع شما برسانیم. هنوز تریبی برای انتخاب جانشین او داده نشده. ممکن است میرزانی خان امین‌الدوله به این مقام برسد. وزیر مختار روس در انتخاب وزیر خارجه ممکن است اقدام به تهدید کند و نفوذ خود را به نفع انتصاب میرزا مسعود به کار اندازد، ولی از آنجایی که حاجی میرزا آقاسی از این شخص بیزار است، انتخاب او بعید به نظر می‌رسد.» مع الوصف، سرانجام نفوذ سفیر روس مؤثر افتاد و میرزا مسعود سال‌ها به عنوان «وزیر دول خارجه» و «وزیر امور خارجه» ایران به صندلی وزارت تکیه زد.

جالب آن است که در میان حقوق‌بگیران انگلیس و روس در ایران از هر صنف و طبقه‌ای که در کار مملکت مؤثر بودند افرادی یافته می‌شدند و این گروه انحصار به رجال نداشت. غیر از این جماعت بعضی از روحانی‌نمایان نیز بودند که با اجانب سرو سری داشتند. مثلاً میرزا



می توان تفسیر
موسع تری نیز از
خیانت ارائه کرد.
خیانت به واسطه
ترس یا وادادگی
یا مرعوب شدن
یا خودکم پنداری
نیز محقق می شود.
بعضانیت ها آلوده
به خیانت نیست اما
ماحصل تصمیم یا
اقدام خائنانه تلقی
می شود.

تحلیل و ارزیابی

۶۳

آبان ۱۳۹۷

هیأت رزمندگان اسلام

مهدی امام جمعه اول تهران که در توطئه قتل قائم مقام دست داشت و برانداختن آن مرد بزرگ را به وزیر مختار وقت انگلیس تبریک گفت. همچنین پسرش میرزا ابوالقاسم امام جمعه که در زمان امیر کبیر، امام جمعه تهران بود، هم با انگلیسی ها و هم با روس ها ارتباط خاصی داشت و به همین جهت وقتی از سفیر روس «انفیه دان» مرصع گرفت، از طرف دولت امیر مغضوب گردید. در واقع این «امام جمعه های انگلیسی یا لندن» کاری با اصول شریعت مقدس محمدی و ترویج مذهب جعفری اثنی عشری نداشتند، بلکه قبله گاه آنان سفار تخانه های اجنبی بود.

ناگفته نگذاریم که در میان روحانیون مردان بزرگی هم بودند که در برابر پول اجنبی، سر تسلیم فرود نیاوردند و خویشستن را به زر نفروختند و از این جمله می توان به مرحومین شیخ مرتضی انصاری و نیز سید کاظم یزدی، عالم عالیقدر تشیع اشاره نمود. در این بازار گرم رشوه خواری و اجنبی پرستی وجود کسانی که از خزانه اجانب برخوردار بودند یا به حمایت آنان به مقامات دولتی رسیدند، قابل انکار و تردید نیست، اما ترویج فساد و رشوه خواری در ایران، جهت دیگری هم دارد و آن وجود عوامل فاسد کننده بیگانه در ایران است که نقش اصلی را بعد از ورود سر جان ملکم به کشور ما به عهده داشته اند. در واقع عمال و مأموران روسی و انگلیسی برای پیش بردن اهداف و بسط نفوذ خویش به هر وسیله نامشروعی متوسل می گردیدند تا فساد و تبهکاری را در میان رجال قاجار رواج دهند و گماشتگان جیره خوار خود را بر مصادر امور بنشانند. حتی دیده می شود که انگلیسی های مستعمره چی برای رسیدن به مقصود خود از وجود موقوفه سلطان «اود» هند نیز به مدت ۱۶۰ سال استفاده سوء کردند. در حالی که هدف واقف و بانی موقوفه مزبور اشاعه تشیع و کمک به طلاب شیعه و بسط تحقیقات مربوط به مذهب جعفری بود که چون درآمد آن به دست عمال امپراتوری انگلیس در هندوستان افتاد، آنان درآمد موقوفه را در راه فاسد کردن طلاب و روحانیون و بسط نفوذ خود در بین النهرین به کار بردند و در چنان هنگامه ای در صف روحانیون کمتر کسی بود که شهامت و تقوای اخلاقی وی مانع گرفتن وجوه موقوفه گردد. بدین جهت نام بزرگوارانی چون شیخ مرتضی انصاری را یک بار دیگر باید ذکر کرد و او را از مظاهر پاکدامنی و تقوای روحانیت شیعه در این عصر دانست.

۲-۱- میرزا حسین خان سپهسالار

در میان رجال و مزدوران این دوره حتی نمایندگان روشنفکران و ترقی طلبانی چون میرزا حسین خان سپهسالار نیز وجود داشتند و نمونه کار آنها، قرارداد و امتیاز ننگین «رویتر» بود، که حتی موجب اعتراض نمایندگان پارلمان انگلیس گردید و به قول لرد کرزن «یک چنین امتیاز عظیم و بی سابقه‌ای به منزله بخشش نامه‌ای بود که از طرف کشور ایران به یک انگلیسی داده می‌شد. و باید اعتراف کرد که اگر بریتانیا توانسته بود این بازی را به آخر برساند نه تنها شاه ایران مات شده بود، بلکه تزار روسیه هم به جای خود میخکوب می‌شد.» علاوه بر این وقتی مفاد قرارداد در مجلس عوام انگلیس مورد بحث قرار گرفت کلمات «فوق العاده و خطرناک» درباره آن به کار رفت و «رابرت لاو» وزیر دارایی انگلیس نتوانست از این «بخشش نامه» دفاع کند و در جواب اعتراضات نمایندگان گفت: «مادر آن هیچ نفعی نداریم» و حتی «لرد گرانویل» وزیر خارجه وقت انگلستان در مجلس اعیان کشور خود در جواب همین سؤال که آیا این امتیاز به نفع ایران و انگلیس است، اظهار داشت: «چنین امتیاز نامه‌ای موجود است، ولی من نمی‌توانم بیش از این درباره آن توضیحی بدهم.»

این رسوایی بزرگ و غیر قابل بخشش که با پرداخت چند هزار لیره رشوه و پیشکشی از طرف «بارون رویتر» به شاه قاجار و میرزا حسین سپهسالار صورت گرفت، نه تنها مردم ایران را بهت زده کرد، بلکه به قول «سر هنری راولینسون»: در وقتی که این امتیاز به طبع رسید و در دنیا منتشر گشت و دیده شد که دارای چه مزایای بی شماری است و تمام منابع ثروتی و صنعتی و فلاحتی سرتاسر یک مملکت چگونه به دست انگلیسی‌ها افتاده است، هیچکس قادر نبود این موضوع را پیش‌بینی کند که روزی یک چنین امتیاز مهمی به دست یکی از اتباع دولت انگلیس بیفتد. علاوه بر تمام خطوط راه آهن ایران و تراموا که انحصار آن تا ۷۰ سال به بارون رویتر واگذار شده بود، کلیه معادن ایران نیز به استثنای معادن طلا و نقره و سنگ‌های قیمتی، در اختیار صاحب امتیاز قرار می‌گرفت. به علاوه گمرکات و آبیاری اراضی و احداث قنوات و کانال‌ها به رویتر واگذار گردیده بود. یک چنین خیانت بزرگی که از طرف نماینده روشنفکران و آزادیخواهان ایران صورت گرفت، در بین توده مردم هیجان و اضطراب شدیدی به وجود آورد، تا جایی که ناصرالدین شاه مجبور شد، میرزا حسین خان را معزول کند. زیرا چنین خیانتی نه تنها در هیچ کشوری سابقه نداشت، بلکه اگر در سرزمین دیگری غیر از ایران اجرا شده بود، نسل خاندان خائن از بین برده می‌شد. در حالی که در کشور ما بازماندگان چنین رجال خیانت‌پیشه‌ای تا مدت‌ها مصدر کار بودند و هر چه می‌خواستند می‌کردند که گویی خیانت



نفوذ کشورهای غربی از جمله روسیه و انگلیس در حکومت قاجار به و انگلیس و امریکا در حکومت پهلوی ها از مهم ترین عوامل خیانت های چند جانبه به ایران است که در ابعاد ۱- اقتصاد ۲- حقوقی ۳- سرزمینی ۴- فرهنگی-دینی ۵- توسعه ای ۶- نخبه کشی، قابل دسته بندی است.

تحلیل روزها

۶۵

آبان ۱۳۹۷
هیأت زندگان اسلام

و بیگانه پرستی که در رگ و پوست آنان رسوخ یافته بود به عنوان میراث به بعضی از افراد نسل بعدی شان، نیز که دوران عمر آنان مصادف است با عصر قاجار و حتی بعد از آن نیز سرایت کرده است مثلاً محمدحسین اصفهانی که از علافی و زغال فروشی به صدارت خاقان مغفور فتحعلی شاه رسید مقام صدارت را از این بابت تحصیل کرده که سردسته عمال انگلیسی دربار فتحعلی شاه به شمار می رفت و کارش تخطئه کردن میرزا بزرگ و قائم مقام بود و پسرش عبدالله خان امین الدوله به راه و رسم پدر بزرگوار خویش قدم برداشت تا آنجا که در زمان قائم مقام به بین النهرین فرار کرد و خانواده ای در آنجا تشکیل داد و نوه همین عبدالله خان صدر بود که در جریان اشغال بین النهرین به انگلیسی ها خدمت شایانی نمود و بعدها مقامات عالی پیدا کرد.

۲-۲- میرزا ابوالحسن خان ایلچی

ایشان نخستین وزیر ایرانی است که از دولت انگلستان و حکومت هندوستان، حقوق و مقرری مرتب می گرفت.

او مدت ۳۵ سال ماهی یک هزار روپیه از دولت انگلیس و حکومت هندوستان دریافت می کرد.

او در زمان فتحعلی شاه، وزیر امور خارجه ایران بود. روز ۱۵ ژوئن ۱۸۱۰ به عضویت لژ فراماسونری درآمد و بعد به کمک انگلیسی ها به مقام وزارت امور خارجه نائل آمد و او را عالیجناب خطاب می کردند.

اعمال دوران سیاه وزارت و سفارت این مرد آنقدر ننگین و بیشرمانه است که جا دارد نام او را در ردیف خائنان درجه اول مملکت و مروجین فساد و رشوه خواری و جاسوسی به نفع اجانب ذکر کنیم.

در دوران وزارت او معاهدات ننگین تر کمانچای و گلستان به ایران تحمیل شد و آنچه خواست انگلیس بود برای نابودی و تضعیف ایران در برابر هندوستان توسط وی انجام گرفت. در این دوران طراحان انگلیس برای پی ریزی تدابیر خود در ایران، وجود سازمان فراماسونری و فراماسون شدن ایرانی ها و اعزام فراماسون های انگلیسی به ایران را لازم می دانستند.

در این زمان دو استاد اعظم ماسونی انگلیس «سرگور اوزلی» و «میرزا ابوالحسن خان ایلچی» در ایران مأمور تشکیل لژ فراماسونی شدند. این دو با وارد کردن درباریان به حلقه فراماسونی تقریباً همه اطرافیان شاه ایران را ماسون کردند. این عملیات و

اقدامات، نفوذ اوزلی را در دربار ایران آنقدر توسعه داد که فتحعلی شاه آشکارا همه مسائل مورد نظر و امور را با او در میان می‌نهاد و صمیمیت فوق‌العاده‌ای بین او و پادشاه و درباریان به وجود آمده بود.

اوزلی برای جدا کردن قفقاز از ایران و تضعیف و متلاشی کردن ایران بزرگ و به خاطر اینکه برای همیشه یارای حمله به هند و کمک به آزادیخواهان و شورشیان هندی را از ایران سلب کرده باشد، شاه و درباریان را مجبور کرد با قبول قرارداد صلح با روسیه و انتزاع ۱۷ شهر قفقاز از ایران (که میرزا ابوالحسن خان آن را امضا کرد) هم روسیه را راضی کنند و هم بزرگ‌ترین و آبادترین استان‌های شمالی کشور را از ایران جدا سازند.

در این نیرنگ فراماسون‌های انگلیسی و ایرانی، همه درباریان و حتی شاه که تحت تأثیر (پول و پلتیک) قرار گرفته بود، با انتزاع و جدایی ۱۷ شهر قفقاز موافق بودند و تنها عباس میرزا نایب السلطنه در برابر این اقدام مقاومت کرد که کسی اعتنایی به افکار و عقاید او نکرد.

در آخرین شبیخونی نیز که قشون روس در روز ۳۱ اکتبر ۱۸۲۱م (۲۳ محرم ۱۲۳۷هـ) به «اصطلادوز» زدند و نیروی عباس میرزا را عقب راندند «اوزلی و ایلچی» دست داشتند. اعتماد السلطنه در ضمن وقایع سال ۱۲۲۷ می‌نویسد: «اوزلی به اتفاق ایلچی به تبریز رفتند تا ترتیب بعضی قرارمدارها داده شود»

بالاخره فعالیت این دو فراماسون سبب شد که معاهده شوم گلستان در ۱۲۲۸هـ (۱۸۱۳م) بین ایران و روس امضا شود و میرزا ابوالحسن خان به دستور برادر فراماسونش قسمتی از خاک وطن ما را از ایران جدا کرد.

لرد کرزن فراماسون که با کمک فراماسون‌های ایرانی و فرانسوی و انگلیسی قسمتی از انقلاب مشروطیت ایران را در روزهای واپسین پیروزی هدایت می‌کرد، درباره حوادث این ایام می‌نویسد: «در این موقع سه نفر از مأمورین انگلیس دخالت تامی در ایران داشتند. یکی سرگور اوزلی، دیگری جیمز موریه و سومی جیمز فریزر می‌باشند». این فراماسون‌های انگلیسی آنقدر نسبت به ایران و ایرانی دشمنی داشتند که افکار عامه مردم انگلیس و نظر امنای آن دولت را نسبت به ایران مشوب و بی‌اعتبار کردند و همین امر سبب شد تا به روس‌ها آزادی عمل زیادی برای تجاوز به ایران داده شود.

نتیجه عملیات این دو گراند لژ انگلند (اوزلی-ایلچی) آن شد که انگلستان در ۱۵ سال اول قرن نوزدهم و تا سال آخر سلطنت فتحعلی شاه به یک نوع بی‌اعتنایی تبدیل شده و روس‌ها را در پیشروی و تجاوز به ایران تشویق کند. انگلیسی‌ها ایران را به کلی رها نمودند و با تحمیل

«
در تاریخ معاصر
ایران هر کسی از
نخبگان دینی و
ملی ایران به روابط
ایران و قدرت‌های
غربی معترض
بوده یا درصدد
فاصله‌بین‌ایران
و آنان برآمده یا
قصد پیشگیری از
غارت منابع ایران
را داشته است به
صورت‌فیزیکی
حذف شده است.



به موجب اسناد وزارت
خارج انگلیس، در
تمام دوران سفارت
«جرج.م. مکدونالد»
سفیر وقت انگلستان در
ایران، برای میرزا محمد
علی سالی ۵۰ تومان
مقرری معین و پرداخت
شده است. علاوه بر
دریافت این مقرری وی
هرگاه خبر مهمی کسب
می کرد و آن را به وزیر
مختار انگلستان می داد
مبلغی نیز به عنوان
«خبر مهم» از بودجه
محرمانه سفارت به او
تعلق می گرفت.

تحلیل و گزارشها

۶۷

آبان ۱۳۹۷
هیأت رزمندگان اسلام

قراردادهای ننگین گلستان و ترکمانچای این کشور را به لب پرتگاه زوال و فنا سوق دادند. از روزی که فراماسون های انگلیسی و ایرانی، کشور ما را به دایره اروپایی کشاندند دولت و ملت ایران تا مدت های مدید روی خوشی و راحتی ندید و همیشه و مداوم برای ایران گرفتاری هایی ایجاد می شد.

۲-۳- میرزا محمد علی خان شیرازی

ایشان رسواترین وزیر محمد شاه است که در گرفتن رشوه و حقوق و مستمری از خارجیان پیشقدم دیگران بود. میرزا محمد علی خان شیرازی، همشیره زاده میرزا ابوالحسن خان ایلچی است.

او که در پایتخت زیر نظر ابوالحسن خان تربیت یافته بود، در گرفتن مستمری و حقوق و رشوه از خارجیان از دایی گرامی اش میرزا ابوالحسن نیز پیشی گرفت. در تمام مدتی که میرزا ابوالحسن خان از سفارت انگلیس ماهانه یک هزار روپیه حقوق دریافت می داشت، او نیز مبلغی از بودجه حکومت هند مستمری می گرفت. پس از وفات میرزا ابوالحسن خان چون وزیر خارجه وقت انگلیس حاضر به پرداخت مقرری ماهانه وی در حق فرزندش نشد، میرزا محمد علی که جانشین دایی خود شده بود به وزیر مختار انگلیس پیشنهاد کرد که ماهانه مبلغی دریافت دارد و در قبال آن، خدماتی را تقبل کند.

به موجب اسناد وزارت خارجه انگلیس، در تمام دوران سفارت «جرج.م. مکدونالد» سفیر وقت انگلستان در ایران، برای میرزا محمد علی سالی ۵۰ تومان مقرری معین و پرداخت شده است. علاوه بر دریافت این مقرری وی هرگاه خبر مهمی کسب می کرد و آن را به وزیر مختار انگلستان می داد مبلغی نیز به عنوان «خبر مهم» از بودجه محرمانه سفارت به او تعلق می گرفت.

سر جان کمبل سفیر کبیر انگلیس در ایران در تذکاریه سری و محرمانه که ضمیمه گزارش شماره هشت خود به وزارت خارجه دولت متبوع خویش فرستاده است به مطلب مهمی اشاره می کند. این گزارش که به شماره ۳۷ ر ۶۰ در بایگانی عمومی انگلستان ضبط است چنین حاکی است:

«مکدونالد به میرزا محمد علی که همشیره زاده میرزا ابوالحسن خان است سالی ۵۰ تومان می داد و میرزا محمد علی کاملاً تحت نفوذ دایی خودش (میرزا ابوالحسن خان) است. بعد از مکدونالد، من رویه او را تعقیب کردم، اما میرزا محمد علی به ندرت

نزد من می‌آمد و در نتیجه به علت اینکه مدت‌ها بود می‌دانستم وی در عداد طرفداران روس‌ها درآمده و در مراحل بحرانی اخیر پشتیبانی کامل خود را از منافع آنان علنی کرده است من هم اصراری نکردم.»

میرزا محمد علی که در شیراز در خانواده میرزا ابراهیم خان کلاتر اعتمادالدوله پرورش یافته بود، خط نستعلیق را به پایه استادان خوش‌نویس می‌نوشت و از علوم قدیمه و الهیات نیز بی‌بهره نبود. او به دعوت میرزا ابوالحسن خان به تهران آمد و در وزارت امور خارجه نایب «عم اکرمش!» گردید.

پس از اینکه میرزا ابوالحسن وفات یافت، سفارت انگلیس در تهران برای انتخاب او به وزارت امور خارجه ایران تلاش فراوانی کرد.

گرچه شاه وقت قاجار او را لایق مقام (وزارت دول خارجه) نمی‌دید، ولی وقتی روس‌ها نیز با انتصاب او به این سمت موافقت کردند وی را بدین سمت منصوب کرد.

در تمام دورانی که میرزا محمد علی خان مصدر امور دولتی بود، همه اسرار وزارت خارجه را در اختیار مکدونالد وزیر مختار انگلیس می‌گذاشت.

۲-۴- اللهیار خان آصف‌الدوله

در بین افراد خانواده سلطنتی قاجار «اللهیار خان آصف‌الدوله دولو» پسر محمدخان بیگلربیگی، از همه بیشتر به انگلیسی‌ها نزدیک بود و همه جا به انگلیس خدمت می‌کرد. خدمات آصف‌الدوله به دستگاه سفارت انگلیس در تهران تا بدانجا رسیده بود که وزیر مختار وقت آن کشور در ایران طی گزارشی که روز ۱۹ اکتبر ۱۸۴۸ به وزیر امور خارجه دولت متبوع خویش فرستاد درباره او چنین نوشت:

«... آصف‌الدوله خود و تمام افراد خانواده‌اش همیشه و کاملاً در اختیار دولت انگلستان بوده‌اند و اینان از خدمتگزاران صدیق ما می‌باشند...» اللهیار خان آصف‌الدوله چنانکه گفتیم پسر محمدخان بیگلربیگی است و پدرش در راه اعتلای خاندان قاجار فداکاری‌های فراوان کرد و مقام ارجمندی داشت. دکتر فریدون آدمیت نیز در این باره می‌نویسد: «... این هنگام بهترین دوست انگلیسی‌ها در ایران اللهیار خان آصف‌الدوله فرمانفرمای خراسان بود که با آنان از قدیم سرو سری داشت...»

در این موقع حاج میرزا صدر اعظم ایران بود و برای اینکه از تحریکات آصف‌الدوله که به مسند صدارت عظمی علاقه فراوان داشت بکاهد او را با اختیارات فراوان به خراسان فرستاد. مقارن فرمانفرمایی آصف‌الدوله در خراسان انگلیسی‌ها دو هدف عمده داشتند: با گماردن عوامل



فردوست معتقد
است: هویدا وابسته
به انگلیسی‌ها بود
و توسط آنها به
امریکایی‌ها معرفی
شد (فردوست،
۱۳۷۴، ص ۲۵۹).

تحلیل ژنرال‌ها

۶۹

آبان ۱۳۹۷
هیأت‌رئیس‌مجلس

خود در خراسان، هرات را از حمله سپاهیان ایران مصون دارند تا از این راه خطرات متوجه مرز هندوستان را دفع کنند.

همچنین با اعزام جاسوسان و عوامل خرابکار و اطلاعاتی به ترکستان، حوادث این منطقه را زیر نظر داشته باشند.

در قسمت اول با انتصاب آصف الدوله، انگلیسی‌ها موفقیت‌های بسیاری به دست آوردند. سفارت انگلیس در تهران برای اینکه به هدف دوم نیز نزدیک شود، به آصف الدوله پیشنهاد کرد تا به کمک عوامل آنها بشتابد. به همین جهت هر یک از عوامل اطلاعاتی انگلستان که به ترکستان فرستاده می‌شدند مورد حمایت و توجه آصف الدوله قرار می‌گرفتند و وی به آنان کمک فراوان می‌کرد و حتی توصیه‌نامه‌هایی نیز به دست آنان می‌داد، اما خوانین مرو و خیوه و سایر حکام ترکستان، هر وقت یکی از عوامل انگلیسی به دستشان می‌افتاد، آنها را با شکنجه و قساوت بسیار می‌کشتند. چنانچه «کانالی» و «استوارت» دو جاسوس زبردست انگلیسی که توصیه‌نامه آصف الدوله را به همراه داشتند، در همین اوان دستگیر و کشته شدند. باری پس از قتل چندین جاسوس انگلیس در ترکستان، حکومت هندوستان و سازمان انتلیجنس سرویس برای اینکه «جاسوس» اعزامی آنها شناخته نشود، یکی از افسران آزموده جاسوس خود را به نام «فریه» که تابعیت فرانسه را داشت همراه میسیون ژنرال گاردان به ایران و به خراسان اعزام داشتند. فریه که در سال ۱۸۳۹ م - ۱۲۵۵ در سپاه ایران خدمت می‌کرد و چون از هنگام ورود به ارتش ایران روش مزورانه‌ای در پیش گرفته بود و اطلاعات نظامی قشون ایران را به انگلیسی‌ها می‌داد، به دستور فتح‌علی شاه از سپاه ایران و سپس از خود کشور اخراج گردید.

ولی وی پس از دو سال یعنی در سال ۱۸۴۵ به بغداد بازگشت. در این تاریخ بغداد کانون فساد و توطئه ضد ایران شده بود و سازمان انتلیجنس سرویس از راه بین‌النهرین جاسوسانی به ایران می‌فرستاد تا علیه محمدشاه فعالیت کنند.

به این لیست سیاه می‌توان به شیخ ابراهیم زنجانی روحانی نمای قاتل شیخ فضل‌الله نوری برخی روشنفکران همسو با پهلوی اول که وی را «دیکتاتور مصلح» می‌دانستند و همچنین سپهبد فضل‌الله زاهدی محور عملیاتی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اشاره کرد. برخی نخست‌وزیران پهلوی نیز در این جرگه‌اند. آنچه باید به

صورت قطعی فرض کنیم اینکه همه نخست‌وزیران محمدرضا شاه پهلوی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ با هماهنگی امریکا و انگلیس انتخاب شدند و شاه صرفاً موافقت خود را اعلام می‌کرد که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۳- نخست‌وزیران منصوب غرب

طبق اسناد موجود تمامی نخست‌وزیران دوره ۲۵ ساله بعد از کودتا ۱۳۳۲ با دستور یا پیشنهاد امریکا و انگلیس انتخاب می‌شدند و حتی عزل و جابه‌جایی آنان نیز به واسطه دستور یا توصیه دولت‌های غربی انجام می‌شد.

علی‌امینی که قبل از نخست‌وزیری سفیر ایران در امریکا بوده از سوی امریکایی‌ها برای نخست‌وزیری ایران کاندیدا می‌شود. نکته‌ای که جالب‌تر از اصل انتصاب امینی توسط دولت امریکاست، پاسخ شاه به اعتراض سناتور دکتر سعید مالک است. وقتی مالک به شاه اعتراض می‌کند که چرا پسر فروغی را زندان کرده‌اید؟ شاه اظهار می‌دارد: امریکایی‌ها من را از دخالت در امور کشور ممنوع کرده‌اند، ولی بدانید با ترتیبی که داده‌ام حکومت امینی در ایران دوام نخواهد آورد. اما سفیر وقت امریکا در ایران ماجرای به قدرت رسیدن امینی را اینگونه بیان می‌کند: جان اف. کندی رئیس‌جمهور امریکا در ازای پرداخت یک وام ۳۵ میلیون دلاری خواستار انتصاب علی‌امینی شده بود. به گفته سفیر، علی‌امینی مأموریت داشت یک برنامه ویژه را که از سوی مشاوران پرزیدنت کندی برای مداخله در امور ایران تهیه شده بود پیاده کند (فردوست، ۱۳۷۴، ص ۳۵۳).

منصور از اعضای شبکه اردشیر ریپورتر بوده است که ارتشبد فردوست درباره وی می‌نویسد: علی منصور (منصور الملک) از مأموران انگلیس بود. پسرش (حسنعلی منصور) مانند پدر پرورش یافته انگلیسی‌ها بود ولی از آن گروه بود که به امریکایی وصل شدند. او چه در «اصل چهار» و چه بعدها که نخست‌وزیر شد از طرف امریکا به شدت تقویت می‌شد (فردوست، ۱۳۷۴، ص ۳۵۵). طبق یکی از اسناد ساواک که در تاریخ ۱۳۴۷/۱۰/۱۲ صادر شده آمده است: «به طور قطع انگلیسی‌ها نسبت به زمامداری منصور در ایران علاقه‌مند هستند و طرح‌هایی دارند که باید به نفع انگلستان به دست مشارالیه انجام گیرد. اسناد مذکور نشان می‌دهد که منصور مورد توافق مشترک امریکا و انگلیس بوده است و هر دو کشور وی را مطلوب می‌دانسته‌اند. منصور وظیفه تصویب کاپیتولاسیون را به عهده داشت و شاه از وی نیز راضی نبود. دلیل ناراضیتی شاه این بود که وی قبل از اینکه مطیع اوامر شاه باشد وابسته امریکا بود، زیرا او با اصرار جانسون رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده و سازمان سیا بر مسند نخست‌وزیر تکیه زده بود (اختریان، ۱۳۵۷، ص ۶۵).



به تدریج انگلیسی‌ها
تعداد بیشتری از
عوامل خود را به امریکا
معرفی کردند یا خود
به نفع امریکا از آنها
استفاده نمودند. مانند
علم، حسنعلی منصور،
هویدا، شریف‌امامی
و غیره. پس از کودتا
می‌بینیم که گاه یک
نخست‌وزیر وابسته به
انگلیس سر کار می‌آید
ولی به طرف امریکا
سوق پیدامی‌کند

تحلیل و ارزیابی

۷۱

آبان ۱۳۹۷
هیأت‌رئیس‌مجلس

هویدا طولانی‌ترین دوران نخست‌وزیری را در زمامداری پهلوی دوم دارد. هویدا بر خلاف منصور و امینی که به امریکا و انگلیس بیشتر از شاه گرایش داشتند، هم وابسته بود و هم هنر راضی نگه داشتن شاه را داشت.

فردوست معتقد است: هویدا وابسته به انگلیسی‌ها بود و توسط آنها به امریکایی‌ها معرفی شد (فردوست، ۱۳۷۴، ص ۲۵۹).

به تدریج انگلیسی‌ها تعداد بیشتری از عوامل خود را به امریکا معرفی کردند یا خود به نفع امریکا از آنها استفاده نمودند. مانند علم، حسنعلی منصور، هویدا، شریف‌امامی و غیره. پس از کودتای بینیم که گاه یک نخست‌وزیر وابسته به انگلیس سر کار می‌آید ولی به طرف امریکا سوق پیدا می‌کند (فردوست، ۱۳۷۴، ص ۳۸۲). طبق اسناد ساواک از قول مدیر کل تشریفات نخست‌وزیری، یکی از منابع دیپلماتیک امریکا اظهار داشته که دولت امریکا به طور خیلی جدی تعویض کابینه هویدا را از شاهنشاه آریامهر خواستار شد. نامبرده همچنین می‌گوید که اساساً کار تر و امریکایی‌ها از مخارجی که دولت ایران به نفع فوراً انجام داده فوق‌العاده ناراحت و عصبانی هستند (فردوست، ۱۳۷۴، ص ۲۸۸). بنابراین نه تنها امریکایی‌ها یا انگلیسی‌ها در آوردن نخست‌وزیران پهلوی بعد از کودتا نقش تعیین‌کننده داشته‌اند بلکه هنگام اتمام تاریخ مصرف مجدداً از شاه می‌خواستند که فرد دیگری را معرفی نماید.

حتی در بحران منتهی به انقلاب اسلامی نیز شاه نمی‌توانست بر اساس مصلحت خود تصمیم بگیرد و چهره‌هایی را بگمارد که از جایگاه مردمی بهتری برخوردار باشد. اشرف پهلوی می‌نویسد: «در ۵ شهریور، در نتیجه فشار امریکا، برادر م جعفر شریف امامی، رئیس‌جمهور سنا و مدیر عامل بنیاد پهلوی را به نخست‌وزیری برگزید. من از این انتصاب در کنفرانسی در برزیل آگاه و از انتخابی که شده بود بی‌نهایت متعجب گردیدم. به نظر من شرایط زمان ایجاب می‌کرد که رهبر قوی‌تری انتخاب شود.» (پهلوی‌ها، ۱۳۵۷، ص ۳۴۵).

ضعف روحی شریف امامی و نداشتن قابلیت‌های یک نخست‌وزیر را آخرین سفیر امریکا در تهران نیز تأیید می‌کند: «پس از انتصاب وی (شریف امامی) به مقام نخست‌وزیری، دوست و همکار من «مارتین هرتز» که در آن زمان سفیر امریکا در بلغارستان بود، اطلاعات جامعی درباره خصوصیات اخلاقی شریف امامی در اختیار من گذاشت. مارتین هرتز که سال‌ها قبل به عنوان مستشار سیاسی سفارت امریکا



نه تنها امریکایی‌ها
با انگلیسی‌ها
در آوردن
نخست‌وزیران
پهلوی بعد از کودتا
نقش تعیین‌کننده
داشته‌اند بلکه
هنگام اتمام تاریخ
مصرف مجدداً از
شاه‌می‌خواستند
که فرد دیگری را
معرفی نماید.

تحلیل‌ها

در ایران خدمت می‌کرد با جامعه ایرانی آشنایی زیادی داشت و ضمن تماس‌های خود با شخصیت‌های ایرانی با شریف امامی هم روابط نزدیک برقرار کرده بود (قبل از نخست‌وزیری). شریف امامی که از نظر ظاهر مردی سمین با سری طاس بود رفتاری سنگین و تا حدی غرور آمیز داشت اما از نظر من در پس این ظاهر سنگین هیچ عمقی وجود نداشت و من او را فاقد توانایی و قابلیت و تیزهوشی لازم برای حل مشکلات شاه در آن روزهای بحرانی می‌دانستم (سولیوان، ۱۳۷۵، ص ۱۵۳). سولیوان ادامه می‌دهد که شریف امامی همیشه من و سفیر انگلیس را مشترکاً به مشورت دعوت می‌کرد و این ملاقات‌های مشترک تقریباً با اکثر شخصیت‌های ایرانی و حتی شخص شاه نیز انجام می‌شد.

آموزگار نیز همانند نخست‌وزیران قبلی منتخب امریکا بود. شاه در این باره می‌گوید: «آموزگار را به خاطر درستی و دوستی‌اش با دولت امریکا انتخاب کردم» (اختریان، ۱۳۵۷، ص ۱۷۹). وابستگی زاهدی به امریکا به حدی است که شاه بارها از مقامات امریکا گلایه می‌کند. حتی در زمانی که زاهدی نخست‌وزیر نبوده نیز مأمور اجرای فرامین آنان بوده است. سولیوان در این باره می‌نویسد: «شاه چند بار درباره فعالیت‌های زاهدی با من صحبت کرده و گفته بود که کارهای او را تأیید نمی‌کند. او در واقع می‌خواست هشدار بدهد که ما نباید گول اقدامات زاهدی را بخوریم و به امید نتیجه‌بخش بودن کارهای او بنشینیم.» البته زاهدی خط ارتباطی مستقیم خود را با واشنگتن داشت و مرتباً برژینسکی را در جریان فعالیت‌های خود می‌گذاشت (سولیوان، ۱۳۵۷، ص ۱۷۸).

۴- جاسوسان حکومتی

یکی از اقدامات امریکایی‌ها و انگلیسی‌ها در ایران بعد از کودتای ۲۸ مرداد نفوذ در شخصیت‌ها و یارگیری در بین آنان بود. این مسئله هم مسئولان درون قدرت را در بر می‌گرفت و هم نخبگان حزبی اپوزیسیون را پوشش می‌داد. براساس گزارشی که ۲۶ نوامبر ۱۹۶۹ (۵ آذر ۱۳۴۸) بخش اطلاعاتی سفارت امریکا به واشنگتن مخابره می‌کند رابطین اطلاعاتی خود را در چهار حوزه ۱- وزارت خارجه ۲- مجلس ۳- روزنامه‌نگاران ۴- سایر تقسیم و اسامی هر بخش را با هویت مشخص اعلام می‌کند.

۴-۱- وزارت امور خارجه: شامل عزالدین کاظمی (رئیس بخش حقوقی و مذاکرات مربوط به قراردادها)، جعفر ندیم (سرپرست قسمت سازمان‌های بین‌المللی)، احمد تهرانی (سرپرست بخش هفتم خاور دور)، فریدون زندفرد (سرپرست بخش فهم سیاسی - خلیج فارس) و صادق حیدریه (سرپرست بخش پنجم سیاسی آسیای جنوب و کشورهای غیر عرب خاورمیانه)



شریف امامی که از نظر
ظاهر مردی سمين با
سری طاس بود رفتاری
سنگين و تاحدی
غرور آمیز داشت اما
از نظر من در پس این
ظاهر سنگين هيچ
عمقی وجود نداشت و
من او را فاقد توانایی و
قابلیت و تیزهوشی لازم
برای حل مشکلات شاه
در آن روزهای بحرانی
می دانستم (سولیان،
۱۳۷۵، ص ۱۵۳).

تحلیل و گزارش

۲۳

آبان ۱۳۹۷
هیأت‌رئیس‌مجلس

۴-۲- مجلس: سناتور محمد سعیدی (جعفر شریف امامی رئیس مجلس سنا)، محمدعلی رشتی، دکتر محمود رضائی (رئیس کمیته روابط خارجی) و بهمن شاهنده ۴-۳- روزنامه‌نگاران: پرویز راتین (خبرنگار آسوشیتد پرس)، جواد دولو (خبرنگار روزنامه لوموند)، داریوش همایون (سر دبیر روزنامه آزادگان)، اس. باخاش (خبرنگار بین‌المللی کیهان)، جهانگیر بهروز (ایران اکو)، یوسف (جو) و مازندی (یونایتد پرس و ایران تربیون)

۴-۴- سایرین: سیروس غنی و فریدون مهدوی (قائم مقام بانک بین‌المللی توسعه صنایع)، رضا مقدم (معاون سازمان برنامه)، رضا امین (رئیس دانشگاه آریامهر)، احمد قریش (استاد دانشگاه)، بهمن (پروین)، امینی، مجید مجیدی (وزیر کار) محی‌الدین نبوی نوری (وکیل)، حسین نصر (محقق) و پرویز راجی (اسناد لانه جاسوسی، جلد ۱۷، ص ۶۱)

دقت در انتخابات نوع افراد و عرصه‌های حضور آنان نشان می‌دهد امریکا در همه حوزه‌های ایران اعم از قانونگذاری، وزارت خارجه، رسانه‌ها، اقتصاد و... نفوذ کرده است به همین دلیل است که سولیان می‌گوید وقتی اطلاعات من درباره ایران بیشتر از شاه بود، شاه شگفت‌زده می‌شد.

۵- کاپیتولاسیون اوج خیانت به استقلال ایران

اجرای لایحه کاپیتولاسیون مهم‌ترین اقدام دوران نخست‌وزیری منصور محسوب می‌شود. ریشه کاپیتولاسیون هم به تحولات بعد از کودتای ۲۸ مرداد برمی‌گردد. این لایحه آنقدر ذلت‌بار بود که یکی از زیرساخت‌های انقلاب اسلامی ایران را فراهم آورد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ رژیم ایران به دنبال تکیه‌گاهی در خارج از قلمروی حاکمیت ملی خود بود تا بتواند با تقویت نیروهای نظامی و تجهیز سیستم، مخالفت‌ها و ناآرامی‌های داخلی را سرکوب کند. سرانجام این گرایش منجر به خرید روزافزون اسلحه از امریکا و توسعه سلاح‌های پیشرفته نظامی در ایران شد. با سرازیر شدن تجهیزات و تسلیحات امریکایی، کارشناسان نظامی امریکا نیز روز به روز بر تعدادشان افزوده می‌شد. با توسعه روابط سیاسی-اقتصادی و نظامی بین دو دولت ایران و امریکا، سرانجام وزارت جنگ امریکا تصمیم گرفت که به منظور کسب حیثیت بیشتر و افزایش رفاه اتباع خود در ایران و با استفاده از فرصت پیش آمده، پیشنهاد اعطای مصونیت‌های سیاسی و قضایی را برای اتباع خود به دولت ایران

بنماید، بنابراین این پیشنهاد برای اولین بار در زمان صدارت دکتر علی امینی در تاریخ ۲۸ اسفند ۱۳۴۰ از طرف مقامات امریکایی توسط سفیرشان در تهران به وزارت خارجه تسلیم شد. امینی از عواقب آن خبر داشت و با وقت‌کشی از کنار آن گذشت. دولت اسدالله علم در اواخر سال ۱۳۴۱ درخواست امریکارا برای اعطای مصونیت به مستشاران امریکایی مورد بررسی قرار داد و موافقت خود را از طریق وزارت خارجه به امریکایی‌ها اعلام کرد (اخترین، ۱۳۷۷، ص ۴۴). سرانجام لایحه کاپیتولاسیون در تاریخ ۲۳ مهر ۱۳۴۳ برای تصویب نهایی به مجلس شورای ملی فرستاده شد. پس از تصویب این لایحه وامی به مبلغ ۲۰۰ میلیون دلار به ایران اختصاص داده شد که از آن به عنوان پاداش به ایران برای تصویب لایحه کاپیتولاسیون یاد می‌شد (بدقی، ۱۳۷۱، ص ۱۶۰).

قضیه کاپیتولاسیون از محدود دخالت‌های امریکایی‌ها در امور داخلی ایران است که قبل از آن نیز در سال ۱۲۶۷ هجری توسط امیرکبیر لغو شده بود و از جهت تحقیر ملی برای بسیاری از نخبگان سیاسی و دینی جامعه قابل هضم نبود و واکنش اجتماعی نسبت به آن شدید بود. ورود امام خمینی به این ماجرا مشابه ورود میرزای شیرازی به ماجرای تنباکو بود. کاپیتولاسیون را باید نقطه عطف در بیداری ایرانیان و حساسیت نسبت به وابستگی به غرب دانست که منشأ تحولات سال‌های بعد شد. علاوه بر آن منصور نیز خون خود را نثار تصویب این لایحه نمود؛ لایحه‌ای را که امینی و علم با هوشمندی آن را مشمول گذر زمان کرده بودند. امام خمینی که تازه از تهران به قم بازگشته بود و در منزل خود تحت نظر بود، در چهارم آبان ۱۳۴۲ علیه این لایحه موضع گرفت و ۱۱ روز بعد از آن به ترکیه تبعید شد: «اگر یک آشپز امریکایی مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور کند پلیس ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد، دادگاه‌های ایران حق ندارند محاکمه کنند... رئیس‌جمهور امریکا بدانند، بدانند این معنا را که منفورترین افراد دنیاست، پیش ملت‌ها... آقا تمام گرفتاری ما از این امریکا است. تمام گرفتاری ما از این اسرائیل است. اسرائیل هم امریکا است. این و کلاهم از امریکا هستند. این وزرا هم از امریکا هستند. همه تعیین آنهاست. اگر نیستند چرا نمی‌ایستند در مقابل داد بزنند؟» (روحانی، ۱۳۵۸، ص ۱۴۲).

۶- تجزیه ایران

یکی دیگر از مداخلات انگلیس در ایران جداسازی بحرین بود. فشار انگلیس بر ایران برای جداسازی بحرین به حدی بود که خود مقامات ایرانی بحرین را بی‌اهمیت جلوه می‌دادند تا انفعال و بی‌ارادگی دولت ایران در مواجهه با آن را موجه جلوه دهند. سرانجام در چهارم ژانویه ۱۹۶۹، شاه در کنفرانسی در دهلی نو اعلام داشت: «کشور پهناور و غنی ما نیاز به گرفتن زمین

“

یکی از اقدامات
امریکایی‌ها و
انگلیسی‌ها در
ایران بعد از کودتای
۲۸ مرداد نفوذ در
شخصیت‌ها و یارگیری
در بین آنان بود. این
مسئله هم مسئولان
درون قدرت را در بر
می‌گرفت و هم نخبگان
حزبی اپوزیسیون را
پوشش می‌داد.

تحلیل ژورنالی

۷۵

آبان ۱۳۹۷
هیأت‌رئیس‌نگاران اسلام

“

اجرای لایحه
کاپیتولاسیون
مهم‌ترین اقدام دوران
نخست‌وزیری منصور
محسوب می‌شود.
ریشه کاپیتولاسیون
هم به تحولات بعد
از کودتای ۲۸ مرداد
برمی‌گردد. این لایحه
آنقدر ذلت‌بار بود که
یکی از زیرساخت‌های
انقلاب اسلامی ایران را
فراهم آورد.

بازور و حيله ندارد، کشور ما که تجاوز را محکوم می‌سازد، بدیهی است خود به تجاوز
مبادرت نمی‌ورزد، سیاست مستقل ملی ایران بیش از پیش این روش پسندیده
را تحکیم بخشیده و بر مبنای صلح‌خواهی و حفظ روابط دوستانه با همه ملل و
تأمین سعادت جوامع دنیا استقرار ساخته و در این صورت جز راه مسالمت‌جویانه
طریقی پیش نخواهد گرفت. یا مردم بحرین خواهان الحاق به ایران می‌باشند یا
نمی‌باشند، اگر مایلند راه عاقلانه و صحیح بر اساس مراجعه به آرای عمومی و مداخله
برای بزرگ‌ترین مرجع بین‌المللی یعنی سازمان ملل متحد باز است، به صورتی
دنیاپسندانه می‌توانند این راه را پیش گیرند و این معما و مشکل را حل کنند و اگر
این راه را انتخاب نکنند و تحریکاتی در این زمینه باشد و استعمار به صورت مختلف
انجام این نیت خیر خواهانه را مانع گردد، نه فقط این مشکل باقی می‌ماند بلکه ممکن
است صورت دیگری به خود بگیرد.» به هر حال شاه در این کنفرانس به طور ناگهانی
تصمیم خود را مبنی بر چشم‌پوشی از ادعاهای دیرینه ایران نسبت به بحرین گرفت و
اظهار داشت: «اگر اهالی بحرین نمی‌خواهند به کشور من ملحق شوند ایران ادعاهای
ارضی خود را در مورد این مجمع الجزایر پس می‌گیرند و خواسته اهالی بحرین را اگر
از نظر بین‌المللی مورد قبول قرار بگیرد، می‌پذیرد.» پس از این بیانات، دولت ایران
از دبیر کل سازمان ملل متحد تقاضای میانجیگری و اعلام کرد نظر دبیر کل را مبنی
بر اینکه به تصویب شورای امنیت برسد، می‌پذیرد. سپس در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۹
شورای امنیت گزارش نماینده دبیر کل را که به بحرین سفر کرده بود تصویب کرد.
در این گزارش آمده بود: «کثرت قاطع اهالی بحرین خواستار شناسایی هویتشان
به عنوان یک کشور مستقل و دارای حق مالکیت می‌باشند که در برقراری مناسبات
با سایر کشورها آزادی عمل داشته باشند.» بدین سان با تصویب مجلسین ایران در
سال ۴۹ قطعنامه مذکور پذیرفته شد و در دوران نخست‌وزیری هویدا قضیه بحرین
برای همیشه خاتمه یافت. در ۲۳ مرداد ۱۳۵۰ نیز بحرین اعلام استقلال کرد و
اولین کشوری که آن را به رسمیت شناخت، ایران بود. به هر حال به این نتیجه دست
می‌یابیم که شاه برای توسعه قدرت خویش در منطقه و تسلط بر آب‌های خلیج فارس
و دریای عمان، همزمان با خروج نیروهای انگلیسی از منطقه این تصمیم را گرفت
و تجزیه بحرین را به عنوان جلب حمایت انگلیس برای باز گذاشتن دست وی در
حفظ امنیت خلیج فارس پذیرفت. «چون دولت انگلستان در حدود ۱۵۰ سال بر

بحرین حاکمیت داشته و یکی از مستعمرات آن به شمار می‌رفته و سیاست عربی کردن سکنه ایرانی‌الاصل بحرین نیز از طرف انگلیس اعمال شده است، در نتیجه پیوند فرهنگی و احساس ملی میان مردم ایران بر بحرین از بین رفته است. بنابراین برای استقرار حاکمیت مجدد ایران بر بحرین باید از نیروی نظامی استفاده کرد که این با سیاست دولت ایران مبنی بر حل اختلاف به صورت مسالمت‌آمیز مغایر است. «جعفری ولدانی، ۱۳۷۶، ص ۴۳۲». همچنین دلایل چرخش سیاست خارجی ایران به دستور امیرعباس هویدا نخست‌وزیر وقت، توسط معاون وزیر امور خارجه این‌طور بیان شد: «درست است که ما تا به حال در بحرین حاکمیت داشته‌ایم، ولی مسائل و دلایل سیاسی گاه تغییر وضع می‌دهند و از جمله در مسئله حاکمیت‌ها. وی همچنین ادعا کرد که: معادن نفتی بحرین تمام شده در واقع از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نیست که ما بحرین را داشته باشیم. سوم اینکه اگر ما بخواهیم آنجا برویم مردم آنجا با ما مقابله می‌کنند. چهارم اینکه، این تمهیدی است برای اینکه بر همه خلیج فارس مسلط شویم.» (پزشکپور، کیهان هوایی، ش ۱۰۰۴، ص ۲). هویدا همچنین در این رابطه اعلام کرد: «مصلح عالیله ملت ایران بیش از هر چیز و سرنوشت ما و برادران مسلمان ما در آن سوی خلیج فارس ایجاب می‌کرد که از هیچ اقدامی برای دفاع در برابر استعمار فروگذاری نشود، تجزیه بحرین مظهر بارزی از سیاست مستقل ماست...» (روزنامه آیندگان، ۱۳۵۰/۱۲/۲۷) همانگونه که از انتهای جمله هویدا بر می‌آید توجه از دست دادن بحرین هیچ شنونده‌ای را اقناع نمی‌کند. وی معادن نفتی بحرین را تمام شده می‌داند که وضعیت امروز بحرین این مدعا را غیر کارشناسی و غیرمسئولانه می‌شمارد. دولت ایران این امر را در راستای سیاست مستقل ارزیابی می‌کند. این در حالی است که نشان از عدم استقلال و وابستگی است. سیاست مستقل هیچ موقع جدایی بخشی از کشور را تجویز نمی‌کند. استدلال‌های شاه و نخست‌وزیر ایران برای جدایی بحرین فقط برای فرار از افکار عمومی است. تسلط پر سر و صدا بر جزایر سه‌گانه ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک که اندکی بعد از استقلال بحرین صورت گرفت نشان از وادادگی آنان در استقلال بحرین دارد. به هر حال مسئله بحرین را باید در راستای تسلط انگلیس بر سیاست خارجی و تصمیمات داخلی مسئولان ایران در آن زمان ارزیابی نمود که برخلاف مدعای ایران‌گرایی و سیاست ناسیونالیستی پهلوی اتفاق افتاد.

در سال‌های ۱۲۲۸ و ۱۲۴۳ هجری قمری نیز ولایات شمالی رود ارس به صورت کامل از ایران تجزیه و تحویل روسیه شد که تلخی این اتفاق همچنان روح نسل‌های ایران را می‌آزارد. در زمان محمد شاه و نهایتاً ناصرالدین شاه با فشار انگلستان بر بوشهر و تهدید شیراز، هرات



تجربه ۱۷۰ ساله گذشته
 نشان می‌دهد رابطه
 ایران با غرب نمی‌تواند
 مبتنی بر توازن، احترام
 و دوجانبه باشد، بلکه
 نظام ارباب - رعیتی
 شرط غرب برای رابطه
 با ایران است که انقلاب
 اسلامی مانع آن شد.

تحلیل و ارزیابی

۲۲

آبان ۱۳۹۷
 هیأت‌رئیس‌رسان اسلام

نیز از ایران جدا شد و بخش‌های دیگری از بلوچستان نیز تحت فشار انگلیس به هندوستان داده شد.

ادامه این بحث را که بیشتر مربوط به بعد از انقلاب اسلامی است، در شماره بعد خواهید خواند.

نتیجه‌گیری:

تجربه ۱۷۰ ساله منتهی به انقلاب اسلامی نشان می‌دهد، از زمان آشنایی ایرانیان با غرب هیمنه و هیبت تاریخی - تمدنی ایران شکسته شده است که دلیل عمده آن بی‌لیاقتی حاکمانی است که بابتی خبری از جهان معاصر موجب عقب‌ماندگی ایران و تسلط قدرت‌های استعماری بر کشور ایران شدند. ضعف شخصیت، عدم پایگاه و حمایت مردمی، ضعف قدرت نظامی، وابستگی فکری - عاطفی برخی رجال ایرانی به غرب و منفعت‌طلبی‌های شخصی باعث شد ملت ایران با قیام سراسری به این دوران پایان دهد و استقلال خود را باز یابد.

تجربه ۱۷۰ ساله گذشته نشان می‌دهد رابطه ایران با غرب نمی‌تواند مبتنی بر توازن، احترام و دوجانبه باشد، بلکه نظام ارباب - رعیتی شرط غرب برای رابطه با ایران است که انقلاب اسلامی مانع آن شد.

منابع و مأخذ:

- ۱- اسناد لانه جاسوسی، دانشجویان پیرو امام، جلد‌های ۷ و ۱۷
- ۲- اختریان، محمد، نقش امیرعباس هویدا در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران، انتشارات علمی، تهران ۱۳۷۵
- ۳- بدای، حمیدرضا، بررسی رابطه ایران و آمریکا، دانشگاه امام صادق ۱۳۷۱
- ۴- دخالت خارجی‌ها در امور کشور، مرکز بررسی اسناد تاریخی، زمستان ۱۳۷۷
- ۵- فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی (خاطرات)، جلد اول، تهران ۱۳۷۵
- ۶- رائن، اسماعیل، حقوق بگیران انگلیس در ایران، چاپ اول ۱۳۴۷

تحلیل و تدوین

عبدالله ضیغمی

شکست آمریکا در جنگ اقتصادی
علیه ایران و روی آوردن به جنگ روانی

❖ دولت‌های مختلف آمریکا از ابتدای انقلاب اسلامی تا به امروز تلاش کردند به بهانه‌های مختلف (پرونده هسته‌ای، حقوق بشر، تروریسم، فعالیت‌های موشکی و ...) به اعمال تحریم‌های ضدایرانی بپردازند. تحریم‌های اعمالی طی ۴۰ سال گذشته که آسیب‌پذیر کردن و تضعیف اقتصاد ایران را هدف قرار داده در کوتاه مدت - نارضایتی مردم از وضعیت موجود - در میان مدت - دامن زدن به اعتراضات و تبدیل آن به اعتصابات و گسترش آن و شکاف با حاکمیت - و در بلندمدت - تغییر نظام ایران - را با راهبری اتاق جنگ اقتصادی آمریکا - یا همان وزارت خزانه داری آمریکا - دنبال می‌کنند.

شکل‌گیری تجمعات - نه به گرانی - و پس از آن شکل دادن به اعتراضات هدایت شده در دی ماه توسط سرویس‌های خارجی با تأثیر سوء مدیریت داخلی تلاش کرد ضمن القاء گسترش نارضایتی عمومی از وضعیت موجود، زمینه را برای فراگیر کردن اعتراضات، تجمعات و اعتصابات (همانند اعتصابات کامیون‌داران، اعتصاب اصناف و بازاریان و ...) فراهم نماید. این موضوع قرار بود با خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌های پیشین و اعمال تحریم‌های جدید موسوم به تحریم‌های هوشمند در راستای هدف بلندمدت واشنگتن یعنی - تغییر نظام ایران - دنبال شود.

ولی بررسی اقدامات اعمالی واشنگتن علیه جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که دولت ترامپ در رسیدن به اهداف و نیات خود، براساس آنچه در ادامه تشریح خواهد شد، شکست خورده است. به همین دلیل است که مقامات کاخ سفید تلاش می‌کنند با طرح ریزی سناریوهایی به جنگ روانی علیه ایران از طریق رسانه‌ها بپردازند.

الف: شواهد شکست آمریکا در جنگ اقتصادی علیه ایران

۱) بی اعتبار شدن گزینه تحریم در ۴ دهه گذشته

- استمرار و تقویت جمهوری اسلامی در عرصه اقتصادی با وجود ۴۰ سال تحریم (رشد ۵۹ برابری صادرات غیرنفتی، افزایش ۴۰۰ برابری شهرک های صنعتی و رشد درآمدها و...)
- شکست دور قبلی تحریم ها در سال های ۸۹ تا ۹۲ با وجود همراهی اکثر کشورها با آمریکا (اعتراف نماینده او باما در امور ایران به ناتوانی تحریم ها: اقتصاد ایران از سال ۹۱ به سمت ثبات رفت / او باما: اگر می توانستیم پیچ های تاسیسات هسته ای ایران را نیز باز می کردیم / کری: تحریم ها نمی تواند برنامه هسته ای ایران را متوقف کند / او باما: تصویب تحریم های تازه علیه ایران، نه تنها مذاکرات هسته ای با این کشور را به شکست می کشاند، بلکه موجب می شود تا آمریکا منزوی شود)
- عدم تبعیت کشورهای مختلف از سیاست تحریم آمریکا علیه ایران به مانند گذشته در تحریم های جدید (مخالفت اتحادیه اروپا، کشورهای شرق آسیا، هند و ترکیه)

۲) ناتوانی در اجرایی کردن سیاست "به صفر رساندن صادرات نفت ایران"

- عقب نشینی و معافیت هشت کشور (هند، چین، کره جنوبی، ژاپن، ترکیه، یونان، تایوان، ایتالیا) از تحریم خرید نفت ایران علی رغم اعلام قاطع به صفر رساندن فروش نفت ایران توسط مقامات واشنگتن (جان بولتون: آمریکا نمی تواند صادرات نفت ایران را کاملاً قطع کند و ما می دانیم که برخی کشورها خرید نفت را ادامه می دهند).
- افزایش ۳۰۰ هزار بشکه ای فروش نفت ایران با آغاز معافیت ها (بلومبرگ طی گزارشی نوشت با اعطای معافیت به کشورهایی که خرید نفت ایران را متوقف کرده بودند، اکنون صادرات نفت ایران در ماه نوامبر یعنی نخستین ماه بازگشت تحریم ها ۳۰۰ هزار بشکه افزایش می یابد نه کاهش و این چیزی نیست که ترامپ منتظرش بود).
- افزایش قیمت نفت و ضربه به رشد اقتصادی کشورها تا پیش از اعطای معافیت ها (بلومبرگ: کاهش عرضه نفت ایران در بازارهای جهانی طبیعتاً موجب افزایش قیمت این کالا شده و این موضوع موجب نارضایتی اقتصادهای نوظهور دنیا مانند چین، هند و... به عنوان مشتریان اصلی نفت ایران شده لذا این کشورها چندان با تحریم نفت ایران همراهی نخواهند کرد).

• فقدان جایگزین برای صادرات ۲,۵ میلیون بشکه‌ای نفت ایران (رویترز): در بدترین سناریو، صادرات نفت ایران از ۷۰۰ هزار بشکه کمتر نمی‌شود و حتی عربستان هم نمی‌تواند کاهش عرضه را جبران کند/ کالین کال، مشاور رئیس‌جمهور سابق آمریکا: بعید است که دولت ترامپ در دستیابی به هدفش برای به صفر رساندن صادرات نفت ایران موفق شود)

• ایجاد ثبات و کاهش قیمت نفت به ۷۰ دلار بواسطه اطمینان بازار از عرضه نفت ایران

• افزایش نیاز دنیا به نفت و به تبع آن ضرورت واردات از ایران به عنوان یکی از عمده‌ترین صادرکنندگان نفت (اؤانس بین‌المللی انرژی: در حال حاضر دنیا روزانه نیاز به ۱۰۰ میلیون بشکه دارد که با توجه به رشدهای اقتصادی موجود در دنیا به رغم افزایش انرژی‌های تجدیدپذیر نیاز به انرژی‌های فسیلی مانند نفت نیز در حال افزایش است).

۳) شکست در ایجاد اجماع علیه ایران در اجرایی کردن تحریم‌ها

• به روزرسانی قانون انسداد اتحادیه اروپا برای حمایت از شرکت‌های اروپایی در برابر تحریم علیه ایران (خبرگزاری فرانسه: بیانیه مطبوعاتی کمیسیون اروپا: بخشنامه‌ی به روز شده انسداد بخشی از حمایت اتحادیه اروپا از ادامه روند اجرای موثر و نامحدود برجام یا همان توافق اتمی با ایران می‌باشد. به همین منظور روابط تجاری و اقتصادی میان اتحادیه اروپا و ایران، به ویژه آن دسته از روابطی که پس از امضای برجام و برداشته شدن تحریم‌های هسته‌ای به حالت عادی برگشته بود، پابرجا نگاه داشته خواهد شد).

• راه‌اندازی یک سیستم مالی جدید از طرف اروپا برای مبادلات مالی با ایران (SPV)

• تلاش اروپا برای دفاع از استقلال و حیثیت سیاسی در مقابل سلطه‌گری آمریکا (برونو لومر، وزیر دارایی فرانسه: اتحادیه اروپا در حال بررسی راه‌هایی است که خسارت شرکت‌هایی که با ایران همکاری می‌کنند، جبران شود. آیا ما می‌پذیریم که آمریکا پلیس اقتصادی این سیاره است؟ پاسخ اروپایی‌ها باید به روشنی منفی باشد./ سخنگوی کمیسیون اروپا: منتظر واکنش اروپا به تحریم‌های واشنگتن علیه تهران باشید).

• مخالفت شدید چین، روسیه، ترکیه، عراق، اتحادیه اروپا و عمده کشورهای دیگر با تحریم ایران و اعلام ادامه همکاری‌های اقتصادی (هواچنینگ، سخنگوی وزارت خارجه چین: با تحریم‌های یک‌جانبه به شدت مخالفیم. باید به شراکت تجاری قانونی با ایران احترام گذاشته شود/هایکو ماس، وزیر امور خارجه آلمان: اقدامات آمریکا اشتباه است و آلمان به همراه اتحادیه اروپا اقدامات لازم را برای حفظ و زنده نگاه داشتن توافق هسته‌ای انجام خواهد داد/اشفتان زایبرت، سخنگوی دولت آلمان: با تحریم‌های آمریکا مخالفیم و همکاری میان دو کشور بر مبنای قوانین اروپایی همچنان امکان‌پذیر است/فرانسه: پاریس به تلاش‌ها برای مقابله با تحریم‌های ضدایرانی آمریکا ادامه خواهد داد. اختلاف بر سر تحریم‌های ایران نشان داد اتحادیه اروپا باید استقلال ما را تحکیم بخشد/سخنگوی ترزای، نخست‌وزیر بریتانیا: ما به طور کامل از توسعه روابط تجاری مان با ایران حمایت می‌کنیم و کسب و کارهای بریتانیایی را تشویق می‌کنیم تا از موقعیت‌های تجاری پدید آمده بهره ببرند/اردوغان: ترکیه از تحریم‌ها تبعیت نمی‌کند/چاوش اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه: من تصور نمی‌کنم که این تحریم‌ها هیچ نتیجه‌ای داشته باشد/سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه: با وجود تحریم‌ها راه‌هایی برای جلب همکاری با ایران پیدا خواهد شد/مسکو: دوران ضرب‌الاجل به سر آمده است/جوزپ بورل، وزیر امور خارجه اسپانیا: هرگونه موضع مبتنی بر ضرب‌الاجل از جانب هر کشوری از جمله آمریکا محکوم و غیرقابل پذیرش است. این ایده که شما یا با من هستید یا بر ضد من به این عصر تعلق ندارد/دولت سوئیس: برای اطمینان از نبود مشکل در نقل و انتقال غذا، دارو و مایحتاج بشر دوستانه در حال رایزنی با آمریکا، اروپا و ایران جهت ایجاد یک کانال مالی هستیم/عبدالمهدی، نخست‌وزیر عراق: از تحریم‌های ضدایرانی آمریکا تبعیت نمی‌کنیم/پی‌یر موسکوویسی، کمیسر امور اقتصادی کمیسیون اروپا: اتحادیه اروپا با تحریم‌های آمریکا مخالف است و اقدام واکنش‌گرا را تایید نمی‌کند و به دنبال حفظ روابط تجاری و مالی با ایران است/گوردون ساندلند، سفیر آمریکا در اتحادیه اروپا: از واکنش اروپا به تحریم‌های ایران مایوس شدیم.)

۴) عدم تقویت موضع دولت ترامپ در آمریکا با اعمال تحریم‌های ضدایرانی

• شکست جمهوری خواهان در انتخابات کنگره علی‌رغم تلاش کاخ سفید برای بهره برداری تبلیغاتی از تحریم‌های ایران حتی با جابجایی تاریخ اجرای تحریم‌ها از ۱۷ به ۱۳ آبان یعنی قبل از انتخابات

۵) فراهم شدن زمینه توجه به توانمندی ها و منابع داخلی

• راه اندازی بورس انرژی و استقبال بخش خصوصی از خرید نفت ایران در آن (فروش ۲۸۰ هزار بشکه در روز اول)

• پیش بینی و راه اندازی سامانه های جایگزین سوئیت برای همکاری با شرکای تجاری توسط بانک مرکزی (عراقچی معاون وزیر خارجه ایران گفت: «ایران و شرکای تجاری اش در حال طراحی مکانیزمی هستند تا با دور زدن تحریم های آمریکا با هم دادوستد داشته باشند. به همین منظور هیئت های کارشناسی از بانک مرکزی در تعامل با مقامات اروپا هستند».)

• بهبود وضعیت ذخایر ارزی بانک مرکزی جهت مقابله با آثار تحریم ها (صندوق بین المللی پول در جدیدترین گزارش خود از شاخص های کلان اقتصاد ایران پیش بینی کرد: ذخایر ارزی ایران در سال جاری با افزایش ۱۳.۳ میلیارد دلاری به بیش از ۱۰۸ میلیارد دلار برسد.)

• مقاومت بالای اقتصاد ایران به دلیل وابستگی حداقلی به نظام اقتصاد بین الملل در بخش های استراتژیک (براین اوتول، کارشناس شورای آتلانتیک: حجم وابستگی اقتصاد ایران به خارج از مرزها بسیار اندک هست و همین عامل موجب آسیب پذیری کمتر اقتصاد ایران در برابر تحریم ها می شود. تعهدات بین المللی حداقلی ایران نسبت به تولید ناخالص داخلی شاهد براین ادعاست.)

• بازگشت نسبی آرامش به بازارها در مدت کوتاهی پس از آنکه رسانه های معاند و خارجی موج روانی و نزولایی شدن ایران را راه انداخته بودند.

۶) عدم تبعیت برخی کشورها از تحریم های ضد ایرانی و مجاب کردن و اشنگتن به اعطای معافیت

• اعطای معافیت در زمینه انرژی به همسایگان ایران به ویژه عراق و ترکیه («اردوغان»: ترکیه گاز خود را از ایران تأمین می کند و اگر نیاز خود را از جمهوری اسلامی تأمین نکنیم، چه کسی در فصل زمستان کشور ما را گرم خواهد کرد؟/ خبرگزاری فرانسه: آمریکا عراق را از تحریم واردات برق از ایران بعنوان بخشی از تحریم های یکجانبه علیه ایران معاف کرد)

۷) شکل گیری زمینه همکاری های جدید با برخی کشورها جهت مقابله با تحریم ها

- توافق ایران با روسیه، چین، هند، ترکیه، کره جنوبی و چند کشور دیگر برای مبادلات تجاری با ارزهای محلی (خبرگزاری یونهایپ: کره جنوبی اعلام کرد این کشور با ایران برای اینکه در تعاملات و تبادلات تجاری دو جانبه از ارزهای ملی از جمله 'وون' واحد پولی کره استفاده کنند، به توافق رسیده است. / همتی: توافق اولیه ایران با روسیه و ترکیه برای حذف دلار از مبادلات مالی)

- توافق با روسیه برای خرید نفت ایران و صادرات به اروپا در قالب فرآورده های نفتی (سند محرمانه وزارت خارجه رژیم صهیونیستی: توافق ایران و روسیه، تحریم های نفتی آمریکا را دور می زند)

۸) تداوم روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای مختلف

- شکست در توقف صادرات کالا به ایران حتی از خود آمریکا (رویترز: صادرات دو محموله سویا از طرف آمریکا به ایران در هفته گذشته علی رغم وضع تحریم ها)
- جذب سرمایه گذاران خارجی جدید با وجود تحریم آمریکا (برنامه روسیه برای سرمایه گذاری ۵۰ میلیارد دلاری زیربنایی در ایران / ادامه سرمایه گذاری چینی ها در ایران / سرمایه گذاری ۸۵ میلیون دلاری هند در چابهار / آلیس ولز معاون وزیر خارجه آمریکا در آسیای مرکزی: دولت دونالد ترامپ در ادامه مذاکرات با مقامات هندی برای تحریم بندر چابهار ناامید شده است.)

۹) شکل گیری جبهه اقتصادی ضد آمریکایی در جهان

- نزدیکی کشورهای تحریم شده از طرف آمریکا مانند روسیه و ترکیه و تقویت جبهه ضد تحریم در برابر ایالات متحده
- تسریع فرآیند جایگزینی ارزهای محلی به جای دلار توسط کشورهای مختلف از جمله چین و روسیه و ترکیه و اروپا و کاهش اثر دلار (بانک جهانی: روند نزولی ذخایر دلاری بانک های مرکزی حاکی از کاهش قدرت دلار نسبت به سال های گذشته است. و این روند با افزایش دادوستد بر اساس ارزهای محلی رو به فزونی است.)

ب: جنگ روانی برای جبران شکست در جنگ اقتصادی

آمریکا به خوبی می‌داند که با به کار گرفتن تمام توانش در جنگ اقتصادی علیه ایران، تنها می‌تواند هزینه‌هایی را به ما تحمیل کند و توان فروپاشی اقتصاد کشور را ندارد. به همین دلیل، آن‌طور که ریچارد نفیو، طراح پیشین تحریم‌ها علیه ایران می‌گوید، "آن‌ها روی عملیات روانی و ایجاد رفتارهای هیجانی مثل خرید مازاد بر نیاز کالا و یا ممانعت از فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری حساب باز کرده‌اند که باعث شده گاهی نوساناتی در اقتصاد ایران ایجاد شود." با این وجود حتی این ابزار نیز توان زمین‌گیر کردن اقتصاد ایران را نداشته و ندارد. البته ضرورت دارد مسئولان تمرکز بیشتری بر مقابله با عملیات روانی دشمن داشته باشند و با اقدامات پیشگیرانه از هزینه‌های احتمالی و آسیب رساندن به معیشت مردم جلوگیری کنند. آمریکا تلاش می‌کند به دروغ القا کند که اقتصاد جهان در دست اوست و اگر او بخواهد می‌تواند هر کشوری را شکست دهد. اخیراً نیز تمرکز خود را بر این قرار داده‌اند که در افکار عمومی ایران و جهان این باور را به وجود بیاورند که دور جدید تحریم‌ها با تحریم‌های پیشابرجامی متفاوت است و بسیار مخرب‌تر است. در صورتی که به دلیل عدم همراهی جامعه جهانی و تجربه تحریم‌های پیشین، در این بازه حتی هزینه‌های کمتری از تحریم‌های او باما متوجه اقتصاد ایران خواهد بود. در ذیل به بیان محورهای عملیات روانی واشنگتن در خصوص اثرات تحریم‌های ضدایرانی می‌پردازیم:

• القای بی‌سابقه بودن تحریم‌های جدید در حالی که در سال ۸۹ حداکثر

تحریم‌های ممکن اعمال شده بود (برایان هوک، مسئول امور ایران در دولت آمریکا: ایران دیگر نمی‌تواند نقض تحریم کند/ ترامپ: شدیدترین تحریم‌ها علیه ایران اعمال خواهد شد/ بازگشت شدیدتر تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران/ وزیر خاجه آمریکا: سخت‌ترین تحریم‌ها در طول تاریخ علیه تهران اعمال می‌شود)

• ایجاد نگرانی نسبت به دشواری آینده (برایان هوک، مسئول امور ایران در دولت آمریکا: ضرر دو میلیارد دلاری ایران از زمان خروج آمریکا از برجام/ بی‌بی‌سی: روزهای دشوار اقتصاد ایران پس از تحریم آمریکا/ رویترز: در ماه اوت فروش نفت ایران حدود یک میلیون بشکه کمتر از ماه پیش شده است/ مایک پمپئو: تحریم‌ها به سرعت شتاب می‌گیرند و باعث کاهش شدید فعالیت‌های اقتصادی ایران در عرصه

بین المللی خواهند شد. / ترامپ در تئوئتر: تحریم‌ها در راه است. / واشنگتن پست: تحریم‌های جدید ترامپ به مردم ایران فشار خواهد آورد / تلویزیون دُر تی وی: اعتراف اسحاق جهانگیری به «بحرانی» بودن وضعیت نظام / بلومبرگ: رویای قراردادهای سنگین چندملیتی ایران بر باد رفت / کیهان لندن: ابهام در امکان تهاوت در دوران تحریم؛ قطع روابط بانک‌های جهان با تاجران ایرانی)

• **ادعای توان آمریکابرای اعمال فشار بیشتر (جان بولتون: ما تحریم‌هایی خواهیم داشت که به مراتب سنگین‌تر از این تحریم‌ها بوده و در راه است / به این سطح از تحریم‌ها اکتفا نمی‌کنیم / بی‌بی‌سی: دولت ترامپ مصمم است رفتار ایران را تغییر دهد / وال استریت ژورنال: آمریکا قابلیت تشدید بیشتر تحریم‌ها طی ماه‌های آینده را برای خود محفوظ نگه داشته است)**

• **القای ادامه گرانی‌ها و موج‌های بعدی تورم (بی‌بی‌سی: اقتصاد ایران باید خود را برای روزهایی مبهم‌تر و دشوارتر از شرایط فعلی آماده کند. / آمدنیوز: تنها چند روز مانده به آغاز تحریم جهانی فروش نفت حکومت ایران، قیمت دلار و ارزش روند افزایشی به خود گرفته است. / صدای آمریکا: افزایش روزافزون قیمت‌ها در ایران / بی‌بی‌سی: اعتراضات خیابانی به گرانی در چندین شهر ایران)**

• **القای نزدیک بودن ابرتورم و ورشکستگی اقتصاد مانند ونزوئلا و زیمبابوه (بی‌بی‌سی: تحریم ممکن است تجربیاتی هولناک مثل ونزوئلا و حتی زیمبابوه را بر بازار و اقتصاد ایران تحمیل کند. / بازار مصرف ایران به سادگی ممکن است اوضاعی شبیه ابرتورم زیمبابوه (تورم حدود ۲۳۱ میلیارد در صد) را تجربه کند. / صدای آمریکا: کاهش درآمدهای نفتی در کنار رکود و تورم و استقراض، ایران را فلج می‌کند. / ادوارد لوتواک، عضو پیشین شورای امنیت ملی آمریکا: ورشکستگی رژیم اسلامی ایران اجتناب‌ناپذیر است / وزیر خزانه‌داری آمریکا: فروپاشی بزرگ اقتصادی ایران در راه است)**

• **تلاش برای تهییج مردم نسبت به انبار خانگی کالا (آمدنیوز: کمبود کالا باعث هجوم مردم به فروشگاه‌ها شده است / ذخیره مواد غذایی در خانه‌ها به دلیل بی‌اعتمادی به حکومت / رادیو فردا: آیا بحران کمبود کالا در ایران در راه است / صدای آمریکا: قیمت‌ها گران‌تر خواهند شد)**

• **بزرگنمایی نقش دلار بر اقتصاد ایران (یورونیوز: جو امنیتی در بازار ارز همزمان با رکورد زدن قیمت سکه و فراخوان اعتصاب / آمدنیوز: دلار روز به روز گران‌تر می‌شود /**

بی بی سی: آشفتگی های اخیر به شکل ملموسی بر زندگی روزمره ی ایرانیان تاثیر گذاشته است/راديو فردا: بالا رفتن نرخ ارز در ایران زندگی مردم رادشوار کرده است)

• **ایجاد ناامیدی نسبت به آینده و مدیریت کشور** (بی بی سی: بازگشت تحریم ها؛ پنجاه شرکتی که از ترس آمریکا از ایران رفتند/آمدنیوز: اعتصاب سراسری کامیونداران، وارد هجدهمین روز خود شد و همچنان حاکمیت و دولت از ارائه یک راهکار مناسب و منطقی عاجز است/کیهان لندن: تحریم ها فعالیت بخش هایی از ناوگان هوایی ایران را مختل کرده است)

• **القای قرار گرفتن جمهوری اسلامی ایران در بن بست؛ یا تسلیم یا فروپاشی** (بی بی سی: اقتصاد ایران در هیچ مقطعی طی چهل سال گذشته این حد شکننده، آشفته و آلوده به فساد نبوده است/آمدنیوز: آغاز فروپاشی رژیم نامشروع ایران/لوموند: در ایران طوفان و سقوط نزدیک می شود)

• **القای تنها ماندن ایران و تلاش برای شکاف ایران و متحدانش** (آمدنیوز: بخشنامه الزام آور بانک مرکزی عراق به بانک ها مبنی بر پایبندی به تحریم رژیم ایران/بی بی سی: چین و روسیه و ترکیه تحت فشار با آمریکا بر سر ایران معامله خواهند کرد/صدای آمریکا: چین از نفت ایران به عنوان ابزاری در جنگ تجاری با ایران استفاده می کند/ایران اینترنشنال: هیچ متحدی برای ایران نخواهد ماند/به شرکت ها و موسسات و دیگر کشورها هشدار داده شده است که اگر تحریم های آمریکا علیه جمهوری اسلامی را رعایت نکنند، باید منتظر عواقب آن باشند./رویترز: در مواجهه با تحریم های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی، عراق منابع ملی خود را در ارجحیت قرار می دهد/نیویورک پست: فرانسه به تازگی صحت صحبت های دونالد ترامپ را در این مورد که توافق هسته ای صلح و آرامش به ارمغان نخواهد آورد دریافته است.)

• **القای شکاف مردم و نظام** (بی بی سی: گسست میان ملت و حکومت هیچ زمان تا این اندازه ژرف، همه جانبه و بحرانی نبوده است/آمدنیوز: هزینه حکومت از جیب مردم؛ چه کسی هزینه تحریم ها را می پردازد؟/راديو فردا: مردم تا چه حد با حکومت همراهی خواهند کرد؟)

• **تحریک به تجمع و آشوب** (آمدنیوز: شرایط فعلی، به معنی ایجاد بسترهایی جدید برای اعتراضات اجتماعی خواهد بود. / تظاهرات خشم علیه فقر و فساد و تحریم؛ بیاییم بجای این که حکومت ما را قربانی تحریم‌ها کند، ما مردم حکومت را قربانی کنیم. / قیام در راه است؛ نکاتی در خصوص آمادگی برای قیام سراسری)

• **ادعای حذف در آمد نفتی ایران در آینده نزدیک** (برایان هوک، مسئول امور ایران در دولت آمریکا: هیچ کشور حق ندارد نفت ایران را جابجا یا بیمه کند. / کشتی‌های ایرانی، حالا دیگر خطری برای هر بندر و کانال از سوئز گرفته تا تنگه مالاکا هستند. احتمال بروز حادثه برای آنها زیاد است و اگر حادثه‌ای رخ دهد، شرکت‌های بیمه‌گر ایرانی نخواهند توانست خسارت را پرداخت کنند/ بدون لطمه به ثبات بازار، فروش نفت ایران را به صفر می‌رسانیم/ پمپئو: تا کنون ۲۰ کشور واردات نفت خود از ایران را به صفر رسانده‌اند/ ترامپ: معافیت هشت کشور به دلیل حمایت از شرکای آمریکا است/ فاکس نیوز: کاهش مجدد قیمت نفت به دنبال افزایش تولید آمریکا و عربستان/ بلومبرگ: لیبی کمبود نفت اوپک در پی تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی را جبران می‌کند/ وزیر انرژی آمریکا: آمریکا با تکیه بر ابزار جدیدش در حوزه انرژی می‌تواند جهان را از اتکا به نفت ایران رها کند/ ایران اینترنشنال: شرکت‌های نفتی آسیایی به علت تحریم‌های آمریکا به دنبال منابع جایگزین نفت ایران)

• **ادعای دوستی با مردم ایران و تلاش برای جدایی مردم و نظام** (معافیت‌های بشردوستانه زیادی را در حوزه غذا، دارو و تجهیزات پزشکی، در نظر گرفته‌ایم/ برایان هوک: آمریکا در کنار مردم پرافتخار ایران ایستاده است/ آمدنیوز: دارو هیچ‌وقت تحریم نبوده و نیست/ پمپئو: رهبران ایران می‌توانند دلارهای شان را صرف کمک‌های بشردوستانه برای مردم خودشان کنند اما این دلارها را خرج تروریسم و ناامنی در منطقه می‌کنند/ حراج ثروت ملی برای دور زدن تحریم‌ها)

• **القای موفقیت آمیز بودن تحریم‌ها و عقب‌نشینی ایران در آینده نزدیک** (ترامپ: خواهید دید که تحریم‌ها با ایران چکار خواهد کرد/ مایک پمپئو: مطمئن هستیم که ایرانی‌ها برنامه هسته‌ای خود را از سر نمی‌گیرند. / لیبرمن، وزیر دفاع اسرائیل: آمریکا با یک حرکت، به اقدامات ایران در سوریه، لبنان، غزه، عراق و یمن ضربه قاطع زد. / کاخ سفید: با این تحریم‌ها، منابع مالی رژیم برای حمایت از گروه‌های تروریستی قطع می‌شود و همچنین ایران برنامه موشکی خود را متوقف می‌کند. / صدای آمریکا: چرا تحریم‌های

ترامپ بر ایران چنین موثر است؟/ صدای آمریکا: ایران احتمالا تغییر رفتار تاکتیکی خواهد داد)

- **اعلام تحریم‌های گذشته با عناوین جدید برای ایجاد التهاب (دولت آمریکا: ۵۰ بانک ایرانی تحریم شدند/ ۳۰۰ فرد و شرکت ایرانی تحریم شدند)**
- **تلاش برای برهم زدن ثبات اقتصادی ایران (آمدنیوز: در بانک و بورس ایران سرمایه گذاری نکنید/ بانک‌های ایرانی ورشکسته می‌شوند)**
- **تلاش برای ایجاد شکاف بین نیروهای داخلی و تضعیف نهادهای انقلابی (فارین پالیسی: منفعت سپاه از قاچاق در پی تحریم آمریکا/ مارک دوبویتز: تحریم علیه ستاد اجرایی فرمان امام که با ۹۵ میلیارد دلار ثروت زیر دست رهبر ایران است، اهمیت زیادی دارد)**

بهره سخن

آنچه مشهود است دولت ترامپ تمام توان خود را برای رسیدن به راهبرد بلند مدت خود یعنی "تغییر نظام ایران" در طول یکسال گذشته به خصوص با ایجاد تغییرات در کابینه و برجسته کردن مثلث ضد ایرانی "بولتون - پمپئو - هیلی" به کار گرفته تا همانگونه که مقامات این کشور ادعا کرده اند، مردم ایران چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی خود را جشن نگیرند. ولی آنچه در عمل اتفاق افتاد این است که آمریکا اگرچه با بهره برداری از برخی سوء مدیریت های داخلی در ایران و اعمال تحریم ها توانست برخی فشارهای اقتصادی را علیه ایران وارد نمایند ولی در شیفیت راهبردهای کوتاه مدت به میان مدت و سپس محقق کردن راهبرد بلندمدت ناکام ماند. شاهد برجسته این ادعا شکست سیاست تحریم آمریکا علیه ایران در جنگ اقتصادی طراحی شده توسط وزارت خزانه داری و وزارت خارجه آمریکا این کشور با صرف هزینه های سنگین است. به همین دلیل است که این روزها رسانه های همسو با دولت آمریکا با شیفیت سیاست کاخ سفید از "جنگ اقتصادی به جنگ روانی" تلاش می کنند براساس محورهایی که در بالا گفته شد، به القاء موفق بودن گزینه تحریم بپردازند.